

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



راهکارهای عملی مبارزه با فساد اداری در افغانستان

(مشکلات و راه حل‌ها)

نویسنده: خرنیاز احمد راشد طوطاخیل



نام کتاب:

راهکار های عملی مبارزه با فساد اداری در افغانستان
(مشکلات و راه حل ها)

نویسنده:

خارنیاړ احمد راشد طوطاخیل

طرح جلد و برگ آرای:

هادی شجاعی

ناشر:

انتشارات سعید

چاپ و صحافی:

چاپخانه سباوون

شماره گان:

۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ:

۱۳۹۳ خورشیدی

بها: ۱۳۰ افغانی

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



انتشارات سعید نشانی: ابتدای جاده‌ی آسمایی، کابل.

شماره‌های تماس:

۰۷۰۵۸۱۴۶۴۲ و ۰۷۹۹۳۱۲۷۶۳

۰۷۸۸۱۰۰۱۵۷ و ۰۷۰۷۵۷۵۹۳۵

Shirahmad_saedy@yahoo.com

S_p2009@ymail.com

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
------------	---

بخش اول

فساد اداری

۱.۱ تعریف فساد اداری.....	۷
۱.۲ انواع جرایم فساد اداری در افغانستان.....	۸
۱. رشوت.....	۸
۲. اختلاس.....	۱۱
۳. سرقت اسناد.....	۱۲
۴. اتلاف غیر مجاز اوراق و اسناد رسمی.....	۱۳
۵. تجاوز از حدود صلاحیت قانونی.....	۱۳
۶. سوء استفاده از موقف وظیفوی.....	۱۴
۷. ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت.....	۱۵
۸. استفاده از امکانات دولتی و اوقاف رسمی در امور شخصی.....	۱۷

۹. امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی	۱۸
۱۰. کتمان حقیقت	۲۰
۱۱. افزایش غیر قانونی دارایی	۲۱
۱۲. تزویر اسناد	۲۱
۱۳. انتحال وظیفه	۲۲
۱۴. اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از کار در امور مربوط	۲۳
۱۵. تعلل در اجرای وظیفه محوله	۲۳
۱۶. عدم رعایت قواعد سلوکی اداره مربوطه	۲۴
۱۷. دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقه‌ای، مذهبی، حزبی، جنسی و شخصی در اجرای امور محوله	۲۵
۱۸. اجرا و یا امتناع سایر اعمال مندرج ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری	۲۵

بخش دوم

فساد و مشکلات در ادارات عدلی و قضایی افغانستان

۲.۱ مشکلات تشکیلاتی ادارات عدلی و قضایی	۳۰
۲.۲ مشکلات اجرایی ادارات مبارزه با فساد اداری	۳۲
۲.۲.۱ شیوه فعلی کشف و تحقیق جرایم فساد اداری در افغانستان	۳۳
۲.۲.۲ نواقص شیوه فعلی کشف و تحقیق جرایم فساد اداری	۳۶

بخش سوم

چگونگی اصلاح ادارات عدلی و قضایی افغانستان

- ۳.۱ رفع چالش‌های تشکیلاتی ادارات عدلی و قضایی ۴۳
- ۳.۱.۱ رفع ادارات موازی مبارزه با فساد اداری ۴۳
۱. کمیته مستقل مشترک مبارزه با فساد اداری ۴۴
۲. اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری ۴۴
۳. ریاست عمومی امنیت ملی ۵۸
۴. اداره لوی خازنوالی جمهوری اسلامی افغانستان ۵۸
۵. وزارت امور داخله (پولیس) ۵۹
- ۳.۱.۲ رفع تشکیلات موازی در داخل ادارات عدلی و قضایی ۶۲
- ۳.۱.۳ رفع تداخل وظیفوی ادارات عدلی و قضایی ۶۳
- ۳.۱.۴ ایجاد هماهنگی میان ادارات عدلی و قضایی ۶۳
- ۳.۱.۵ اصلاح منابع بشری در ادارات عدلی و قضایی ۶۴
- ۳.۲ رفع مشکلات اجراآت ادارات مبارزه با فساد اداری ۶۸
- ۳.۲.۱ شیوه نوین کشف و تحقیق جرایم فساد اداری ۶۸
- ۳.۲.۱.۱ کشف الکترونیکی جرایم فساد اداری ۷۰
- ۳.۲.۱.۲ شیوه کشف مخفی جرایم فساد اداری ۷۷
- طریقه اول ۷۷
۱. استراق سمع (ثبت مکالمات صوتی و تلفونی) ۷۸
۲. ماشین‌های فکس ۷۹
۳. ثبت تصویری فعالیت‌ها ۸۰
۴. کنترل سایر تسهیلات انتقالی و مخابراتی الکترونیکی ۸۱

۵. نظارت بر حسابات بانکی	۸۱
طریقه دوم	۸۲
۳.۲.۲ نحوه استفاده سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم	۸۳
۳.۲.۳ نحوه استفاده مدارک در پروسه کشف و تحقیق	۹۰
۳.۲.۴ فواید استفاده سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم	۹۱
۳.۲.۵ شرایط حقوقی استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی ..	۹۵
۳.۲.۶ اثرات حقوقی مدارک و شواهد	۹۹

بخش چهارم

فساد اداری ناشی از مشکلات و نواقص اسناد تقنینی در افغانستان

۴.۱ تدابیر اصلاحی اسناد تقنینی در افغانستان	۱۰۹
---	-----

بخش پنجم

مشکلات و فساد در قراردادهای دولتی

۵.۱ چگونگی رفع نقاط فساد برانگیز در قراردادهای دولتی	۱۲۴
--	-----

بخش ششم

فساد اداری و مشکلات غصب زمین‌ها و اراضی در افغانستان

۶.۱ راهکار رفع معضله غصب اراضی در افغانستان	۱۲۹
---	-----

بخش هفتم

فساد اداری و مشکلات زرع، کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان

- ۷.۱ عوامل کشت و زرع مواد مخدر در افغانستان ۱۳۲
- ۷.۲ عوامل قاچاق مواد مخدر در افغانستان ۱۳۳
- ۷.۳ چگونگی حل معضله کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر در افغانستان ۱۳۵

بخش هشتم

فساد اداری و مشکلات نبود امنیت (ناامنی)

- ۸.۱ تأثیرات ناامنی در گسترش فساد اداری ۱۳۹
- ۸.۲ تأثیرات فساد اداری در گسترش ناامنی ۱۴۰
- ۸.۳ تدابیر اصلاح و مبارزه با فساد در سکتور امنیتی ۱۴۲

بخش نهم

فساد اداری ناشی از مشکلات نظام بانکداری افغانستان

- ۹.۱ راهکارهای اصلاح نظام بانکداری افغانستان ۱۴۸

بخش دهم

مشکلات و فساد در گمرکات افغانستان

- ۱۰.۱ راهکارهای اصلاح گمرکات افغانستان ۱۵۳

بخش یازدهم

مشکلات و فساد در ادارات مالیاتی افغانستان

- ۱۱.۱ نواقص در سیستم تثبیت مقدار مالیات ۱۵۷
- ۱۱.۲ نواقص در سیستم جمع آوری مالیات ۱۶۰
- ۱۱.۳ تدابیر اصلاح سیستم تثبیت و جمع آوری مالیات ۱۶۲

بخش دوازدهم

فساد اداری ناشی از مشکلات در ثبت و توزیع جوازنامه‌ها

- ۱۲.۱ چگونگی رفع مشکلات ثبت و توزیع جوازنامه‌ها ۱۶۶

بخش سیزدهم

مشکلات و فساد در مصرف کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان

- ۱۳.۱ تدابیر رفع مشکلات کمک‌های جامعه جهانی ۱۷۰

بخش چهاردهم

فساد و مشکلات در قراردادهای معادن کشور

- ۱۴.۱ راهکار مبارزه با فساد و کنترل قراردادهای معادن کشور ۱۷۵

بخش پانزدهم

فساد اداری ناشی از مشکلات در سکتور مخابرات افغانستان

- ۱۵.۱ تدابیر اصلاح سکتور مخابرات در افغانستان ۱۷۹

بخش شانزدهم

مشکلات سکتور صحت در افغانستان

۱۶.۱ چگونگی رفع مشکلات سکتور صحت ۱۸۵

بخش هفدهم

مشکلات نبود کار و شغل مناسب در افغانستان

۱۷.۱ تدابیر رفع مشکلات بیکاری ۱۸۸

بخش هجدهم

فساد ناشی از موجودیت مشکلات بی سرپناهی اتباع و مامورین افغانستان

۱۸.۱ راهکار رفع مشکلات بی سرپناهی ۱۹۲

بخش نوزدهم

فساد ناشی از کمبود معاشات مامورین دولت افغانستان

۱۹.۱ راه حل مشکلات کمبود معاشات مامورین ۱۹۶

نتیجه گیری ۱۹۷

فهرست ماخذ و منابع ۲۰۱

مقدمه

افغانستان کشوری است که متأسفانه حدود سه دهه جنگ را سپری نموده، که اثرات ناگوار آن به همه گان در تمام عرصه ها، اقشار و افراد واضح و معلوم است. لذا، نیازی به توضیح ندارد، اما بزرگترین صدمه آن بدبختانه به نسل جوان افغانستان وارد گردیده است، زیرا نسل جوان دوره شرین طفولیت را با عالم بدبختی و مهاجرت و فقر اقتصادی و مشکلات روحی سپری نموده است و در نوجوانی نیز از بهره شرین سواد و تحصیلات معیاری محروم گردیده و فعلاً هم چون جوان کشور نسبت به آینده امیدوار بوده و بخاطر رفاه و آبادانی کشور خویش توان و نیرو جسمی در اختیار دارد و علاقمند به خدمت صادقانه هستند اما متأسفانه بازهم موجودیت انواع و اقسام مشکلات در جامعه باعث گردیده که جوان چانس خدمت صادقانه را پیدا نکرده و توان و نیروی کاری آنها ضایع شود.

افغانستان در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی مشکلات فراوان دارد، که بحث و توضیح مشکلات تمام بخش ها از حوصله رساله حاضر خارج خواهند بود ولی مهمترین مشکل مردم عزیز ما موجودیت فساد اداری بوده است.

اگر جریان‌ات روزمره کشور تحلیل و تجزیه گردد طوری وانمود خواهد شد که اساس و بنیاد تمام بدبختی های کشور از موجودیت فساد اداری ناشی میگردد ، لذا مبارزه با فساد اداری یکی از نیاز های عینی جامعه تلقی میگردد .

با کلمه فساد اداری متأسفانه تمام مردم عزیز ما آشنایی دارد و حتما روزانه یکی دوبار نام آنرا در رسانه ها ، محیط کار ، محافل و غیره می شنوند ، از نظر مردم عوام عموماً گرفتن رشوت بنام فساد اداری تلقی میگردد در حالیکه دامنه فساد اداری به نسبت سایر جرایم نهایت وسیع و عام بوده و به نسبت اینکه این پدیده نهایت وسیع است به همین دلیل تمام عرصه های زنده گی ما را صدمه وارد نموده است

در افغانستان بخاطر مبارزه با فساد اداری ، تشکیلات متعدد دولتی ایجاد گردیده است ، اما تشکیلات متذکره باوجود مصارف هنگفت بودجه ملی نتوانسته تا حد اقل ، فساد را کاهش دهد .

عدم موجودیت مدیریت سالم و برنامه واضح از طرف حکومت باعث گردید تا کارمندان بخاطر انجام وظایف استقامت مشخص و انگیزه نداشته وبدون هماهنگی اجراآت خویش را دنبال واز جانب هیچ مرجع درخصوص تطبیق برنامه مورد سوال وکنترول قرار نگیرند .

همانطوریکه گفته آمديم برداشت ما اينست که موجودیت فساد اداری در افغانستان باعث ایجاد تمام مشکلات مردم در ابعاد مختلف زنده گی گردیده است ، اما در عین زمان دیده میشود که موجودیت سایر مشکلات

در بخش های مختلف سبب ایجاد ، رشد و انکشاف فساد اداری نیز در کشور شده است .

بناءً مبارزه با فساد اداری قبل از حل سایر مشکلات کشور و حل مشکلات کشور قبل از مبارزه با فساد اداری ناممکن بوده .

به منظور مبارزه با فساد اداری در سطح جهان شیوه های مختلف وجود دارد که تطبیق هرکدام از شیوه های متذکره نواقص و فواید مشخص داشته ، اما موثرترین آنها شیوه تحلیل تجربی مبارزه با فساد اداری بوده چنانچه در شیوه متذکره نخست مشکلات و نقاط فساد برانگیز در اجراات ادارات شناسایی و سپس در مورد ، راه حل های مشکلات متذکره جستجو و تطبیق می گردد .

لذا میخوایم با استفاده از شیوه متذکره رساله تحت نام (راهکار های عملی مبارزه با فساد اداری در افغانستان) را که شامل مشکلات و راه حل های عینی در ابعاد مختلف باشد طی بخش های مختلف طوری به رشته تحریر بیاورم که راه حل های پیشبینی شده مطابق شرایط عینی کشور قابلیت تطبیق را داشته و دربرگیرنده ، تدابیر جلوگیری و تدابیر وقایوی فساد اداری گردد .

خواننده گان نهایت عزیز :

اگر کتب ، مقالات ، رساله ها و سایت های اینترنتی در مورد فساد اداری مطالعه گردد تماماً شامل تعاریفات ، طبقه بندی ، سیر تاریخی و بحث های تیوری مبارزه با فساد اداری می باشد ، که استفاده از بحث های متذکره در

جهت مبارزه عملی مبارزه با فساد اداری در افغانستان امکان پذیر نبوده ، بلکه به باور بنده تا زمانیکه مشکلات فساد برانگیز در افغانستان شناسایی و در جهت اصلاح و حل آن راهکار های مناسب و عینی جستجو نگردد ، مبارزه با فساد اداری ناممکن و محال خواهند بود .

کسانی که دارای تحصیلات عالی و در ادارات عدلی و قضایی در امر مبارزه با فساد اداری ایفای وظیفه و تجارب عملی حاصل نموده اند نسبت به هر شخص دیگر نقاط فساد برانگیز را در ابعاد مختلف را درک و شناسایی نموده و رسالت دارند تا بخاطر رفع مشکلات متذکره ، با تحریر مقالات حقوقی و علمی ، راه حل های عینی مشکلات متذکره را دریافت و پیشبینی ، تا با در نظر داشت آن مبارزه واقعی با فساد اداری صورت گرفته بتواند .

بدون شک ، این یک امر مسلم است هرآنکه قلم بدست گرفت و چیزی نوشت . چون نویسنده انسانی بیش نیست ، پس احتمالاً " در نوشتار او خالیگاه و نواقصی وجود خواهد داشت ، اما با وجود آنهم بنده به عنوان جوان این کشور به خود جرئت میدهم تا با استفاده از تجارب و اندوخته های خویش در مطابقت به قوانین افغانستان به ارتباط راهکار های مبارزه با فساد اداری ، دیدگاه ها و نظریات خویش را جهت ادا دین در مقابل مسلک ، و مردم عزیزام طی رساله حاضر به رشته تحریر بیاورم .

محتوای کتاب حاضر بر خلاف سایر کتب ، مقالات و رساله های مبارزه با فساد اداری ، شامل احکام قوانین نافذ کشور ، مطالب حقوقی ، تجارب عملی ، بحث های علمی ، دیدگاه ها و نظریات شخصی جهت مبارزه

واقعی و عملی با فساد اداری در افغانستان به منظور ادا دین در مقابل وطن و مسلک به رشته تحریر در آمده است .

محتوای کتاب حاضر ناشی از موقف و دیدگاه شخصی مؤلف بوده و با موقف رسمی و وظیفوی او ارتباط ندارد .

به منظور اینکه از محتوای کتاب متذکره استفاده بهتر صورت گیرد و بخاطر مبارزه با فساد در کشور دیدگاه واحد بعمل آمده باشد و بخصوص بخاطر اصلاح و غنی سازی محتوای کتاب مورد بحث ، تصمیم گرفتم تا جاب اولی کتاب حاضر طور مجانی و رایگان بدسترس، محصلین، حقوقدانان، کارمندان دولت و سایر علاقه مندان قرار گیرد.

آنچه مهم است، از کلیه قلم بدستان، حقوقدانان و سایر مطالعه کننده گان محترم صمیمانه تقاضا و آرزو می نمایم تا در رفع خلا و نواقص و غنای این مجموعه بذل مساعی دلسوزانه و مسلکی نمایند.

بخش ۱ فساد اداری

۱.۱ تعریف فساد اداری

کشورهای مختلف نظر به وضعیت حقوقی خویش تعاریف مختلف از فساد بعمل آورده اند اما عموماً "فساد در لغت به معنی شکستن و یا نقض کردن است. (شکستن قول، وظیفه، قانون،...)".

سازمان شفافیت جهانی، فساد اداری را سوء استفاده از مقام دولتی بخاطر کسب منفعت شخصی تعریف کرده است.

ستراتیژی طرز العمل اصلاح اداره افغانستان در مورد فساد اداری چنین تعریف ارایه نموده است.

(فساد اداری به معنی سوء استفاده داری های عامه برای منفعت های شخصی و بعضاً به معنی اخذ رشوت نیز تعبیر و اشکال متنوع دیگری نیز دارد)

کنوانسیون مبارزه با فساد اداری ملل متحد که میان دول عضو به امضا واز جانب ولسی جرگه ومشرانوجرگه شورای ملی تصویب و ازطرف مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان توشیح ودر جریده رسمی نشر گردیده، در فصل سوم خویش از انواع جرایم فساد اداری یاد آوری کرده است.

همچنان قوانین افغانستان در مورد فساد اداری تعریف واضح و مشخص ارایه نکرده، اما در مواد مختلف قوانین جزا و ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری در حدود ۱۸ نوع فساد اداری را یاد آور شده اند.

به هر حال، قبل از آغاز بحث اصلی لازم است تا نخست بخاطر فهم بهتر موضوع، تمام انواع جرایم فساد اداری را در مطابقت به قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، قانون جزا، و کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد طور فشرده توضیح و مقایسه و بعداً در مورد موجودیت نقاط فساد برانگیز در افغانستان و راهکارهای مبارزه با آن توضیحات لازم ارایه خواهند گردید.

۱.۲ انواع جرایم فساد اداری در افغانستان

مطابق صراحت ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، ارتکاب اعمال ذیل توسط موظفین ادارات دولتی یا منسوبین سایر مراجع مندرج ماده هفتم که شامل، کمیسیون‌های مستقل، بانک‌های طرف معامله با دولت، موسسات غیر دولتی (انجو) و موسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت در چارچوب میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و سایر معاهدات بین المللی می‌گردد، فساد اداری شمرده می شود.

۱. رشوت

ماده ۲۵۴ قانو جزا کشور جرم رشوت را چنین تعریف مینماید. (هر موظف خدمات عامه که به مقصد اجراً یا امتناع و یا اخلال وظیفه ای که به

آن مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص وعده آنرا گیرد و یا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده شمرده می شود).

طبق صراحت ماده فوق الذکر قانون جزا، ارتکاب عمل متذکره از جانب موظف خدمات عامه جرم رشوت تلقی گردیده میتواند که مطابق صراحت ماده ۱۲ قانون جزا کشور اشخاص آتی موظفین خدمات عامه محسوب میگردد (مامورین واجیران دولت و تصدی های دولتی، مامورین واجیران موسسات عامه، اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود و سایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود).

ماده ۱۶ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد جرم رشوت چنین صراحت دارد .

فقره (۱) دول عضو به منظور توصیف تخلفات جرمی چون وعده، پیشنهاد یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نامشروع برای کارکن دولتی خارجی و یا کارکن یک سازمان بین المللی، بین الحکومتی یا شخص یا نهاد دیگر جهت انجام یا امتناع از انجام وظایف رسمی جهت احراز یا حفظ وظیفه یا سایر منفعت های نامشروع در ارتباط به پیشبرد وظایف بین المللی که عمدا ارتکاب یافته باشد، قوانین و سایر اقدامات لازم را وضع می نمایند)

ماده ۲۱ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد، ذیلاً " دول عضو را مکلف به توصیف جرایم رشوه ستانی بخش خصوصی در قوانین شان نموده اند.

فقره (۱) (وعده، پیشنهاد و یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نامشروع برای شخصی که در یک بخش خصوصی در هر مقام که کار کند یا تصدی آنرا به عهده داشته باشد، یا برای شخص دیگری به منظور آنکه شخص در صورت تخلف از وظایف اش به اجرا یا امتناع از اجرای عمل متوسل گردد

در فقرات ۱ مواد متذکره میثاق، ارتکاب عمل از جانب کارکن دولتی خارجی و یا کارکن یک سازمان بین المللی یا بین الحکومتی و کارکن بخش خصوصی جرم رشوت تلقی گردیده است.

با توجه به جریان فوق میتوان گفت که، در شرایط فعلی جهان، با تدوین میثاق مبارزه با فساد ملل متحد، دامنه تعریف رشوت از موظف خدمات عامه (سکتوردولتی)، به مقام رسمی خارجی و کارکن بخش خصوصی نیز شامل گردیده است، گرچه افغانستان نیز به اثر الحاق به میثاق متذکره، مطابق ماده ۷ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری رشوت را شامل بخش‌های خصوصی و موسسات بین المللی دانسته است اما از اینکه ماده ۲۵۴ قانون جزا کشور صرفاً "ارتکاب اعمال متذکره را از جانب موظفین خدمات عامه که شامل بخش‌های خصوصی و موسسات بین المللی نمیگردد، بحیث رشوت تعریف و به مرتکب آن مجازات پیشبینی نموده است لذا ادارات عدلی و قضایی تا فعلاً" موفق به کشف، جلوگیری و مبارزه با جرایم رشوت در بخش‌های خصوصی و سازمان‌های بین المللی نگردیده اند.

علت عدم تصریح و عدم پیشبینی مجازات رشوت در بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی اینست که قانون جزا کشور در سال ۱۳۵۵ یعنی قبل از تدوین میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قبل از انفاذ قانون اساسی جدید افغانستان که در آن نظام اقتصاد بازار قبول گردیده است، نافذ و فعلاً جوابگو مقتضیات عصر حاضر نبوده لذا لازم است تا قوانین جزایی افغانستان نیز مطابق میثاق ملل متحد جهت ایجاد شفافیت و مبارزه با فساد اداری در بخش‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی نیز تدابیر را اتخاذ نمایند.

۲. اختلاس

اختلاس مطابق ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری از جمله جرایم فساد اداری تلقی گردیده است.

ماده ۲۲ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد اختلاس دارایی در بخش خصوصی چنین صراحت دارد.

(دول عضو به منظور توصیف تخلف جرم اختلاس که عمداً توسط شخصی که در یکی از نهادهای بخش خصوصی در هر مقامی که کار کند یا تصدی هر نوع دارایی خواه وجوه شخصی و خواه تأمینات یا سایر اشیایی قیمتی که به اساس موقف وظيفوی برای وی واگذار گردیده، عمداً ارتکاب یابد، وضع قوانین و سایر اقدامات لازم را در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، مالی و تجارتي در نظر می‌گیرد)

ماده ۲۶۸ قانون جزا کشور اختلاس را به عنوان جرم فساد اداری چنین تعریف مینماید.

(هر موظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که منحیث وظیفه به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد).

با توجه به احکام فوق الذکر میتوان گفت که، میثاق مبارزه با فساد ملل متحد اختلاس را در بخش‌های خصوصی جرم فساد اداری دانسته، اما قانون جزا کشور که قبل از تدوین میثاق متذکره نافذ گردیده، اختلاس را در بخش خصوصی نه بلکه در بخش دولتی از جانب موظف خدمات عامه جرم فساد اداری دانسته و مرتکب آنرا مستوجب مجازات تلقی نموده است، لذا ادارات عدلی وقضایی بنابر عدم جوابگو و کارایی قانون جزا نتوانسته تا جرم فساد اداری اختلاس را در بخش‌های خصوصی کشف، تحقیق و با آن مبارزه نمایند.

۳. سرقت اسناد

سرقت اسناد مطابق ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری جرم فساد اداری تعریف گردیده است.

پیرامون سرقت اسناد میثاق مبارزه با فساد ملل متحد کدام صراحت خاصی نداشته است، ولی ماده ۲۸۰ قانون جزا در زمینه چنین مشعر است (هر گاه به اثر اهمال موظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق، اسناد و یا دوسیه‌های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضایی مکلف باشد، اوراق مذکور سرقت گردد و یا پنهان یا تلف شود، شخص موظف، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد)

با توجه به مواد فوق الذکر قوانین میتوان گفت، قانون جزا کشور سرقت و اتلاف اسناد دولتی را وسیله موظف خدمات عامه، جرم و مرتکب آن را مستوجب مجازات دانسته است در حالیکه مطابق قانون مالیات بر عایدات تمام شرکت‌ها مکلف به نگهداری سوابق فعالیت‌های سالانه خویش جهت تصفیه مالیات بوده است و در صورتیکه شرکت‌های متذکره به سرقت و اتلاف اسناد در بخش خصوصی اقدام نمایند قانون جزا کشور در مورد عمل ارتكابی و مرتکب آن صراحت مشخص نداشته است.

۴. اتلاف غیر مجاز اوراق و اسناد رسمی

فقره ۴ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری اتلاف غیر مجاز اوراق و اسناد رسمی را طور مستقل جرم فساد اداری معرفی مینماید در حالیکه ماده ۲۸۰ قانون جزا طوریکه فوقاً ذکر گردید مرتکب سرقت و اتلاف اسناد رسمی را مستوجب عین مجازات دانسته است.

۵. تجاوز از حدود صلاحیت قانونی

فقره ۵ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، تجاوز از حدود صلاحیت قانونی را بدون اینکه چگونگی آنرا تعریف نماید، به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده است، در حالیکه میثاق مبارزه با فساد ملل متحد کدام عمل را تحت نام تجاوز از حدود صلاحیت قانونی پیشبینی نکرده است.

اما فصل هفتم قانون جزا کشور تحت نام تجاوز موظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت‌های قانونی در ماده ۲۸۲ خویش چنین صراحت داشته است (هرگاه موظف خدمات عامه به مقصد رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا

سفارش، واسطه یا سفارش واسطه شود به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد)

بنا تجاوز از حدود صلاحیت قانونی جرم فساد اداری بوده، ادارات عدلی و قضایی میتوانند در مورد مرتکب همچو جرایم اقدامات و مبارزه جدی نمایند.

۶. سوء استفاده از موقف وظیفوی

فقره ۶ ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری سواستفاده از موقف وظیفوی را بدون اینکه تعریف مشخص از آن ارایه نمایند، به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده است و این درحالیست که ماده ۱۹ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد سواستفاده از وظایف چنین صراحت دارد (دول عضو به منظور توصیف تخلف جرمی سواستفاده از مقام یا وظایف که ناشی از اجراً یا قصور در اجرای عمل مخالف قوانین توسط کارکن دولتی حین اجرای وظیفه به منظور کسب منفعت نامشروع برای خودش یا شخص یا نهاد دیگری می باشد، عمداً ارتکاب یافته باشد، وضع قوانین و سایر اقدامات لازم را در نظر می گیرد)

ماده ۲۸۵ قانون جزا کشور در زمینه چنین مشعر است (هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود عمداً احکام قوانین و مقررات، حکم، قرار و امر محکمه و یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت و یا تحصیل اموال و مالیاتی را که به حکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد حسب احوال به حبس قصیری که از سه

ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی ای که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد)
همچنان ماده ۲۷۰ قانون جزا در مورد ارتکاب جرم غدر چنین صراحت دارد.

(هر موظف خدما عامه که در یک عقد یا عمل ویا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود ویا برای شخصی دیگری منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد)

بنا با توجه به مواد فوق الذکر میتوان گفت که قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، سواستفاده از موقف وظیفوی را بدون ارایه تعریف مشخص به عنوان جرم فساد اداری معرفی و قانون جزا نیز مرتکب آنرا مستوجب مجازات دانسته است،

همچنان عملی را که ماده ۱۹ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد به عنوان سواستفاده از وظایف پیشبینی نموده است عین عمل را ماده ۲۷۰ قانون جزا کشور تحت نام غدر تصریح نموده است، فلهدذا نتیجه گرفته میتوانیم که احکام قوانین کشور و میثاق مبارزه با فساد اداری در مورد وصف جرمی سواستفاده از وظایف کاملاً در تضاد و تناقض بوده است.

۷. ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت

فقره ۷ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری بدون ارایه تعریف مشخص، ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت را به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده است.

ماده ۲۵ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد ممانعت در تطبیق عدالت چنین صراحت دارد.

الف: (استفاده از زور، تحدید ویا ارباب یا وعده،پیشکش ویا پرداخت منفعت نامشروع به منظور تشویق برای ادای شهادت کاذب یا مداخله در شهادت ویا ارایه شواهد ومدارک در اجراآت متعلق به ارتکاب جرایمی که مطابق این میثاق جرم شناخته شده است).

ب: (استفاده از زور، تحدید ویا ارباب به منظور مداخله در انجام وظایف رسمی توسط کارمند عدلی وقضایی یا مجری قانون در ارتباط به ارتکاب جرایمی که مطابق این میثاق جرم شناخته شده است).

قانون جزا افغانستان بدون اینکه فصلی را به جرایم ممانعت در تطبیق عدالت اختصاص دهد طور پراگنده به برخی اعمال که در میثاق ذکر گردیده و مخل روند عدالت واحقاق حقوق اشخاص است وصف مجرمانه اعطا نموده است که از یکتعداد احکام پیشینی شده قانون جزا نمونه وی در ذیل یاد آور میشویم.

● تحدید افراد ولو بخاطر ادای شهادت دروغ،قسم ناحق و سایر موارد که مسیر واقعی قضایا را تغیر دهد ودر نتیجه عدالت تامین نگردد مطابق صراحت مواد ۴۳۴،۴۳۳، و ۴۳۵ قانون جزا جرم بوده ومرتکب آن مستوجب مجازات دانسته می شود.

● عدم انجام وظایف رسمی وقانونی ادارات عدلی وقضایی چه به اثر دریافت منفعت نامشروع ویا اشکالی دیگری مانع تحریک دعوی جزایی، گرفتاری مظنونین، فرار محبوسین، حفظ غیر قانونی اوراق

دوسیه، عدم اصدار حکم محاکم و تطبیق مجازات بالای محکوم گردد در حقیقت وفق صراحت ماده ۲۸۵ قانون جزا کشور سواستفاده از صلاحیت وظیفوی بوده مرتکب آن مستوجب مجازات دانسته می شود. همچنان نباید فراموش کرد که، به ارتباط موضوع، ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت ماده نهم فرمان شماره ۶۱ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۷ مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در زمینه چنین مشعر است (هرنوع واسطه و اعمال نفوذ که باعث فساد اداری و موجب حمایت غیرقانونی از متخلفین گردد طبق حکم مندرج ماده ۲۸۲ قانون جزا، جرم پنداشته شده است)

بنا با توجه به جریان فوق، از یکطرف قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت را بدون ارایه تعریف مشخص، به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده، واز طرف دیگر قانون جزا کشور تحت نام ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت حکم مشخص نداشته است لذا ادارات عدلی و قضایی در تطبیق عملی موضوع به مشکل مواجه هستند، درحالیکه ادارات متذکره میتوانند به ارتباط تمام انواع اعمال که مخل روند تطبیق عدالت باشند به مواد مختلف قانون جزا کشور که در فوق ذکر گردیده بحیث جرم ممانعت در روند و اخلال تطبیق عدالت استناد نمایند.

۸. استفاده از امکانات دولتی و اوقاف رسمی در امور شخصی

فقره ۸ ماده سوم قانون نظار بر تطبیق ستراتیژی مبارزه بافساد اداری استفاده از امکانات دولتی و اوقاف رسمی را در امور شخصی جرم فساد اداری دانسته است.

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد مشخصاً در زمینه کدام صراحت واضح نداشته است اما قانون جزا کشور پیرامون موضوع در ماده ۲۷۲ خویش در فصل چهارم تحت نام اختلاس وغدر چنین صراحت دارد (هر موظف خدما عامه که کارگران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود بداخل وقت رسمی استخدام نماید یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجراءات آنها را حجز نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد)

بنا با توجه به جریان فوق گرچه قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری عمل استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی را در امور شخصی جرم فساد اداری دانسته اما از یکطرف عمل متذکره را تعریف نکرده است و از طرف دیگر به مرتکب آن مجازات پیشبینی نشده است و از جانبی هم در میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا کشور کدام فصلی تحت نام استفاده از امکانات دولتی و اوقاف رسمی در امور شخصی گنجانیده نشده است تا ادارات عدلی و قضایی به آن استناد نماید اما با آنهم از اینکه تعریف مندرج ماده ۲۷۲ قانون جزا تحت نام اختلاس وغدر به ارتباط وصف جرمی مورد بحث مطابقت داشته لذا به عقیده بنده ادارات عدلی و قضایی میتوانند از ماده متذکره قانون جزا به عنوان استفاده از امکانات دولتی و اوقاف رسمی در امور شخصی استناد نمایند.

۹. امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی

فقره ۹ ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری عمل متذکره را به عنوان جرم فساد اداری قبول نموده است.

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا کشور مشخصاً پیرامون موضوع کدام فصلی را تحت نام امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی، پیشبینی نکرده است اما اگر به فصل هفتم قانون جزا کشور تحت نام تجاوز موظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت‌های قانونی دقت بعمل آید به ارتباط عین موضوع (امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی) میتوان احکامی را دریافت کرد، چنانچه ماده ۲۸۶ قانون جزا چنین صراحت دارد (هرگاه حد اقل سه نفر از موظفین خدمات عامه به مقصد نیل به مرام مشترک غیرقانونی وظیفه خود را ولو بصورت استعفا باشد ترک کنند وعمداً از ادای وظیفه استنکاف نمایندهریک به حبس قصیری که از سه ماه کمتر واز شش ماه بیشتر نباشد ویا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد)

هکذا پیرامون موضوع ماده ۲۸۷ قانون جزا چنین صراحت دارد. (هرگاه موظف خدمات عامه به قصد اخلال یا تعطیل در جریان کار، وظیفه خود را ترک کند یا به این منظور از ادای وظیفه استنکاف ورزد به حبس قصیرکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد)

چون میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا پیرامون موضوع مشخصاً کدام فصلی را پیشبینی نکرده است و از جانبی هم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری نه از عمل متذکره تعریف خاصی ارایه نموده و نه هم به مرتکب آن مجازات پیشبینی کرده است، لذا به عقیده بنده ادارات محترم عدلی وقضایی میتوانند از مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ فصل هفتم

قانون جزا که تحت نام تجاوز موظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت‌های قانونی بوده در مورد مرتکبین عمل امتناع واستنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی من حیث جرم فساد اداری استناد نمایند

۱۰. کتمان حقیقت

قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری در فقره ۱۰ ماده ۳ خویش بدون اینکه از کتمان حقیقت تعریف مشخصی ارایه و مجازات مرتکب آن را پیشبینی نماید، عمل متذکره را به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده است.

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد مشخصاً "کتمان حقیقت را به عنوان جرم فساد اداری معرفی نکرده است اما از انجائیکه کتمان حقیقت باعث اخلال روند تطبیق عدالت خواهند گردید لذا ماده ۲۵ میثاق بجای تذکر موضوع کتمان حقیقت به بحث وتعریف موضوع ممانعت در تطبیق عدالت پرداخته است

همچنان قانون جزا کشور تحت نام کتمان حقیقت کدام فصلی را پیشبینی نکرده و نه هم به مرتکب همچو اعمال مشخصاً "موئده جزایی تعیین نموده است، اما طور پراکنده، یکتعداد اعمال را تحت وصف جرمی متفاوت در فصل بیست وهفتم تحت عنوان شهادت دروغ پیشبینی نموده که ادارات عدلی وقضایی میتوانند از آن در مورد مرتکب به عنوان کتمان حقیقت بحیث جرم فساد اداری استناد نمود.

چنانچه شهادت دروغ مطابق ماده ۳۸۲ قانون جزا اظهار باطل، انکار حق، پوشیدن تمام یا بعضی وقایع تعریف گردیده که خود کتمان حقیقت تلقی خواهند گردید.

۱۱. افزایش غیر قانونی دارایی

ماده ۲۰ میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد افزایش غیر قانونی سرمایه چنین صراحت دارد. (دول عضو مطابق قانون اساسی و نظام حقوقی خود به منظور توصیف تخلف جرمی، ارتکاب عمدی افزایش غیر قانونی سرمایه یعنی ازدیاد چشمگیری در سرمایه کارکن دولتی، که کارکن مذکور بصورت مستدل نه تواند آنرا در ارتباط با عواید قانونی خود توجیه نماید، وضع قوانین و سایر اقدامات لازم را در نظر می گیرد)

متاسفانه فقره ۱۱ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، بدون اینکه به تعریف افزایش غیر قانونی دارایی و پیشبینی مجازات آن پرداخته باشد عمل مذکور را به عنوان جرم فساد اداری معرفی نموده است.

در حالیکه، قانون جزا کشور در مورد افزایش غیر قانونی دارایی سکوت نموده و کدام وصف جرمی مشخص برای مرتکب همچو اعمال پیشبینی نکرده است.

لذا عدم تعریف و پیشبینی مجازات مرتکب عمل مذکور باعث گردیده تا ادارات عدلی و قضایی تا کنون هیچ مقامی را به عنوان جرم افزایش غیر قانونی دارایی مورد استجواب، تحقیق و یا محاکمه قرار نداده باشند.

۱۲. تزویر اسناد

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد جرم تزویر اسناد سکوت نموده است اما فقره ۱۲ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، عمل مذکور را به عنوان جرم فساد اداری معرفی کرده است.

ماده ۳۰۹ قانون جزا کشور تزویر را چنین تعریف نموده است (تزویر عبارت است از ساختن نوشته‌ها، اسناد، امضا و مهر خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافه، تبدیل، تقلید یا حذف). بناً تزویر اسناد از جمله جرایم فساد اداری بوده و ادارات عدلی و قضایی می‌توانند به استناد مواد فوق الذکر قوانین با چنین جرایم مبارزه جدی نمایند.

۱۳. انتحال وظیفه

فقره ۱۳ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری انتحال وظیفه را به عنوان جرم فساد اداری معرفی و آنرا چنین تعریف مینماید (وانمود ساختن صلاحیت اجرا یا امتناع اموری که شخص به آن موظف نباشد)

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد در مورد انتحال وظیفه سکوت نموده و آنرا به عنوان جرم فساد اداری معرفی نکرده است، ولی ماده ۲۹۷ قانون جزا کشور جرم انتحال وظایف والقباب را چنین تعریف مینماید (هرگاه شخصی بدون داشتن صفت ماموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظایف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت‌های مربوط به این وظایف را انجام دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد).

چون انتحال وظیفه به عنوان جرم فساد اداری معرفی و قانون جزا به مرتکب آن مجازات لازم پیشینی نموده لذا ادارات عدلی و قضایی در مبارزه با همچو جرایم به کدام مشکل تخنیکی مواجه نبوده اند.

۱۴. اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از کار در امور مربوط
ماده ۲۵۴ قانون جزا عمل اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از
کار در امور مربوطه را به عنوان جرم مستقل قبول نکرده بلکه برعکس
عمل مذکور را شامل جرم رشوت چنین تعریف نموده است (هر موظف
خدمات عامه که به مقصد اجرا یا امتناع و یا اخلال وظیفه ای که به آن
مکلف باشد به اسم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب
نماید یا از شخص وعده آنرا گیرد و یا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده
شمرد می شود)

همچنان با وجودیکه فقره ۱ ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژ
مبارزه با فساد اداری جرم رشوت را به عنوان فساد اداری معرفی، اما با آنهم
فقره ۱۴ ماده مذکور اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از کار در
امور مربوطه را به عنوان جرم مستقل فساد اداری پیشبینی نموده است.
بنأ قبول عمل مذکور به عنوان جرم مستقل به دلیل عدم پیشبینی
مجازات مستقل منطقی نبوده، بلکه ادارات عدلی و قضایی میتوانند با عمل
مذکور به عنوان جرم رشوت که خود بحیث فساد اداری معرفی گردیده
است مبارزه نمایند.

۱۵. تعلل در اجرای وظیفه محوله

فقره ۱۵ ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد
اداری، بدون اینکه عمل مذکور را تعریف و مجازات مرتکب آنرا پیشبینی
نماید، تعلل در اجرای وظیفه محوله را به عنوان جرم فساد اداری معرفی
نموده است.

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا کشور، تعلل در اجرای وظیفه محوله را به عنوان جرم تعریف نکرده و در مورد سکوت اختیار نموده اند

درحالیکه فقره ۶ ماده ۶۶ قانون مامورین دولت و فقره ۵ ماده ۳۰ قانون کارکنان خدمات ملکی، تعلل و یا تاخیر در اجرای وظایف و اوامر قانونی را مستوجب تادیب (توصیه، اخطار، کسر معاش) دانسته اند.

چون تطبیق مؤیدات تادیبی وفق فقره ۲ ماده ۶۶ قانون مامورین و فقره ۲ ماده ۳۰ قانون کارکنان خدمات ملکی بالترتیب از صلاحیت امرین درجه اول، دوم، وزیر یا آمر اعطا بوده لذا در عمل، ادارات عدلی و قضایی در موضوعات تعلل کارمندان دولتی بیشتر مداخله نمی نمایند.

۱۶. عدم رعایت قواعد سلوکی اداره مربوطه

فقره ۱۶ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری بدون اینکه از موضوع تعریف ارایه نمایند، عدم رعایت قواعد سلوکی اداره مربوطه را به عنوان جرم فساد اداری معرفی و این درحالیست که فقره ۱ ماده ۱۹ قانون مذکور، اداره لوی حارنوالی را به منظور تحقیق جرایم فساد اداری و اقامه دعوی علیه مرتکبین آن مکلف نموده است

میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا کشور پیرامون موضوع سکوت اختیار و کدام مؤیده جزایی نسبت مرتکب عمل پیشبینی نکرده است، بلکه مطابق صراحت ماده ۳۰ قانون کارکنان خدمات ملکی، مامور و کارکنان قرار دادی، که قواعد سلوکی را رعایت نمی کنند مستوجب مؤیدات تادیبی دانسته شده اند.

چون از یکطرف عمل مذکور به عنوان فساد اداری، قابل تحقیق و تعقیب دانسته شده و از طرف دیگر قوانین کشور به عمل مذکور وصف مجرمانه را قایل نگردیده است که در اینحالت تحقیق و تعقیب مرتکب عمل در مراجع عدلی و قضایی نا ممکن بوده است.

۱۷. دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطقه‌ای، مذهبی، حزبی، جنسی و شخصی در اجرای امور محوله

فقره ۱۷ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری عمل مذکور را من حیث جرم فساد اداری توصیف نموده است. ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان نیز هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان را ممنوع دانسته است.

گرچه میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و قانون جزا کشور در مورد موضوع مشخصاً "وصف جرمی مستقل را پیشبینی نکرده است اما بدون شک دخیل ساختن ملاحظات فوق الذکر حین اجرای امور محوله از جانب مامور دولت عمل نقض قانون اساسی بوده و نباید فراموش کرد، آئنده موظفین خدمات عامه که احکام قوانین را متوقف و یا نقض مینمایند مطابق صراحت ماده ۲۸۵ قانون جزا من حیث سواستفاده کنند از صلاحیت وظیفوی که جرم فساد اداری بوده، مستوجب مجازات دانسته شده اند. بناً ادارات عدلی و قضایی میتوانند با استناد ماده ۲۸۵ قانون جزا کشور با جرم مذکور من حیث فساد اداری مبارزه نمایند.

۱۸. اجرا و یا امتناع سایر اعمال مندرج ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری به اساس فرمان مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۵ تدوین و یک سلسله

مکلفیت‌های را به ادارات دولتی جهت اصلاح اداره پیشبینی نموده است که عدم تطبیق ستراتیژی متذکره مطابق صراحت فقره ۱۸ ماده ۳ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، جرم فساد اداری دانسته شده است.

قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، قانون جزا وميثاق مبارزه با فساد ملل متحد به ارتباط عمل مذکور مشخصا طور مستقل کدام حکم نداشته است اما از آنجائیکه عدم تطبیق ستراتیژی از جانب کارمندان دولت سبب نقض حکم مندرج فقره ۱۸ ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری بوده واز طرفی هم نقض وتوقف عمدی احکام قانون وفق صراحت ماده ۲۸۵ قانون جزا کشور جرم بوده ، لذا ادارات عدلی وقضایی در خصوص مرتکبین اجرا وامتناع سایر اعمال مندرج ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری میتوانند به ماده متذکره قانون جزا منحيث جرم فساد اداری استناد نمایند.

فلهذا موارد که بصورت فشرده مطابق قوانین افغانستان در فوق بیان گردید تماما "منحيث جرایم فساد اداری در افغانستان شناخته شده است که متاسفانه تمام انواع متذکره فساد اداری در اجراءات ادارات دولتی به نحوه مشاهده می گردد و موجودیت آن در افغانستان امنیت وثبات جامعه را تضعیف، تاسیسات اداری و ارزشهای دیموکراسی را بی ثبات، ارزش‌های اخلاقی را جریحه دار، رشد متداوم اقتصاد کشور را بطلی، حاکمیت قانون وعدالت را مختل ونهایتا میان مردم ودولت فاصله ایجاد نموده است. شکی در این نیست که افغانستان یکی از کشورهای است که بیشترین فساد اداری در آن رواج داشته واین پدیده به یکی از چالش‌های بزرگ در کشور ما تبدیل گردیده است که عدم مبارزه با آن حتی بقا حکومت را تحدید میکند

بنأ مبارزه با فساد اداری در افغانستان یکی از اولویتهای اصلی حکومت محسوب گردیده و آن زمانی امکان پذیر است که حکومت بخاطر مبارزه با این پدیده شوم، مدیریت سالم و یک برنامه منسجم و جامع که براساس عزم و اراده سیاسی استوار و در آن تمام مشکلات و چالشهای واقعی جامعه را که با فساد ارتباط داشته، پیشبینی و بخاطر رفع مشکلات متذکره راه حل های قانونی و منطقی مطابق شرایط، اوضاع و احوال کشور مدنظر گرفته شود.

افغانستان متأسفانه با گذشت جنگ های طویل و آغاز حکومت داری نوپا، شاهد انواع مختلف مشکلات بوده که ذکر همه آنها محتمل به نظر میرسد، اما در رساله حاضر کوشش خواهیم کرد تا از آن عده چالش ها و مشکلات که بیشتر موجودیت آن با فساد اداری رابطه مستقیم دارد و قابل توجه و با اهمیت است با تذکر راهکارهای عملی مبارزه به آن، با در نظر داشت شرایط عینی جامعه یاد آوری نمایم.

بخش ۲

فساد و مشکلات در ادارات عدلی و قضایی افغانستان

ادارات عدلی و قضای اصولاً "بخاطر ارایه خدمات، ایجاد نظم اجتماعی، تطبیق قوانین و تأمین عدالت به میان آمده و به همین منظور مصارف ادارات متذکره از جانب ملت پرداخت و تحمل می‌گردد، اما متأسفانه مردم عزیز کشور از اجراءات ادارات متذکره شاکی بوده و نسبت حل و فصل قضایا و مشکلات شان بالای ادارات متذکره اعتماد نمی‌کنند.

علت اصلی عدم اعتماد مردم نسبت اجراءات ادارات عدلی و قضایی، موجودیت مشکلات در ادارات متذکره بوده، چنانچه عدم کارایی ادارات مذکور سبب گردیده تا از یکطرف فاصله میان مردم و دولت ایجاد و حتی مردم جهت حل و فصل مشکلات شان به مخالفین مسلح دولتی رجوع نمایند و از جانب هم نه تنها موثریت آنها در امر مبارزه با فساد اداری دیده نمی‌شود بلکه فساد اداری خود دامنگیر ادارات متذکره گردیده است.

به هر حال تجربه عملی نشان می‌دهد که ادارات عدلی و قضایی در خصوص مبارزه با فساد اداری نخست از مشکلات تشکیلاتی و بعداً از مشکلات اجراءاتی رنج می‌برند،

بنأ تازمانیکه چالش‌های تشکیلاتی و اجراآتی ادارات متذکره دریافت و توضیح نگردد بدون شک دریافت راه حل آنها و مبارزه با فساد اداری ناممکن خواهند بود.

۲.۱ مشکلات تشکیلاتی ادارات عدلی و قضایی

به منظور مبارزه با فساد اداری در افغانستان ادارات متعدد ایجاد و فعالیت مینماید، اما ازاینکه در ایجاد ادارات متذکره و تشکیلات شان شرایط عینی جامعه و قوانین نافذه در نظر گرفته نشده است، لذا موجودیت ادارات متذکره نه تنها در امر مبارزه با فساد اداری موثریت نداشته بلکه در بعضی حالات خود زمینه ساز به فساد اداری خواهند گردید.

پولیس، خارنوالی و محاکم در حقیقت سه ضلع یک مثلث را جهت مبارزه با جرایم تشکیل میدهند و تجربه کشورهای دیگر بخصوص ترکیه و مالیزیا می‌رساند که باید بخاطر ایجاد هماهنگی بهتر میان آنها تشکیلات هر سه اداره در مطابقت با یکدیگر باشند اما متأسفانه در افغانستان ادارات متذکره، تشکیلات متضاد و مخالف هم دارند، چنانچه:

- ریاست خارنوالی مبارزه علیه خشونت زنان موجود است اما پولیس در زمینه تشکیلات ندارد.

- محاکم در شهر کابل به چهار حوزه و خارنوالی به پنج زون اما پولیس به یک قوماندانی امنیه تقسیم گردیده است.

- ستره محکمه دارای دیوان‌های مختلف بوده اما لوی خارنوالی دارای پنج معاونیت که قطعا از نظر استقامت با دیوان‌های ستره محکمه مطابقت

ندارد. مثلاً معاونیت تحقیق و نظارت و مالی واداری لوی خاړنوالی با دیوان‌های ستره محکمه مطابقت نداشته و با هم در ارتباط نمی باشند. همچنان ادارات متذکره متأسفانه هرکدام استقلالیت اعلان نموده و به هیچ ارگان و مرجع دیگر جوابگو نیستند و با یکدیگر همکاری و هماهنگی واقعی ندارند چنانچه مشکلات ذیل عملاً در اجراات آنها مشاهده می گردد.

- خاړنوالی قرار مبنی بر جلب مظنونین را عنوانی پولیس صادر میکند اما پولیس در جلب مظنون همکاری واقعی نمیکند.
- پولیس با هزار مشکل مظنون را دستگیر و با دوسیه یکجا به خاړنوالی تسلیم مینماید اما اکثراً پولیس از اجراات خاړنوالی اطمینان حاصل نمیکند.

- خاړنوالی با مشکلات فراوان تحقیقات دوسیه را تکمیل و اوراق را به محکمه ارسال میکند اما محکمه در تصمیم خویش اکثراً مطالبه قانونی خاړنوال را اهمیت نمیدهد.

- به مجرد ارسال قضیه از اداره پولیس به خاړنوالی و یا محکمه، ارتباط و همکاری ادارات با یکدیگر قطع میگردد.

هکذا افغانستان بخاطر مبارزه با فساد اداری، ادارات مختلف ایجاد نموده است که میتوان از اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، کمیته مستقل مشترک مبارزه با فساد اداری، ریاست ۸۲ و ریاست جرایم سنگین امنیت ملی، اداره لوی خاړنوالی ج.ا.ا و ریاست‌های مختلف وزارت محترم امور داخله، و ریاست‌های مبارزه با فساد اداری در

داخل تشکیل یکتعداد وزارت خانه‌ها یاد آور گردید، اما اگر درعمل، اجراءات ادارات متذکره با یکدیگر شان وبا قوانین نافذه کشور مقایسه گردد به صورت بسیار واضح نواقص ذیل مبرهن میگردد

اولاً: یکتعداد ادارات مبارزه با فساد اداری با هم موازی هستند.

ثانیاً: میان اکثر ادارات متذکره تداخل وظیفوی موجود است

ثالثاً: تشکیلات و بخش‌های مشابه در داخل ادارات متذکره به مشاهده میرسد.

رابعاً: میان ادارات متذکره هماهنگی موجود نبوده.

خامساً: استخدام افراد در تشکیلات متذکره بنابر ضرورت شرایط عینی وقانونی صورت نگرفته است.

بناءً اصلاح ومطابقت تشکیلات وهماهنگی میان ادارات متذکره یکی از نیازهای عمده جهت جلوگیری و مبارزه موثر با فساد اداری دانسته میشود که چگونگی راه حل آن بعداً توضیح خواهند گردید.

۲.۲ مشکلات اجراءاتی ادارات مبارزه با فساد اداری

اساساً "ادارات عدلی وقضایی مشکلات متعدد اجراءاتی دارند اما آنچه در رساله حاضر مهم است دریافت مشکلات اجراءات ادارات مبارزه با فساد اداری بوده است، چنانچه متأسفانه مردم عزیز ما بر اجراءات ادارات که بخاطر مبارزه با فساد اداری ایجاد گردیده اند اعتماد ندارد و علت بی اعتمادی آنها اینست که ادارات متذکره در تامین عدالت وتطبیق قانون واریه خدمات به مردم ناکارا بوده وشاید به ارتباط ناکارایی ادارات متذکره

انتقادات مختلف ناشی از عوامل متعدد موجود باشد چنانچه موجودیت فساد اداری در داخل ادارات مبارزه با فساد و سایر موارد دیگر.

اما به باور بنده علت اصلی و اساسی عدم موفقیت ادارات متذکره، نا کارایی آنها در تامین عدالت و تطبیق قانون، و عدم ارایه خدمات بهتر به مردم، عدم توانایی جلب و رضایت و اعتماد مردم نسبت به اجراات و وظایف خود و موجودیت فساد در داخل ادارات مبارزه با فساد تماماً از اثر نا کارایی و نواقص سیستم مروجه کشف و تحقیق جرایم فساد اداری در ادارات متذکره بوده است، زیرا تطبیق سیستم متذکره مطابق معیارهای مسلکی و جهانی نبوده، بلکه از بقایای زمانهای گذشته در ادارات متذکره باقی و عملی می گردد و اینکه سیستم متذکره چه نواقص دارد و به عوض آن چه نوع سیستم به کار گرفته شود بهتر است قبل از آن شیوه مروجه فعلی کشف و تحقیق جرایم فساد اداری که در ادارات متذکره استفاده می گردد طور خلاصه تشریح سپس در مورد نواقص و نا کارایی آن توضیحات عینی و لازم ارایه خواهند گردید.

۲.۲.۱ شیوه فعلی کشف و تحقیق جرایم فساد اداری در افغانستان

شیوه مورد بحث فعلاً در اداره لوی حارنوالی، اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری و سایر ادارات مربوطه افغانستان رواج داشته و تمام کارمندان ادارات متذکره در خصوص تطبیق شیوه متذکره تجارب عملی کسب نموده اند، بناً به منظور فهم بهتر شیوه متذکره، از طوالت توضیحات و تذکر مواد قوانین نافذه در زمینه جلوگیری نموده، بلکه با الفاظ ساده طور خلاصه شیوه متذکره را در ادارات مبارزه با فساد اداری ذیلاً توضیح خواهیم کرد.

چنانچه فعلاً ادارات کشفی و نظارتی جرایم مبارزه با فساد اداری، وظایف خویش را به اساس مواصلت عرایض، اطلاعات و شکایات قرار ذیل آغاز و پیگیری مینمایند:

- عرایض، اطلاعات و شکایات فساد اداری که عنوانی مراجع مربوطه مواصلت نماید، بعد از تحلیل و ثبت به هیات موظف جهت بررسی سپرده می شود.

- هیات مذکور طی مکتوب، رسماً به اداره که از اجراء آنها شکایت، اطلاع و یا عریضه مواصلت کرده، جهت بررسی معرفی می گردند.
- ادارات دولتی با دریافت مکتوب متذکره، تسهیلات لازم و دفتر کار به هیات موظف بررسی آماده می نمایند.

- هیات مذکور، طی استعلامیه‌های متعدد به ارتباط موضوع از اداره مربوطه اسناد و سوابق دفتری را مطالبه مینمایند.

- هیات بررسی بعد از مطالعه اسناد و سوابق دفتر، طی استعلامیه‌های متعدد پیرامون اطلاع، شکایت و یا عریضه از شعبات و کارمندان اداره مربوطه استجواب بعمل می آورند.

- شعبات و کارمندان ادارات نیز استعلامیه‌های هیات بررسی را تسلیم شده و بعد از سپری شدن چند روز جواب درست یا غلط مقنع یا غیر قانع کننده ارایه مینمایند.

- در اخیر هیات بررسی بعد از مطالعه اسناد، سوابق دفتر و جواب استعلامیه‌های کارمندان، در مورد چگونگی واقعیت و یا عدم واقعیت اطلاع، شکایت و عریضه واصله و در خصوص مسوولیت و یا عدم

مسئولیت کارمندان دولت تصمیم اتخاذ و در صورتیکه موضوع ایجاب تحقیقات را نماید، قضیه نسبتی را به اداره لوی حارنوالی ارجاع می نمایند.

- حارنوالی نیز بعد از مواصلت موضوع، قضیه نسبتی را جهت اكمال تحقیقات به هیات موظف تحقیق می سپارند.

- هیات تحقیق، در صورتیکه پروسه کشفی تکمیل نباشد یا خود رسماً به ادارات مربوطه مراجعه و اسناد مورد نیاز را مطالبه و مطالعه مینمایند و یا هم قضیه را دوباره به مرجع اولی مسترد می کند.
- بعد از اینکه اسناد قضیه تکمیل گردید، هیات مذکور یا خود به ادارات مربوطه جهت اكمال تحقیقات اعزام می گردند و یا هم کارمندان مظنون قضیه را به اداره حارنوالی جلب مینمایند.

- هیات تحقیق در هر دو حالت فوق الذکر از مظنونین طی استعلامیه‌های متعدد پیرامون اسناد موجوده و چگونگی موضوع سوالات مشخص طرح مینمایند.

- هیات موظف در ختم سوالات اگر تصمیم به عدم وقوع جرم و یا عدم مسئولیت مظنونین اتخاذ نمائید، دوسیه را حفظ می کند و اگر ثابت نمود که جرم بوقوع پیوسته است و مسئولیت مظنونین نیز ثابت گردیده است در اینحالت به ترتیب اتهامنامه اقدام و اوراق قضیه را به حارنوال تعقیبی ابتدائیه ارسال می کند.

- حارنوال ابتدائیه بعد از دریافت اوراق به مطالعه آن اقدام می نمائید، اگر قضیه نواقص تحقیقاتی داشت دوباره آنرا به بخش تحقیق مسترد می کند و اگر احیاناً "مراحل تحقیق قضیه تکمیل بود در اینصورت به ترتیب

صورت دعوی جهت اقامه دعوی به محکمه مربوطه اقدام نموده و اوراق را جهت صدور فیصله قانونی به محکمه مربوطه ارسال می کند.

• محکمه ابتدائیه بعد از دریافت اوراق، قضیه را جهت مطالعه به قاضی مدقق سپرده تا در صورتیکه اگر موضوع خلا کشفی و تحقیقی داشته باشد دوباره به مراجع اولی مسترد گردد و در غیر آن یک نقل صورت دعوی به متهمین ویا وکلای قانونی آنها جهت ترتیب دفاعیه سپرده شده و یوم جلسه قضایی مشخص می گردد.

• جلسه قضایی در حضور داشت حارنوال، متهمین وکلای مدافع وسایر افراد دیدخل قضیه دایر ودر ختم جلسه تصمیم به برائت یا محکومیت متهمین اتخاذ و اوراق دوباره به حارنوالی مربوطه ارسال می گردد.

• حارنوالی بعد از دریافت قضیه مطابق قانون می توانند یا به فیصله محکمه مربوطه قناعت و به تطبیق فیصله اقدام نمایند ویا هم بر فیصله صادره محکمه عنوانی محاکم فوقانی اعتراض و قضیه را الی محاکم ثلاثه طی مراحل و تعقیب نمایند.

حال که طور فشرده و خلاصه شیوه مروجہ کشف و تحقیق جرایم فساد اداری در فوق ذکر گردید می خواهیم نواقص و مشکلات که شیوه متذکره در عمل به میان آورده و متاسفانه هیچ یکی از همکاران بخش های مربوطه متوجه این نقیصه نگردیده اند در ذیل طور نهایت خلاصه توضیح نمایم.

۲.۲.۲ نواقص شیوه فعلی کشف و تحقیق جرایم فساد اداری

اجراآت کشف و تحقیق ادارات مبارزه با فساد اداری متاسفانه مطابق معیارهای جهانی و مسلکی نبوده و بدون اینکه حقانیت و واقعیت اطلاعات، شکایات و عرایض واصله را اثبات کنند، فوراً با توظیف هیات،

کارمندان دولت را مورد استجواب قرار داده و برای مامورین پایین رتبه و بلند رتبه دولتی به صورت بسیار سهل، دوسیه جزایی ترتیب شده میتواند، که در اینحالت نه تنها مصونیت و جرأت کاری کارمندان دولت از بین رفته، بلکه امکان دارد تا از مراجع حقوقی بهره برداری سیاسی جهت بد نام کردن و تحت سوال قرار دادن یک تعداد مقامات دولتی صورت گیرد.

سیستم مورد استفاده ادارات متذکره فساد برانگیز بوده و نمیتواند تا اطلاعات و شکایات واصله دقیقاً مستند سازی و جرایم را کشف و مسوولین واقعی آنرا شناسایی نمایند، بناءً مردم و کارمندان دولت اکثراً در حراس اند تا اگر از اوشان استجواب بعمل آید ولو در قضیه دخیل نباشد بدون موجب الی محاکم ثلاثه سرگردان و محبوس خواهند گردید.

همچنان قابل ذکر است اینکه سیستم مورد استفاده کشف و تحقیق در مراجع متذکره فساد برانگیز بوده و به موظفین و کارمندان مسلکی ادارات متذکره در انجام بررسی و تحقیقات قضایای فساد اداری دست باز داده و به میل خویش میتوانند بر علیه مظنونین دلایل الزام و یا برائت را طور سلیقوی و یا یک جانبه جمع آوری نمایند.

سیستم مورد استفاده کشف و تحقیق جرایم فساد اداری باعث گردیده، تا اکثراً "هیات موظف قضیه، در مورد وقوع یا عدم وقوع جرم و یا مسوولیت وعدم مسوولیت مظنونین یقین کامل نداشته باشند، اما ناگزیر طور فورمولیتی به نسبت تراکم بیشتر کار به تحریک و تعقیب غیر مسوولانه موضوعات و قضایا اقدام مینمایند.

چون قضایای فساد اداری در مرحله کشف و تحقیق بنابر ناکارایی سیستم، طور مسلکی ترتیب نمیگردد، بناءً ارسال قضایای متذکره به محاکم و اصدار فیصله محاکم کشور نیز تامین کننده عدالت نخواهد بود. طوریکه گفته شد، جرایم فساد اداری برخلاف سایر جرایم اکثراً بنابر توافق طرفین و از جانب مقامات بلند پایه دولتی و افراد تحصیلکرده با پلان و اصرار قبلی ارتکاب میگردد، لذا کشف جرایم آنها مانند جرایم قتل، سرقت... و غیره، با مواصلت اطلاعات و بررسی محل واقعه و مطالعه اسناد دفاتر طور مسلکی و معیاری با تمام جزئیات امکان پذیر نبوده است، به دلیل اینکه هیچگاه جرایم قتل، سرقت، اختطاف... بنابر توافق طرفین ارتکاب نمی گردد، لذا اتباع کشور نیز به مجرد مشاهده، اطلاع همچو جرایم را به ادارات عدلی و قضایی تقدیم و ادارات متذکره نیز بسیار به سهولت به جمع آوری مدارک اثباتیه جرم (آثار خون، انگشت، اخذ اظهارات شاهدان...) و بررسی قضیه اقدام نموده میتوانند اما برخلاف جرایم فساد اداری عموماً به اساس توافق طرفین (راشی و مرتشی...) ارتکاب میگردد که طبعاً از ارتکاب آن اشخاص و ادارات عدلی و قضایی اطلاع حاصل نمی نماید، در صورتیکه اطلاع همچو جرایم به ادارات عدلی و قضایی مواصلت کند باز هم چون جرایم متذکره با پلان قبلی و ترتیب اسناد طوری ارتکاب میگردد که بررسی آن به اثر مطالعه اسناد دفتر به نسبت نبود شواهد کافی نتیجه موثر و مثبت ندارد، و متأسفانه ادارات مسوول نیز به دلیل ناکارایی سیستم بررسی و تحقیق قضایای فساد اداری قادر به کشف

ودستگیری همچو جرایم نبوده و نمیتوانند از ارتکاب جرایم رشوت آگاهی حاصل و مرتکبین آن را دستگیر وبالاخره با چنین جرایم مبارزه نمایند. به هر حال چون اکثر قضایای فساد اداری که تحت بررسی و تحقیق در ارگانهای کشف و تحقیق قرارداد مربوط به تخطیهای قراردادهای دولتی بوده، لذا میخوایم با تذکر مثال عینی از یک قضیه غدر در قرارداد دولتی ادعای خویش را مبنی بر ناکارایی و نواقص سیستم کشف و تحقیق قضایای فساد اداری ثابت و واضح سازم.

مثال: یکی از ادارات دولتی قرارداد خریداری تیل پترول و دیزل وسایط خویش را با یکی از شرکتهای خصوصی بعد از اعلان و داوطلبی عقد و امضا نمود است، بعد از گذشت چند ماه اطلاع مواصلت کرد که قرارداد متذکره به اساس سازش و همکاری مسوولین دولتی نسبت به نرخ بازار به قیمت بلند تر به ضرر دولت عقد گردیده است.

خارنوال قضیه طبق سیستم مروج کشف و تحقیق، دوسیه قرارداد را مطالعه و بعداً طی استعلام قیمت بازار نیز از سکتور خصوصی ودولتی اخذ گردید، در نهایت بعد از مقایسه قیمت قرار داد با قیمت بازار، ثابت گردید که واقعاً قرارداد متذکره نسبت به نرخ بازار به قیمت بلند تر و به ضرر دولت عقد گردیده است، از اینکه چنین عمل را ماده ۲۷۰ قانون جزا جرم غدر تعریف نموده است، بناءً خارنوال به ملاحظه اوراق قرار داد، تمام مسوولین دولتی را که به نحوه در طی مراحل قرار داد دخیل بودند به عنوان متهم جرم غدر به محکمه مربوطه معرفی وبالاخره محکمه نیز به محکومیت مظنونین اصدار حکم فرمودند.

اما در قضیه متذکره یک سلسله سوالات باقی می ماند که دریافت جواب آن وسیله خارنوال موظف در سیستم مروجہ فعلی کشف و تحقیق امکان پذیر نبوده که در ذیل از آن یاد آور میشویم.

- مسوولین دولتی روی چه انگیزه قرار داد متذکره را نسبت به قیمت بازار به ضرر دولت طی مراحل وعقد نموده اند ؟
 - آیا مسوولین دولتی در قرارداد متذکره از درک رسانیدن ضرر به دولت شخصا "کدام منفعت حاصل نموده اند یا خیر؟
 - اگر منفعت حاصل نموده باشند چه مبلغ بوده ؟ بواسطه کدام اشخاص اخذ نموده اند ؟ فعلاً وجوه متذکره در کجا و نزد کدام شخص قرار داشته است ؟ به کدام تاریخ وجوه متذکره را اخذ نموده اند ؟ وجوه متذکره میان کدام اشخاص به کدام مقدار در کجا تقسیم گردیده است ؟
 - اگر مسوولین دولتی در قرارداد متذکره بدون اخذ کدام منفعت، به دولت ضرر وارد نموده باشند، علت، انگیزه و دلایل آن چه خواهد بود ؟
- چون سوالات فوق الذکر عموماً "در اکثر قضایای فساد اداری مطرح میگردد، اما متأسفانه خارنوال به نسبت نواقص سیستم بررسی و تحقیق قضایا نمی تواند جواب آنرا دریافت نماید. زیرا دریافت جواب به سوالات متذکره به اثر مطالعه دوسیه قرار داد و استجواب مظنونین وسیله استعلامیه ها امکان پذیر نبوده و از طرف دیگر هیچ مظنون بدون موجودیت اسناد و مدارک موثق آماده نخواهد بود تا در جواب استعلام هیات بررسی و یا تحقیق تمام جزئیات قضیه را اعتراف نماید.

همچنان خارنوال با مطالعه اوراق دوسیه قرارداد نمی تواند به حقایق واقعی قضیه پی ببرد به جز اینکه مقدار ضرر دولت را به مقایسه نرخ بازار تثبیت وافرادی که قرارداد را طی مراحل نموده شناسایی نماید ناگفته نباید گذاشت که تثبیت مقدار ضرر دولت و شناسای افراد مظنون در شیوه متذکره نیز خالی از عیب و نواقص نیست، چنانچه تثبیت تفاوت قیمت قرارداد با نرخ بازار نیز به دلایل ذیل مشکل است.

اولاً: "عموماً" تاریخ عقد قرارداد با تاریخ تثبیت نرخ بازار تفاوت دارد و این درحالیست که قیمت‌های بازار همه روزه در تغییر بوده، لذا، تثبیت تفاوت قیمت قرار داد با قیمت بازار در تاریخ‌های مختلف نا ممکن خواهد بود

ثانیاً: اکثر اوقات قیمت قرارداد با قیمت بازار تفاوت دارد، به دلیل اینکه در بازار اجناس در بدل پول نقد خریداری می‌گردد، اما در قراردادهای دولتی وجوه شرکت‌ها برای مدت‌ها در ادارات دولتی در حال طی مراحل و معطل قرار داده می‌شود.

ثالثاً: قیمت قرارداد با قیمت بازار به دلیل تفاوت دارد که قراردادی مکلف به پرداخت تکس و مالیه به دولت می‌باشد، اما در بازار آزاد فروشنده‌ها از درک فروش تیل و یا اجناس مکلف به پرداخت تکس و مالیه نیستند.

هکذا در سیستم متذکره کشف و تحقیق قضایای فساد اداری، نزد هیات موظف قضیه تمام کارمندانیکه به نحوه در طی مراحل قرارداد دخالت داشته مظنون تلقی و به میز محاکمه کشانیده میشوند در حالیکه بدون

شک یک تعداد کارمندان بی گناه بوده وبدون اندک منافع وبدون داشتن قصد جرمی، صادقانه وظیفه خویش را انجام و یا با اهمال اداری قرار داد را طی مراحل نموده، اما در سیستم متذکره تفکیک شخص بی گناه وبا گناه مشکل وحتى ناممکن بوده است، لذا اکثرا "افراد بی گناه مجازات وافراد مجرم از مجازات رهایی میابند به همین دلیل است که امروز اکثر کارمندان دولت ولو هیچ گناهی ندارند از استعمال خارنوال حراس داشته وفکر میکنند که به مجرد شامل شدن نام او در دوسیه واستعلام الی محاکم ثلاثه سرگردان و محبوس خواهند گردید.

با توجه به جریان فوق میتوان گفت، که سیستم مورد استفاده ارگانها متذکره نواقص داشته و طرفین (مظنون وکارمند مسلکی کشف وتحقیق) از اجراءات انجام یافته ناراضی میباشند ودرنهایت عدالت تامین نمیگردد، لذا جدا" سیستم مورد استفاده کشف وتحقیق جرایم فساد اداری ایجاب تجدید نظر، اصلاح ومعیاری وقانونی شدن را مینماید.

بنأ به باور بنده بخاطر تامین عدالت، تطبیق قانون، جلب رضایت واعتماد مردم، جلوگیری از نفوذ فساد در داخل ادارات متذکره، ومبارزه واقعی وموثر با فساد اداری، ادارات متذکره برعلاوه سیستم مروجہ فعلی از سیستم نوین کشف وتحقیق جرایم فساد اداری که با معیارهای مسلکی همخوان ودر اکثر کشورها مورد استفاده قرار داشته وبا قوانین افغانستان نیز تطابق دارد، استفاده و عملی نمایند، اینکه شیوه نوین کشف وتحقیق جرایم فساد اداری چگونه یک سیستم است، پیرامون موضوع طی بحث جداگانه توضیحات مفصل ارایه خواهند گردید.

بخش ۳

چگونگی اصلاح ادارات عدلی وقضایی افغانستان

طوریکه در فوق ذکر نمودیم، ادارات عدلی وقضایی از ناحیه تشکیلاتی واجرآتی مشکلات داشته است که اینک نخست نحوه حل مشکلات تشکیلاتی ادارات متذکره توضیح میگردد بعداً" در مورد چگونگی اصلاح نواقص اجرآتی ادارات متذکره طی بحث مجزا ومفصل توضیحات ارایه خواهند گردید.

۳.۱ رفع چالش‌های تشکیلاتی ادارات عدلی وقضایی

چنانکه قبلاً" بیان گردیده، تشکیلات ادارات عدلی وقضایی بخاطر جلوگیری ومبارزه موثر با فساد اداری در پنج بخش ایجاب بازنگری واصلاحات را مینماید که هر بخش ذیلا طور جداگانه تشریح میگردد.

۳.۱.۱ رفع ادارات موازی مبارزه با فساد اداری

موجودیت ادارات موازی عموماً مورد انتقاد جامعه مدنی، رسانه‌ها ومردم قرار داشته است واز سوی هم تعدد ادارات متذکره به جز از ایجاد مشکلات کدام منفعت را نیز نداشته است لذا ادارات متذکره ایجاب اصلاحات ذیل را مینماید.

۱. کمیته مستقل مشترک مبارزه با فساد اداری

کمیته متذکره قبلاً به اساس پیشنهاد شماره (۱۱۱) ۱۳۸۹/۱۰/۶ اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری و حکم شماره (۵۶۷۵) ۱۳۸۹/۱۰/۷ مقام عالی ریاست ج.ا.ا در چوکات اداره عالی مبارزه با فساد اداری جهت نظارت و ارزیابی از فعالیت‌های مبارزه با فساد اداری در سطح ملی و مساعدت کشورها و موسسات بین‌المللی و کمک‌کننده به جمهوری اسلامی افغانستان تشکیل گردیده، که فعلاً "کمیته متذکره بر خلاف متن پیشنهاد و حکم مقام ریاست جمهوری اسلامی طور مستقل فعالیت مینمایند، درحالی‌که بخاطر ایجاد و تداوم آن طور مستقل منطق حقوقی و قانونی سراغ نداریم و از جانب هم فعلاً در مورد چگونگی تشکیلات و منبع مصارف و عواید و فعالیت‌های کمیته مذکور معلومات دقیق در دست نیست.

بنا" با توجه به جریان فوق، به منظور جلوگیری از تعدد ادارات و موجودیت ادارات موازی و بخصوص بخاطر جلوگیری از تداخل وظیفوی ایجاب مینماید تا کمیته مستقل مشترک مبارزه با فساد اداری (مک) که قطعاً ایجاد و تداوم آن منطق قانونی و حقوقی ندارد لغو و منحل گردد.

۲. اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری

اساساً" در سایر کشورها مبارزه با فساد اداری شامل تدابیر و قایوی و معالجوی می‌گردد که در یکتعداد کشورها مانند ایالات متحده امریکا هر دو وظیفه را یک اداره (پولیس اف بی آی) اجرا میکند و در بعضی کشورهای دیگر بخاطر اعمال هر یک از وظایف متذکره، ادارات مجزا موجود و فعالیت مینمایند.

در افغانستان ماده ۱۳۴ قانون اساسی، وظیفه معالجه جرایم را مربوط به پولیس، حارنوالی و محاکم دانسته، لیکن در مورد وقایه جرایم، قوانین افغانستان کدام ارگان را موظف نساخته است، اما مطابق ماده ۶ کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد که افغانستان نیز به آن الحاق گردیده، دول عضو را مکلف به ایجاد تشکیلات مستقل وقایوی و پیشگیرانه از جرایم فساد اداری نموده است.

بنا "گفته می‌توانیم که در افغانستان مطابق خصوصیت قوانین نمی‌توان همزمان یک اداره وظایف معالجوی و وقایوی را دنبال و اجرا کنند بلکه بخاطر اجرای آن باید ادارات مجزا و مستقل موجود باشد.

فعلا "بصورت عموم تشکیلات اداره عالی مبارزه با فساد اداری مصروف اجرای سه نوع وظایف معالجوی و وقایوی ذیل می‌باشند.

الف: کشف و بررسی جرایم فساد اداری.

ب: جلوگیری از فساد اداری.

ج: ثبت، تدقیق و نشر دارایی‌های مقامات دولتی.

گرچه اداره مذکور در خصوص اجرای وظایف متذکره اقدامات لازم را بعمل آورده است، اما نباید فراموش کرد که اجرای همزمان وظایف وقایوی و معالجوی از جانب اداره متذکره در مطابقت به اصول حقوقی و قانونی افغانستان قرار نداشته و از جانب دیگر اجرای سه نوع وظایف فوق الذکر از جانب اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری دچار چالش‌های ذیل می‌باشد

الف : وظیفه کشف و بررسی جرایم فساد اداری :

اداره عالی مبارزه با فساد اداری ، طبق دستورات کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد وقانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری ، بخاطر انجام اقدامات پیشگیرانه فساد اداری در ادارات دولتی وخصوصی ، جهت جلوگیری از فساد منحیث عالی ترین اداره هماهنگ کننده ونظارت کننده تطبیق ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره در سطح کشور ایجاد گردیده است ، که با صدور فرمان شماره ۶۱ مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۸ مقام عالی ریاست ج.ا.ا به اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری صلاحیت های بیشتر اجرایی درخصوص بررسی وجمع آوری مدارک جرمی فساد اداری وراجع نمودن قضایای فساد اداری غرض تحقیق وتعقیب عدلی به لوی حارنوالی ج.ا.ا به این اداره اعطا گردیده است، باوجودیکه اداره مذکو قضایای متعدد فساد اداری مربوط کارمندان ومقامات دولتی را کشف وغرض انحام تحقیقات بعدی به اداره لوی حارنوالی ج.ا.ا ارسال کرده است ، اما متاسفانه اجرای وظیفه کشف وبررسی جرایم فساد اداری وسیله اداره متذکره مشکلات تخنیکی ذیل را ایجاد نموده است.

در ابتدا مطابق ماده ۴ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری نام اداره مذکور اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری بوده ، اما با صدور فرمان متذکره وتفویض صلاحیت های کشفی در تشکیلات سالهای بعد ، اسم اداره مذکور در مغایرت به حکم قانون ، به نام اداره عالی مبارزه با فساد اداری منظور گردیده است، فعلا"

هم شعبات بعضاً" اسم اولی و بعضاً" اسم دومی اداره مذکوره را در مکاتیب و اسناد رسمی تحریر مینمایند.

بنا" با تاسف که فعلاً" اسم واقعی و واحد اداره مذکور میان مسوولین و کارمندان مشخص نگردیده است.

بعد از تفویض صلاحیت های کشفی ، متأسفانه اداره مذکور بجای اجرای وظایف اصلی (نظارت از تطبیق ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره) مصروف اجراآت کشف و بررسی قضایا گردیده است .

اداره مذکور به دلیل اینکه صلاحیت های اجرایی مانند جلب ، دستگیری ، نظارت و توقیف و ممنوع الخروجی مظنونین را ندارد ، لذا انجام وظایف کشفی و بررسی قضایای فساد اداری از جانب آن نیز موثریت بهتر و بیشتر نخواهد داشت .

اداره مذکور وظایف کشفی و بررسی قضایای فساد اداری را مطابق صراحت فرمان شماره ۶۱ مقام ریاست ج.ا.ا انجام می دهد درحالیکه مطابق ماده ۱۳۴ قانون اساسی کشف جرایم وظیفه پولیس دانسته شده است و ماده ۸۰ قانون اجراآت جزایی جدید و مواد قانون پولیس نیز مکلفیت کشف و گرفتاری متهم و جمع آوری دلایل را مربوط پولیس می داند .

تعدادی از حقوقدانان بدون ارایه دلایل و استناد قانونی اجرای وظایف کشفی و نظارتی اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری را موجه دانسته و استدلال مینمایند که به همانگونه که ریاست امنیت ملی و اداره کنترول و تفتیش بدون استناد حکم ماده ۱۳۴ قانون اساسی به وظایف کشفی اقدام مینماید به همان شکل اداره عالی نظارت نیز

صلاحیت کشف و نظارت جرایم فساد اداری را دارا می باشد ، در حالیکه به عقیده بنده اولاً "چنین استدلال و مقایسه از نظر حقوقی و قانونی سبب اثبات جایگاه حقوقی اداره عالی مبارزه با فساد اداری نخواهد گردید ، ثانیاً" تأکید به همچو دلایل به مفهوم موافقه به ایجاد ادارات مستقل کشف جرایم خشونت علیه زنان ، اداره مستقل مبارزه با قاچاق مواد مخدر ، اداره مستقل رسیده گی به جرایم قتل و سایر ادارات خواهند بود و از سوی هم مقایسه اداره عالی نظارت با ریاست عمومی امنیت ملی و اداره کنترل و تفتیش از نظر سابقه تاریخی فعالیت در کشور ، خصوصیت و استقامت کاری ، موثریت و دست آوردها امکان پذیر نخواهد بود به دلیل اینکه فعالیت های ادارات متذکره تداخل وظیفوی را میان اجراآت سایر ادارات بمیان نمی آورد ، اما اجراآت اداره مبارزه با فساد اداری با وظایف سایر ادارات کشفی تداخل وظیفوی را بمیان خواهند آورد

بنا " اجرای وظایف کشف و بررسی قضایا از جانب اداره عالی مبارزه با فساد اداری نه تنها موثریت و جایگاه قانونی نخواهند داشت ، بلکه اداره مذکور را از اجرای وظایف اصلی که جلوگیری از فساد اداری بوده باز میدارد و فعلاً" بنابر اذهان عموم و وکلای شورای ملی ، اداره مذکور به عنوان یک اداره موازی دانسته می شود.

ب : وظیفه جلوگیری از فساد اداری :

طبق ماده ۶ کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد ، اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری باید به عنوان تشکیلات وقایوی که باعث جلوگیری از فساد اداری گردد تاسیس و ایجاد گردد.

ماده ۹ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری نیز ، اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری را مکلف به انجام وظایف پیشگیرانه و جلوگیری از فساد اداری نموده است .

ماده ۱ ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره نیز تاکید به ایجاد اداره جهت نظارت از تطبیق ستراتیژی متذکره نموده اند.

اما اداره عالی مبارزه با فساد اداری طوریکه قبلاً ذکر گردید بجای نظارت از تطبیق ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره برعکس مصروف تحلیل قوانین و ساده سازی پروسیجر های اداری در ادارات بوده است که در اجراآت متذکره نواقص و مشکلات ذیل مشاهده می گردد .

وزارت خانه ها و ادارات دولتی ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره را بصورت عام تطبیق نکرده و اداره عالی نظارت نیز طور شاید و باید از تطبیق آن نظارت عملی نکرده است .

اکثر مواد ستراتیژی متذکره به اثر عدم تطبیق با گذشت سالها به دلیل تغیر شرایط ، فعلاً " جنبه تطبیقی نداشته و جدا " ایجاب بازنگری را مینماید. اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری به نسبت کمبود پرسونل و عدم ظرفیت و توانایی مسلکی قادر به بازنگری ستراتیژی متذکره و انجام وظیفه تحلیل قوانین نبوده است .

طبق مواد ستراتیژ طرزالعمل اصلاح اداره ، وظیفه ساده سازی پروسیچر ها و تشکیلات اداری مکلفیت کمیسیون مستقل اصلاحات اداری بوده و نظارت از تطبیق آن وظیفه اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری دانسته شده است.

لیکن اداره عالی نظارت، برعکس در خصوص ساده سازی بجای وظایف نظارتی وظایف اجرایی که مکلفیت کمسیون اصلاحات اداری بوده مداخله و اجراآت مینمایند.

بنا" با توجه به مطالب فوق الذکر میتوان استنباط کرد که اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری بجای نظارت از تطبیق ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره برعکس مصروف تحلیل قوانین که ظرفیت اجرای آنرا ندارد و مصروف ساده سازی پروسیجرها که صلاحیت اجرای آنرا ندارد می باشند روی این ملحوظ گفته میتوانیم که اداره مذکور با وجود اجراآت، اقدامات و زحمات با آنهم موثریت و مفیدیت و کارایی مثبت جهت کاهش فساد اداری در سطح کشور که قناعت و اطمینان جامعه ملی و بین المللی را فراهم نماید، نداشته است.

ج : وظیفه ثبت، تدقیق و نشر دارایی ها :

ماده ۱۵۴ قانون اساسی چنین مشعر است (دارایی ریس جمهور، معاونین ریس جمهور، وزرا، اعضای ستره محکمه ولوی خارنوال قبل و بعد از دوره خدمت توسط ارگانی که در قانون تعیین میگردد ثبت، رسیده گی و نشر میشود)

ماده ۱۲ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری چنین صراحت دارد (اداره عالی نظارت دارایی مقامات مندرج ماده یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان را ثبت، رسیده گی و عنداللزوم نشر می نماید)

گرچه اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری با ترتیب فورم های مسلکی و میعاری در پروسه ثبت دارایی ها موفقیت چشمگیری داشته است ، لیکن تدقیق و نشر دارایی های مقامات دولتی یکی از چالش های بزرگ بوده که اجراآت اداره مذکور در خصوص آن قناعت جامعه ملی و بین المللی را فراهم کرده نتوانسته است .

به باور بنده آنچه قابل ذکر است اینکه اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری عملاً " در اجرای وظیفه متذکره دچار مشکلات تخنیکی ذیل می باشد .

کمبود پرسونل در بخش تدقیق دارایی ها باعث گردیده تا دارایی های ثبت شده مقامات در موعد معینه وقتاً " فوقتاً " طور مسلکی و همه جانبه تدقیق شده نتواند.

اداره عالی مبارزه با فساد اداری بعد از ثبت دارایی های مقامات دولتی در مورد چگونگی آن از واحد استخبارات مالی د افغانستان بانک و سایر مراجع مربوط معلومات جمع آوری و تصمیم اتخاذ مینمایند، که عدم همکاری ادارات در جمع آوری معلومات در موعد معینه باعث میگردد تا پروسه تدقیق دارایی ها طویل و زمان گیر گردد.

اداره عالی نظارت بخاطر ثبت و تدقیق دارایی های مقامات دولتی در کشورهای خارجی به دلیل نبود توافقتنامه ها و عدم موجودیت کادر مسلکی که به لسان های خارجی بلدیت داشته باشد به مشکلات مواجه بوده است. وضعیت فعلی سیاسی و امنیتی کشور سبب می گردد تا دارایی های تدقیق شده مقامات بلند پایه دولتی وقتاً " فوقتاً " با رسانه ها و مردم شریک

ساخته نشود، زیرا با نشر آن شاید خوف ایجاد بحران های مختلف متصور خواهد بود .

فلهذا با توجه به دلایل فوق الذکر اجراءات اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری دچار مشکلات وچالش ها بوده موثریت وقانونیت آن را زیر سوال قرار داده وحتى دوام چنین اجراءات باعث خواهند گردید تا مقامات صالحه وشورای ملی اداره مذکور را به دلیل عدم موثریت وکارایی وبه عنوان یک اداره موازی که تداخل وظیفوی را بیار آورده باشد منحل ولغو خواهند کرد ، که طبعاً لغو اداره مذکور نه تنها سبب نقض تعهدات ومواد میثاق مبارزه با فساد ملل متحد ، بلکه لغو آن واکنش های ملی وبین المللی را در قبال خواهند داشت واز همه مهم اینکه الغا اداره مذکور باعث بی سرنوشتی و بیکاری تعداد کثیری از کارمندان اداره مذکور نیز خواهد شد .

بنا" از اینکه متاسفانه قوانین افغانستان در خصوص اجرای وظیفه وقایه وجلوگیری از جرایم فساد اداری وسیله ادارات دولتی صراحت نداشته بلکه سکوت اختیار نموده است واز جانب هم ماده ۶ کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد که افغانستان نیز به آن الحاق گردیده است دول عضو را مکلف به ایجاد وتاسیس اداره مستقل جهت پیشگیری وجلوگیری از جرایم فساد اداری نموده است واین درحالیست که ماده ۷ قانون اساسی کشور دولت را مکلف به رعایت میثاق های بین المللی نموده است و از سوی هم موجودیت تشکیلات وقایوی جرایم فساد اداری در کاهش همچو جرایم موثر تلقی میگردد ، لذا به عقیده بنده موجودیت اداره عالی نظارت بر

تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری به اساس منطق قانونی و حقوقی به عنوان تشکیلات مستقل و مجزا امر حتمی و لازمی و ضروری بوده است.

لیکن آنچه مهم است اینکه باید اداره مذکور به ارتباط انجام فعالیت های آینده خویش در خصوص اصلاح قانون اداره خویش ، اصلاح تشکیلات ، شرایط استخدام پرسونل و تعیین استقامت کاری و ووظیفوی خویش طرح پیشنهادی عینی و قانونی را با در نظر داشت نواقص و مشکلات موجوده که در فوق بصورت خلاصه تذکر گردیده ، خدمت مقامات صالحه تقدیم تا با تطبیق آن نه تنها اداره مذکور به عنوان یک اداره موازی ظهور نکرده بلکه با تعیین و تطبیق استقامت جدید کاری موثریت و وظایف اجرا شده را افزایش داده و نهایتاً "در جلب اعتماد و اطمینان جامعه ملی و بین المللی مبنی بر کاهش فساد اداری در افغانستان اقدامات عملی بعمل آمده بتواند

به هر صورت شاید بخاطر اصلاح و تعیین استقامت کاری و ووظیفوی اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری طرح های جامع و بهتر وجود خواهند داشت اما آنچه از تجارب چندین ساله در ارگانهای عدلی و قضایی و از سفر های کشورهای خارجی با در نظر داشت احکام قوانین افغانستان بدست آورده ام طرح بنده در خصوص اصلاح و تعیین مسیر واقعی استقامت کاری و ووظیفوی اداره مذکور ذیلاً توضیح می گردد .

اول : قانون فعلی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری الی اکنون از جانب شورای ملی افغانستان تصویب نگردیده است و از جانب هم قانون مذکور حاوی نواقص و مشکلات متعدد بوده که نواقص آن در بخش

اول و بخش چهارم رساله حاضر طور خلاصه بیان گردیده است بنا" اقدام اولی، طرح و تدوین قانون جدید و تقدیم آن به شورای ملی کشوری باشد. دوم: قانون مذکور به عنوان یک قانون شکلی که صرفاً" تشکیل، وظایف و صلاحیت های ادارات مبارزه با فساد اداری در آن تفکیک و تشخیص گردیده باشد در نظر گرفته شود و احکام متنی و جزایی فساد اداری مطابق میثاق ملل متحد در قوانین جزائی ایزاد گردد.

سوم: اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری بخاطر جلوگیری از موجودیت ادارات موازی و تداخل وظیفوی، از اجرای وظایف کشف و بررسی قضایای فساد اداری که در مغایرت به قوانین کشور تلقی میگردد اجتناب و جلوگیری بعمل آرد.

چهارم: چون مطابق احکام میثاق مبارزه با فساد ملل متحد و احکام قانون مبارزه با تطهیر پول وقتاً فوقتاً" در خصوص دارایی های بزرگ و مشکوک افراد، از مراجع ملی و بین المللی معلومات در اختیار واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک قرار می گیرد.

بنا" اگر در طرح جدید قانون اداره عالی مبارزه با فساد اداری وظیفه ثبت، تدقیق و نشر دارایی ها مطابق ماده ۱۵۴ قانون اساسی به واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک تفویض گردد بدون شک به نسبت خصوصیت کاری و به دلیل دسترسی عاجل به جزئیات دارایی های مقامات، اجراء آنها نسبت به اداره عالی مبارزه با فساد اداری موثریت و سرعت بیشتر خواهند داشت.

پنجم: تشکیل جدید اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری با در نظر داشت ضرورت عینی و وظیفوی به عنوان کمیسیون تدابیر جلوگیری از فساد اداری از نظر کمیت محدود اما از نظر کیفیت عالی در دو بخش ذیل در نظر گرفته شود.

بخش اول: اکادمی مبارزه با فساد اداری:

تجربه کشورهای موفق مانند کشور مالیزیا ثابت نموده که موجودیت اکادمی علمی مبارزه با فساد اداری در خصوص شناسایی نقاط فساد برانگیز و دریافت راه حل های آن و کاهش جرایم فساد اداری موثریت و مفیدیت قابل توجه داشته است.

به هر حال نباید فراموش کرد که وظیفه اکادمی متذکره مشابه به پوهنتون ها و موسسات تحصیلات عالی نبوده بلکه اکادمی مذکور باید وظایف ذیل را اجرا و انجام دهد.

تدریس و آموزش عملی تکنیک های نوین کشف الکترونیکی و مخفی جرایم فساد اداری جهت ارتقای ظرفیت پولیس، حارنوالان و قضات مبارزه با فساد اداری که طبعاً در ایجاد هماهنگی میان ادارات مبارزه با فساد اداری نیز موثریت خواهند داشت.

تدویر ورکشاپ های دوامدار به اشتراک مسوولین سکتور های مختلف جهت تشخیص نقاط فساد برانگیز در قوانین نافذه، اجراآت و پروسیجر ها و وظایف ادارات دولتی و خصوصی.

دریافت راه حل ها جهت از بین بردن نقاط فساد برانگیز در قوانین ،
اجراآت و پروسیجرهای اداری ، به منظور مبارزه و جلوگیری از ارتکاب
جرایم فساد اداری در ادارات دولتی و خصوصی .

بازنگری دوامدار ستراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره و تطابق آن با
پیشرفت شرایط و معیارها ، جهت از بین بردن نقاط فساد برانگیز در
اجراآت ادارات دولتی و خصوصی و جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری
در ادارات .

تدویر کنفرانس ها و آگاهی دهی عامه از طریق رسانه ها و چاپ
پوسترها در جهت مبارزه و وقایه از جرایم فساد اداری .
ترتیب و نشر احصائیه های افزایش و کاهش جرایم فساد اداری در سطح
کشور .

نباید فراموش کرد که ایجاد اکادمی مبارزه با فساد اداری کار مشکل به
نظر نمی رسد ، اما تطبیق و اجرای وظایف فوق الذکر جهت کاهش
و جلوگیری از جرایم فساد اداری زمانی امکان پذیر خواهند بود که در
اکادمی متذکره افراد دارای حد اقل درجه تحصیلی ماستر ، با تجربه ،
مسلمی ، صادق و با پشت کار و دارای برنامه استخدام گردند ، بنا " اگر در
جذب و استخدام کادر ها در اکادمی متذکره توجه ودقت صورت نگیرد
بدون شک ایجاد تشکیلات مفهوم وموثریت خود را از دست داده
ومفیدیت نخواهد داشت .

بخش دوم : نظارت از چگونگی رفع نقاط فساد برانگیز در ادارات دولتی و خصوصی :

کمیسیون تدابیر جلوگیری از فساد اداری به منظور اعمال وظایف خویش جهت کاهش و جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری بر علاوه بخش اکادمیک و پالیسی ساز ضرورت به بخش اجرایی و نظارتی نیز دارد که میتواند وظایف خویش را ذیلاً دنبال نمایند .

بخش متذکره ، کمیته های یک یا دو نفری خویش را به ادارات مربوطه معرفی نماید تا از تطبیق ستراتیژی طرز العمل اصلاح اداره و سایر موارد اصلاحی که از جانب اکادمی برایشان مواصلت می ورزد در ادارات دولتی و خصوصی نظارت دوامدار بعمل آورند .

کمیته های متذکره طور جداگانه به ارتباط هر اداره مطابق تقویم پیشبینی شده از چگونگی تطبیق ستراتیژی طرز العمل اصلاح اداره و از بین رفتن نقاط فساد برانگیز گزارش منظم ، جامع و کلی ترتیب و غرض تحلیل به اکادمی مبارزه با فساد ارجاع تا بعداً " به ارسال آن به مقام ریاست جمهوری اقدام گردد .

کمیته های متذکره مسوولیت عدم از بین رفتن نقاط فساد برانگیز در ادارات دولتی و خصوصی را داشته باشند ، به این معنی که اگر با وجود حضور آنها در ادارات متذکره جرایم و نقاط فساد برانگیز موجود باشد و کمیته های متذکره عمداً " نواقص و مشکلات در ادارات را به بخش اکادمی مبارزه با فساد اداری گزارش ندهند در اینحالت به نسبت عدم کارایی و ظرفیت کمیته های متذکره باید از وظایف شان برکنار گردند .

فلهذا به عقیده بنده اگر اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری از وظایف غیر ضروری که باعث مصروفیت بی مورد اداره گردیده امتناع نماید و درضمن با طرح جدید فوق الذکر اجراءات خویش را استقامت و وظیفوی و قانونی دهد، بدون شک آنگاه موجودیت اداره مذکور با تشکیلات محدود و مصارف کمتر، دست آورد، مفهوم، موثریت و جایگاه خویش را دریافت خواهند کرد.

۳. ریاست عمومی امنیت ملی

اداره امنیت ملی، اساساً "وظیفه مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را بعهده دارد، اما فعلاً ریاست ۸۲ و ریاست جرایم سنگین امنیت ملی بجای جمع آوری اطلاعات جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی برعکس مصروف جمع آوری اطلاعات در مورد موضوعات عادی فساد اداری در ادارات مختلف بوده اند، که خود از یکطرف آنها را از اجرای وظایف اصلی شان باز میدارد و از جانب هم ریاست ۸۲ و ریاست جرایم سنگین امنیت ملی را به عنوان اداره موازی با سایر ادارات مربوطه بیار آورده است. لذا بخاطر رفع مشکل موجودیت ادارات موازی لازم است تا تشکیلات و بخش های امنیت ملی، مصروف وظایف اصلی شان گردند

۴. اداره لوی خارتوالی جمهوری اسلامی افغانستان

خارتوالی یکی از ادارات مهم و اساسی و با صلاحیت دولت افغانستان بوده است، که مطابق صراحت ماده ۱۳۴ قانون اساسی صلاحیت تحقیق جرایم و اقامه دعوی در محاکم را بعهده داشته و از همه مهم در اجراءات خویش مستقل می باشد.

خارنوالی به عنوان پل ارتباط میان ارگانهای کشفی و محاکماتی اجرای وظیفه مینماید و بدون اینکه خود وظیفه کشف جرایم را انجام دهد، تمام اجراءات ارگانهای کشفی تحت کنترول و نظارت مستقیم خارنوالی قرار دارد، چنانچه ارگانهای کشف مکلف هستند تا راپور جرایم را به خارنوالی تقدیم و در نتیجه قضیه جرمی را غرض اکمال تحقیقات به خارنوالی ارسال نمایند همچنان ارگانهای کشف در صورتیکه دلیل مبنی بر الزامیت در یک قضیه دریافت نمایند بازهم صلاحیت حفظ اوراق را نداشته بلکه مطابق ماده ۱۷۴ قانون اجراءات جزایی جدید در خصوص حفظ آن امر خارنوال باید اخذ گردد.

بناءً اداره لوی خارنوالی به عنوان یکی از ادارات مهم و تاثیرگذار، میتواند تا درحل مشکل موجودیت ادارات موازی که تداخل وظیفوی را بیار آورده اجراءات موثر نمایند.

چنانچه نخست در مورد چگونگی قانونیت ودوام اجراءات کشفی و نظارتی خویش تصمیم قانونی اتخاذ خواهند فرمود واز طرف دیگر از قبول قضایای ارسالی فساد اداری که از ارگانهای موازی غرض تحقیقات برایشان مواصلت میورزد ابا کرده و صرفاً "قضایا فساد اداری را از یک ارگان که صلاحیت قانونی کشف جرایم را داشته باشد قبول و تسلیم شوند، که آنگاه طبعاً مشکل موجودیت ادارات موازی حل خواهند گردید.

۵. وزارت امور داخله (پولیس)

ممکن یکتعداد افراد به انجام وظیفه کشف جرایم فساد اداری وسیله پولیس موافق نبوده و آنرا موثر ندانند اما ازاینکه مطابق صراحت ماده ۱۳۴ قانون اساسی افغانستان و ماده ۸۰ قانون اجراءات جزایی، کشف جرایم

وظیفه پولیس دانسته شده است. لذا تحلیل، تعبیر و ارایه دلایل خلاف آن مبنی بر عدم موثریت وسایر موضوعات ولو واقعیت هم باشد، منطق حقوقی نخواهند داشت.

چنانچه وظیفه مبارزه با فساد اداری در کشور ایالات متحده امریکا وظیفه پولیس FBI بوده که در امر مبارزه با فساد اداری دست آورد نتیجه مثبت و موثر نیز داشته است، اما متأسفانه پولیس افغانستان بنابر دلایل نامعلوم در شرایط فعلی صرفاً به کشف جرایم جنایی وعادی مشغول هستند اما از کشف جرایم فساد اداری در واحدهای اولی ودومی نهادهای دولتی وخصوصی مکلفیت قانونی خویش را انجام نمیدهد که عدم اجرای وظیفه قانونی وعدم جمع آوری اسناد وبررسی قضایای فساد اداری از جانب پولیس باعث گردیده تا از خلا موجوده استفاده سو صورت گرفته وبخاطر بررسی همچو جرایم ادارات موازی ایجاد گردد.

درحالیکه اگر پولیس طبق وظیفه، به کشف جرایم متذکره اقدام نمایند، طبعاً به مراتب نسبت به سایر ادارات موفق و موثر خواهند بود به دلیل اینکه پولیس از امکانات وسیع برخوردار بوده وبه دلیل داشتن صلاحیت های اجرایی مبنی بر جلب، گرفتاری ونظارت مظنون میتوانند با جرایم متذکره مجادله جدی وقاطع نمایند.

بناءً یکی از راه های جلوگیری از موجودیت ادارات موازی مبارزه با فساد اداری اینست که مطابق صراحت ماده ۱۳۴ قانون اساسی وموادات قانون پولیس صلاحیت کشف جرایم فساد اداری کلاً "صرفاً" به پولیس تفویض گردد.

لذا ایجاب مینماید تا وزارت امور داخله در ایجاد تشکیلات مبارزه با فساد اداری و استخدام کارمندان در بخش متذکره تحت شرایط مسلکی ذیل اقدام و در صورت عدم رعایت و بدون در نظر داشت شرایط متذکره بدون شک مبارزه آنها نیز مانند سایر ادارات فعلی به مشکل مواجه خواهند بود. چنانچه وزارت امور داخله تشکیل معینیت مبارزه با فساد اداری را ایجاد و معینیت متذکره در تمام ولایات افغانستان، ریاست‌های مبارزه با فساد اداری را که شامل پنج بخش ذیل باشند ایجاد خواهند کرد.

شماره	اسم بخش	نوع فعالیت
۱	بخش اداری	بخش متذکره تمام وظایف مالی واداری و تنظیم وجوه اپراتیفی ریاست مبارزه با فساد اداری را انجام دهند.
۲	بخش تکنیکی	این بخش وظیفه استراق سمع مکالمات تلفونی، ثبت صوتی و تصویری فعالیت‌های جرمی، نصب وسایل کشف مخفی، تشریح واریه نظر مسلکی پیرامون وسایل و مدارک بدست آمده الکترونیکی مظنونین که شامل موبایل، کمپیوتر و غیره می باشد، انجام می دهد.
۳	بخش اطلاعاتی	این بخش وظیفه اخذ، جمع آوری و تحلیل اطلاعات فساد اداری از طریق عرایض، ایمیل، تلفون، صندوق شکایات و اقدامات کشفی مخفی را انجام می دهد.
۴	بخش بررسی قضایا	این بخش در دو استقامت دولتی و خصوصی تقسیم و فعالیت بررسی خویش را از طریق سیستم کشف بررسی کاغذی و سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم انجام می دهد.
۵	بخش پولیس امنی	این بخش در خصوص جلب، گرفتاری و سایر اقدامات اجرایی جرایم فساد اداری اجرای وظیفه نماید.

جرایم فساد اداری نسبت به سایر جرایم پیچیده بوده و بررسی آن نیز ضرورت به تخصص و تجربه داشته است لذا بخاطر موثریت بیشتر و جلوگیری از بیکاری بهتر خواهد بود تا آن‌عه کارمندان اداره مبارزه با فساد

اداری، لوی خارنوالی و سایر ادارات که با ایجاد تشکیلات فوق الذکر بی کار می گردند در ریاست های مبارزه با فساد اداری وزارت امور داخله استخدام گردند.

۳.۱.۲ رفع تشکیلات موازی در داخل ادارات عدلی و قضایی

یکی دیگر از مشکلات عمده ادارات عدلی و قضایی، موجودیت ریاست ها و شعبات مشابه و دارای عین وظایف در داخل ادارت بوده که تداخل وظیفوی را ببار آورده اند.

بناء به منظور مبارزه با فساد اداری از میان برداشتن تشکیلات غیر ضروری یکی از نیازهای عمده بوده است.

- اداره لوی خارنوالی ج.ا.ا، بعد از ایجاد خارنوالی ملکی مبارزه با فساد اداری، در مورد چگونگی تداوم اجراآت ریاست تحقیق جرایم، ریاست خارنوالی امنیت عامه مرکز، ریاست خارنوالی استیناف امنیت عامه و ریاست خارنوالی مبارزه با فساد اداری نظامی باید توجه و تجدید نظر نمایند.

هکذا حدود و صلاحیت های، ریاست کنترول و مراقبت خارنوالی، ریاست تفتیش لوی خارنوالی و ریاست خارنوالی نظارت بر ارگانها کشف و تحقیق طوری تفکیک و تعیین گردد که از یکطرف میان ریاست های فوق الذکر تشابه وظایف موجود نگردد و از جانب دیگر اجراآت ریاست های متذکره با وظایف سایر ریاست های اداره لوی خارنوالی تداخل نداشته باشد.

- وزارت امور داخله، وظایف ریاست جنایی، ریاست تفتیش داخلی و ریاست جرایم سنگین و غیره بخش های خویش را که امورات نسبتا مشابه را انجام میدهند تجدید نظر و اصلاحات بعمل آرند.

- ریاست ۸۲ امنیت ملی و ریاست جرایم سنگین امنیت ملی هر دو در عین زمان مصروف جمع آوری اطلاعات جرایم فساد اداری بوده که خود تشابه تشکیلاتی و وظایف را بعمل آورده که ضرورت به تجدید نظر و اصلاح را دارد.
- بناءً یکی از اقدامات جلوگیری کننده از فساد اداری، شناسایی واز میان برداشتن تشکیلات مشابه در مجموع ادارات بخصوص ادارات عدلی و قضای می باشد.

۳.۱.۳ رفع تداخل وظیفوی ادارات عدلی و قضایی

موجودیت ادارات موازی نه تنها تداخل وظیفوی را بعمل آورده بلکه باعث گردید تا در عین زمان بخاطر عین قضیه از چند اداره هیات جهت بررسی، توظیف و به اداره مشخص اعزام گردد که بار بار موضوع از جانب وزارت خانه های مختلف مورد انتقاد قرار گرفته و کارمندان دولت شکایت دارند که در مورد قضیه کدام ارگان ذیصلاح بوده و به کدام هیات جواب ارایه نمایم، لذا بخاطر حل مشکل متذکره ایجاب مینماید تا طبق هدایت قانون اساسی و قوانین فرعی نافذ کشور، وظیفه کشف، تحقیق، تعقیب و محاکمه جرایم فساد اداری میان ادارات تفکیک و عملی گردد.

۳.۱.۴ ایجاد هماهنگی میان ادارات عدلی و قضایی

در حال حاضر متأسفانه میان ادارات عدلی و قضایی هماهنگی لازم موجود نبوده در حالیکه مبارزه با فساد اداری در حالت عدم هماهنگی میان ادارات مربوطه امکان پذیر نخواهد بود، بناءً تامین ارتباط و ایجاد هماهنگی میان ادارات بخصوص پولیس، خرنوالی و محاکم نیاز عمده بوده

است، ایجاد هماهنگی میان ادارات متذکره تحت شرایط ذیل امکان پذیر می‌گردد

• تشکیلات پولیس، خارنوالی و محاکم در مطابقت به یکدیگر عیار گردد.

• تقسیم وظایف میان ادارات متذکره طور عملی به میان آید چنانچه کشف وظیفه پولیس، تحقیق و تعقیب وظیفه خارنوال و فیصله وظیفه محاکم تلقی گردد.

• هر سه اداره در محوطه واحد نزدیک به یگدیگر (آمریت حوزه امنیتی، خارنوالی ابتدایه و محکمه ابتدایه) (قوماندانی امنیه ولایت، ریاست خارنوالی استیناف ولایت و ریاست محکمه استیناف ولایت) (وزارت داخله، لوی خارنوالی و ستره محکمه) مانند کشور ترکیه در محوطه‌های واحد و نزدیک به هم جایجا و فعالیت نمایند.

اگر شرایط فوق تحقق یابد، بدون شک هماهنگی بهتری میان ادارات متذکره ایجاد شده و با فساد مبارزه موثر صورت خواهند گرفت.

۳.۱.۵ اصلاح منابع بشری در ادارات عدلی و قضایی

اصولاً " مطابق قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی و قانون تشکیل و صلاحیت محاکم افراد که تحصیلات عالی در رشته حقوق و شرعیات داشته باشند باید در تشکیلات مسلکی اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، اداره لوی خارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان و محاکم کشور استخدام و توظیف گردند، اما طوریکه عملاً دیده می شود استخدام

کارمندان مسلکی در یکتعداد ادارات متذکره شامل یکی از مشخصات ذیل خواهند بود.

۱. اکثریت کارکنان مسلکی یکتعداد ادارات متذکره فارغین صنوف ۱۲ ویا مدارس بوده اند در حالیکه بخاطر مبارزه با فساد اداری داشتن کادر ورزیده، مسلکی آگاه، صادق و تحصیلکرده نیاز اصلی و اساسی تلقی می گردد، بنأ با داشتن چنین کادر طبعاً نمی توان با فساد اداری مبارزه کرد لذا بخاطر مبارزه با فساد اداری بهتر خواهد بود تا ادارات متذکره افراد مذکور را در بست‌های اداری وولایات دور دست که امکان جذب افراد تحصیلکرده میسر نباشد تبدیل وبه عوض آنها افراد تحصیلکرده وباتجربه رشته حقوق وشرعیات استخدام گردند.

۲. یکتعداد کثیر کارمندان مسلکی ادارات متذکره خلاف رشته یعنی فارغین فاکولته زراعت، انجینیری، طب، وغیره جذب گردیده اند، افراد متذکره گرچه تحصیلات عالی دارند اما بنابر مشکلات بیکاری و عدم دریافت وظیفه مطابق مسلک مجبورا" در بخش‌های عدلی وقضایی بنابر روابط وشناخت تقرر حاصل نموده و به دلیل اینکه به مسایل حقوقی آشنایی علمی ندارند لذا انجام وظایف آنها در امر مبارزه با فساد اداری موثریت قابل توجه نخواهد داشت، بنأ به باور بنده بهتر خواهد بود تا یکتعداد کارمندان مذکور در بخش‌های اداری تبدیل و در مورد تعداد دیگر آنها به اثر تفاهم با سایر ادارات، زمینه اشتغال و تقررشان در ادارات که مربوط مسلک شان بوده فراهم و در بست‌های متذکره افراد تحصیلکرده وباتجربه رشته حقوق وشرعیات استخدام گردند.

۳. یکتعداد کارمندان مسلکی در ادارات عدلی و قضایی استخدام اند که اکثریت آنها از فاکولته‌های حقوق و شرعیات پوهنتون‌های ولایات و پوهنتون‌های شخصی و پوهنتون کابل فارغ و عملاً در ادارات متذکره ایفای وظیفه مینمایند،

که از جمله یکتعداد آنها، گرچه تحصیلکرده حقوق و شرعیات اند، اما با آنهم ضرورت به ارتقای ظرفیت و کسب تجارب مسلکی دارند، لذا ادارات عدلی و قضایی با تدویر کورس‌های مسلکی داخل اداره اقدام و درضمن روسای مربوطه شانرا مکلف به تدریس و تربیه کادر مذکور خواهند کرد.

همچنان یکتعداد کارمندان تحصیلکرده، مسلکی و با تجربه در ادارات مذکور موجود است اما این بخش نیز به دو گروپ تقسیم می گردد.

اول: آنده کارمندان که واقعا "مجبرب و مسلکی بوده، اما متاسفانه آلوده به فساد هستند، بنا با چنین کادر نیز نمی توان با فساد مبارزه کرد، لذا بهتر خواهد بود تا آنها تشخیص و به بخش‌های غیر موثر و در بست‌های پائین که چانس ارتکاب فساد اداری برایشان میسر نباشد تبدیل گردند .

دوم: آنده کارمندان که هم مجرب و هم صادق و وفادار به مسلک بوده، اما متاسفانه کادر مذکور در بخش‌های غیر موثر و در بست‌های پائین ایفای وظیفه و به اصطلاح زیر خاک باقی مانده اند .

بنا به باور بنده بهتر خواهند بود تا کارمندان مذکور در ادارات متذکره تشخیص و در بخش‌های کلیدی رهبری تقرر حاصل نمایند.

هكذا يكتعداد کارمندان مجرب و مسلکی، صادق، وفادار به مسلک بنابر دلائل مختلف از مسلک و ادارات متذکره فاصله گرفته اند که تشویق و جذب آنها در امر مبارزه با فساد اداری اثر بخش خواهد بود.

به هر حال آنچه قابل توجه است اینکه توزیع رتبه‌های کادری حارنوالی ضمن اینکه به افراد واجد شرایط و مستحق توزیع گردیده اما متأسفانه بعضاً انتقاد می شود که توزیع رتبه‌های کادری خلاف قانون تشکیل و صلاحیت حارنوالی صرفاً "بخاطر بلند رفتن امتیازات مادی به یکتعداد افراد غیر مستحق که یا تحصیلات عالی نداشته، یا در بخش‌های مسلکی ایفای وظیفه نکرده و یا هم کدام رساله حقوقی تحریر نکرده و یا هم در اداره رسمیت نداشته است، صورت گرفته، که در اینحالت حیثیت و اعتبار معنوی و علمی رتبه‌های کادری کاملاً از بین رفته است.

بنأ به منظور احیای اعتبار علمی و معنوی رتبه‌های متذکره، بهتر خواهد بود تا اداره لوی حارنوالی در مورد ابطال رتبه‌های کادری آن‌عه کارمندانیکه تحصیلات عالی، و تجربه مسلکی و یا هم در اداره رسمیت نداشته اقدام و در مورد آن‌عه کارمندانیکه تحصیلات عالی و تجربه مسلکی دارند اما بدون تحریر رساله حقوقی رتبه‌های کادری را بدست آورده اند باید به آنها چانس داده شود تا رساله‌های حقوقی و علمی بخاطر قانونیت و اعتبار رتبه‌های حاصله خویش تحریر نمایند در غیر آن به ابطال رتبه‌های حاصله شان تصمیم اتخاذ گردد.

تا در اینصورت از یکطرف میان مستحق و غیر مستحق، کادر واقعی و غیر واقعی، کارمند مجرب و غیر مجرب، مسلکی و غیر مسلکی تفکیک

ایجاد و باعث تشویق کارمندان و احیای اعتبار علمی رتبه‌های کادری خواهند گردید.

۳.۲ رفع مشکلات اجرائی ادارات مبارزه با فساد اداری

از آنجاکه قبلاً طور فشرده بیان گردید، ادارات عدلی و قضایی دچار مشکلات و نواقص اجرائی هستند و نمیتوانند با جرایم فساد اداری به اثر کشف، تحقیق، محاکمه و تطبیق مجازات مبارزه موثر انجام دهند.

روی این ملحوظ ایجاب مینماید تا ادارات مبارزه با فساد اداری ضمن شیوه مروجہ فعلی بررسی کاغذی قضایا از شیوه نوین کشف و تحقیق جرایم فساد اداری که مطابق معیارهای مسلکی، قانونی و در اکثر کشورهای جهان از آن استفاده بعمل می آید، در اجراءات خویش عملی تا با تطبیق شیوه متذکره با فساد اداری مبارزه واقعی صورت گرفته و اعتماد مردم نسبت به ادارات متذکره جلب و درضمن از نفوذ فساد در داخل ادارات متذکره نیز جلوگیری بعمل آید.

فلهذا بخاطر اینکه از سیستم نوین کشف و تحقیق مبارزه با فساد اداری استفاده عملی در ادارات عدلی و قضایی افغانستان بعمل آمده بتواند میخوایم در ذیل طور مفصل با جزئیات شیوه متذکره را توضیح و تشریح نمایم

۳.۲.۱ شیوه نوین کشف و تحقیق جرایم فساد اداری

ضعف و ناکارایی سیستم بررسی کاغذی قضایا باعث گردید تا اکثر کشورهای جهان بخصوص مالیزیا و ترکیه شیوه کشف و تحقیق جرایم فساد اداری خویش را تغیر دهند، چنانچه برعلاوه سیستم که فعلاً در افغانستان

مروج است از کشف و تحقیق الکترونیکی و مخفی جرایم استفاده مینمایند و با استفاده از سیستم متذکره مراجع کشفی منتظر مواصلت اطلاع از جانب اتباع کشور نبوده، بلکه خود در شبکه‌های مجرمین فساد اداری نفوذ نموده و بعد از مستند سازی، تا زمانیکه دلایل قوی الزام علیه مفسدین با استفاده از سیستم مدرن الکترونیکی و مخفی جمع آوری نکرده باشند به افشا موضوع و ارسال اوراق به مراجع تحقیقی و محاکماتی اقدام نمی نمایند. قوانین جدید افغانستان نیز با توجه به تجارب جهانی، کشف و تحقیق جرایم فساد اداری را به شیوه الکترونیکی و مخفی توصیه نموده، اما ادارات عدلی و قضایی افغانستان بنابر دو دلیل، شیوه متذکره را الی اکنون در عمل استفاده نمی نمایند.

۱. استفاده از سیستم الکترونیکی و مخفی کشف جرایم در عمل باعث ایجاد مشکلات متعدد و نقض مصونیت مکالمات و مخابرات اتباع کشور گردیده است.

مثلاً: استراق سمع مکالمات تیلیفونی ریس دارالانشا کمیسیون مستقل انتخابات و بدسترس قرار دادن آن نزد افراد غیر مسوول باعث بحران انتخابات سال ۱۳۹۳ گردید.

لذا به این دلیل حکومت و اتباع کشور بیشتر علاقمند استفاده از شیوه متذکره در کشف جرایم فساد اداری نبوده است

۲. موظفین مسلکی ادارات عدلی و قضایی در خصوص کشف و تحقیق الکترونیکی و مخفی جرایم فساد اداری تحصیلات و تجارب عملی ندارند،

لذا از سیستم متذکره در کشف و تحقیق و محاکمه جرایم و مجرمین فساد اداری استفاده نمی نمایند.

در حالیکه اگر سیستم متذکره طور مسلکی مدیریت و مصوونیت مکالمات افراد مطابق احکام قانون تامین و رعایت گردد، بهترین شیوه مبارزه با فساد اداری در افغانستان ضمن سیستم فعلی، استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم فساد اداری بوده که باید ادارات عدلی و قضایی در اجراآت شان بخاطر مبارزه واقعی با فساد اداری و جلب اعتماد مردم نسب به اجراآت خود به آن اتکا نمایند.

در این مرحله می‌خواهم شیوه نوین کشف و تحقیق جرایم فساد اداری را به کشف الکترونیکی و کشف مخفی جرایم فساد اداری تقسیم و ذیلاً توضیح نمایم.

۳.۲.۱.۱ کشف الکترونیکی جرایم فساد اداری

کشف جرایم الکترونیکی یک متدولوژی کاملاً تعریف شده است برای حفظ، نگهداری، شناسایی، بازگرداندن و مستند سازی تمام مطالب داده شده به کمپیوتر و وسایل الکترونیکی می‌باشد.

تحلیل و تجزیه مطالب الکترونیکی صرفاً منحصر به کمپیوتر نبوده بلکه شامل تیلیفون، کمره‌های فلمبرداری و عکاسی، ماشین‌های فکس و سایر تجهیزات الکترونیکی می‌گردد.

ادارات کشفی و تحقیقی حین بررسی موضوع فساد اداری بهتر است تا کمپیوتر، مایل و سایر وسایل الکترونیکی مظنونین را اخذ و درج محضر نموده جهت بررسی تخنیک‌ی به اهل خبره ارسال و تسلیم نمایند.

چنانکه ادارات کشفی و تحقیقی اجساد را جهت معاینات طبی به ریاست خدمات طب عدلی معرفی و در مورد علت مرگ، وقت مرگ، لکه‌های میتی، و سایر موضوعات سوالات مسلکی طرح مینمایند به همانگونه ایجاب مینماید تا ادارات عدلی و قضایی پیرامون موضوعات الکترونیکی نیز معلومات کافی داشته، تا با ارسال وسایل جهت بررسی تخنیکی به اهل خبره، سوالات مسلکی جهت کشف جرایم فساد اداری را طرح نمایند. اکثراً دیده شده که کارمندان دولت و مظنونین، مکاتیب، یادداشت‌ها و اسناد که به نحوه با جرایم اختلاس، رشوت و سایر موارد ارتباط دارد تحریر و بعداً به حذف آن و یا نگهداری آن در قسمت‌های مختلف کمپیوتر با دادن رمز و پاسورد اقدام مینمایند.

بناءً بخاطر کشف و بررسی مدارک متذکره مطابق پیشرفت تکنالوژی پروگرام‌های مختلف کمپیوتری موجود است که با استفاده از آن میتوان با وجود پاسورد به کمپیوتر مظنون وارد و تمام مطالب قبلاً حذف شده را دوباره احیا و ذخیره نموده و به مطالعه موضوعات مندرج آن پرداخته تا در دریافت و شناسایی مطالب مرتبط به جرم جهت کشف حقایق قضیه اقدام گردد.

هکذا اکثراً با استفاده از پروگرام‌های انترنتی فیسبوک و ایمیل آدرس‌ها، مظنونین با افراد و اشخاص دیگر در تماس شده و یا هم بعضی معلومات‌ها را از صفحه انترنتی اخذ مینمایند.

در حالیکه با استفاده از پروگرام‌های مشخص کمپیوتری میتوان تا به آدرس انترنتی مظنونین داخل و مطالب مندرج آنرا ذخیره و مطالعه نموده

و در مورد تاریخ، ساعت و موقعیت استفاده کننده اینترنت معلومات حاصل گردد.

لذا با استفاده از شیوه متذکره میتوان موقعیت مزنونین مفرور را تثبیت و درضمن به اثر مطالعه مطالب مندرج فیسبوک و ایمیل آدرس در مورد موضوعات مرتبط به جرایم فساد اداری و ارتباطات موصوف معلومات بدست آورد.

نباید فراموش کرد که برعلاوه کمپیوترها، مهمترین وسیله کشف الکترونیکی جرایم، تلفون همراه یا مایل بوده است

چنانچه بررسی محتویات مایل در عمل نشان داده که، مزنونین اکثرا شماره تلفون جانب مقابل را در مایل خویش ثبت مینمایند که به ملاحظه آن میتوان ارتباط موصوف را با شخص جانب مقابل ثابت کرد.

از جانب دیگر مزنونین با ارسال پیام کتبی و تماس تلفونی با جانب مقابل ارتباط میگیرند و عموما تلفون های دارای سیستم پیشرفته (مایل سامسونگ اس فایف)، تمام مکالمات و پیام های کتبی موصوف را در ذخیره مایل ثبت و نگهداری مینماید که با مطالعه و شنیدن پیام و تماس های تلفونی مزنون، میتوان در مورد قضیه تحت کار حقایق را دریافت کرد.

همچنان چک و کنترول فوتوها و فلمبرداری داخل حافظه مایل نیز در کشف حقایق قضیه تحت کار موثر تلقی میگردد

به هر حال اجرا تمام پروسه متذکره قراریکه در مثال های عینی ذیلا" توضیح خواهند گردید، شامل اجراآت مخفی نمی گردد بلکه می توان در

حضورداشت مظنون به تشریح و مطالعه مطالب مندرج وسایل الکترونیکی جهت کشف جرایم فساد اداری اقدام کرد.

- مثال‌های عینی کشف الکترونیکی جرایم فساد اداری

در این مرحله می‌خواهم جریان کشف، تحقیق و محاکمه یک تعداد قضایای نهایت مهم فساد اداری را که به رهنمایی مشاورین خارجی، سالها قبل با استفاده از شیوه الکترونیکی و بررسی اسناد دفتر تکمیل گردیده، بدون افشای اسم مظنونین توضیح نمایم. تا همکاران ما در ادارات عدلی و قضای با استفاده از آن در کشف تحقیق و محاکمه مظنونین جرایم فساد اداری انشا الله استفاده موثر بعمل آورده بتواند.

مثال اول:

قضیه بحران مالی کابل‌بانک یک موضوع نهایت مهم در سطح ملی و بین المللی بود و همه جوانب داخلی و خارجی توقع داشتند تا علت و عاملان بحران و اندازه خساره کابل‌بانک شناسای گردد.

هیات‌های متعدد جهت بررسی قضیه متذکره توظیف گردید ، اما هیات‌های متذکره به اثر بررسی اسناد دفاتر کابل‌بانک، موفق به دریافت جزئیات و حقایق قضیه نگردیدند، لذا تصمیم گرفته شد تا قضیه متذکره با استفاده از تکنیک کشف الکترونیکی بررسی گردد.

چنانچه اطلاعات مواصلت می‌کرد مبنی براینکه، دو نفر کارمندان کابل‌بانک که تابعیت کشور هندوستان را دارند، در سازماندهی بحران کابل‌بانک دخالت مستقیم داشتند اما از پروسه تحقیق بازمانده اند.

هیات تحقیق با مشکلات فراوان دو نفر مظنون متذکره را دریافت و به پروسه تحقیق حاضر نمودند، مظنونین در جریان تحقیق از باز کردن ایمیل‌ها خود داری میکردند که عدم باز کردن آن شک هیات تحقیق را بیشتر ساخته و بالاخره آنها را آماده وراضی نمودند تا ایمیل آدرس‌های خود را باز نمایند.

مطالعه ایمیل‌های دو نفر که به صرافی شاهین در دبی ارسال و مرسول گردیده بود، علت بحران، عاملین بحران و اندازه خساره کابل‌بانک را به هیات تحقیق ثابت و توضیح ساخت بعد از اینکه حقایق و چگونگی واقعی موضوع نزد هیات تحقیق روشن گردید توانستیم که اسناد دفاتر کابل‌بانک را دقیقاً مطالعه و بررسی نمایم که از بررسی اسناد متذکره کاملاً حقایق روشن گردید.

بناءً از توضیح خلاصه قضیه بحران مالی کابل‌بانک نتیجه گرفته میشود که اثبات حقایق قضیه به بررسی اسناد دفتری امکان پذیر نبود اما بررسی ایمیل‌های مظنونین زمینه دریافت حقایق و بررسی اسناد دفتری را مساعد ساخت.

مثال دوم:

سالها قبل اطلاع رسمی مواصلت کرد که گویا در داخل یکی از شبکه‌های تلویزیونی یک دختر به قتل رسیده و بعداً بخاطر اینکه شبکه تلویزیونی بد نام نشود اداره پولیس قضیه را رسمی ننموده بلکه از افشای قضیه صر نظر گردیده است.

هیات بخاطر اثبات موضوع از تمام کارمندان شبکه تلویزیونی، اعضای فامیل متوفی، حوزه پولیس مربوطه، طب عدلی و سایر جوانب قضیه استجواب نموده اما حقایق دریافت نگردید، همچنان از اینکه مدت دو هفته از مرگ متوفی میگذشت و جسد به خاک سپرده شده بود لذا معاینات تخنیکی و طبی جسد و محل واقعه نتیجه نمی داد.

لذا هیات در کشف حقیقت موضوع به مشکلات مواجه گردید، بناءً تصمیم گرفته شد تا بررسی موضوع با استفاده از شیوه الکترونیکی صورت گیرد.

بناءً هیات تحقیق نخست سه سیت مبایل مربوط متوفی را از فامیل اش اخذ و سپس از اینکه تلفونهای متذکره پاسورد داشت لذا به کمک تخنیکی مشاورین خارجی به تشریح محتویات مبایل اقدام و درضمن لست مکالمات، و متن پیامهای کتبی (مسج) شمارههای تلفون مربوط به متوفی، از شبکههای مخابراتی مطالبه گردید.

هنگامیکه لست مکالمات و پیامهای کتبی متوفی مطالعه گردید، واضح شد که موضوع قتل نه بلکه خودکشی بوده است، همچنان به ملاحظه آن هیات تحقیق توانست تا محل واقعه را تثبیت نماید و از همه مهم اینکه علت وانگیزه خودکشی نیز ثابت و شخصیکه باعث خودکشی متوفی شده بود شناسای گردید.

بناءً ازاینکه ادارات مربوطه دولتی (پولیس و طب عدلی) عمداً موضوع خودکشی متذکره را رسمی نکرده بود، لذا کشف آن با استفاده از سایر تکتیکها موثریت و نتیجه نداشت، الی اینکه چگونگی حقایق موضوع

وسيله كشف الكترونيكي جرايم دريافت وسواستفاده وشراكت ادارات دولتي درخصوص شراكت وپنهان كاري واقعه ثابت گرديد.

مثال سوم:

يكي از كارمندان دولت به جرم اخذ رشوت بالفعل دستگير و يکجا با قضيه نسبتی به اداره خاړنوالی معرفی گردید در جریان تحقیقات، فایل عکاسی وفلمبرداری تيلفون مبايل مظنون بررسی گردید در نتیجه فوتو وفلمبرداری غير اخلاقی شخص مظنون مذکور در آن ثبت بوده وبه ملاحظه آن جرم اخلاقی مذکور با يک خانم که نکاح شرعی میان شان موجود نبود نیز ثابت گردید.

مثال چهارم:

يكي از صرافان سرای شهزاده کابل به جرم شراكت قاچاق مواد مخدر از جانب اداره مربوطه دستگير گردید زمانیکه کمپیوتر موصوف تشریح شد ثابت گردید که نامبرده در انواع جرایم تطهير پول نیز دخالت دارد.

مثال پنجم:

سالها قبل اطلاع مواصلت کرد که يک شخص عنوانی شرکت‌های بزرگ هوایی، با استفاده از اسناد تزويری خود را به عنوان نماینده دولت افغانستان جهت طی مراحل وحل مشکلات شرکت‌های متذکره در میادین هوایی افغانستان معرفی نموده است و به نسبت اینکه آدرس و شماره مبايل مظنون مذکور معلوم نبود، لذا پولیس و هیات تحقیق با وصف جلب‌های مکرر قادر به دریافت ودستگیری مظنون مذکور نگردید.

بناءً با استفاده از سیستم کشف الکترونیکی جرایم، هیات تحقیق وارد صفحه اینترنتی فیسبوک و گوگل شده و در نتیجه تمام جزییات که شامل (محل فعالیت، نوع فعالیت، سن، تحصیل، شماره تیلیفون) مظنون مذکور میگردد ثابت و بالاخره به کشف، دستگیری و محاکمه مظنون مذکور موفق گردیدیم.

۳.۲.۱.۲ شیوه کشف مخفی جرایم فساد اداری

مخفی در لغت به معنی نا پیدا، پوشیده، نهفته، نهانی، نا محسوس در خفا، از پنهان، از کمینگاه، پنهان از کسی، بی خبر او و بی آگاهی او، میباشد.

چون جرایم فساد اداری عموماً بنابر توافق طرفین ارتکاب میگردد لذا اکثراً اطلاعات آن عنوانی ادارات عدلی و قضایی مواصلت نمی نماید، بناءً ایجاب مینماید تا جهت کشف و مبارزه با جرایم متذکره، ارگانهای کشفی یک سلسله اقدامات پوشیده در خفا و پنهانی از مظنونین را انجام دهند. کشف مخفی جرایم فساد اداری عموماً به دو طریق ذیل امکان پذیر بوده است.

طریقه اول

کشف جرایم فساد اداری وسیله نظارت و کنترل بر مکالمات تیلیفونی، ماشین های فکس و سایر تسهیلات انتقالی و مخابراتی الکترونیکی، ثبت صوتی و یا تصویری فعالیت ها و روش ها و یا مکالمات و نظارت بر حسابات بانکی مظنونین امکان پذیر بوده که قرار ذیل توضیح میگردد.

۱. استراق سمع (ثبت مکالمات صوتی و تلفونی)

استراق به معنی گرفتن چیزی از صاحب اش بدون داشتن حق وبصورت مخفیانه وبا قصد و اراده میباشد.

سمع به معنی ادراک کردن صداها یا مسموع است. استراق سمع به معنی گوش دادن به سخن کسی به صورت مخفیانه است.

با توجه به تعریف فوق عموماً تصویر اذهان عامه نسبت به استراق سمع اینست که در هنگام برقراری تماس تلفونی، مکالمات رد و بدل شده توسط دستگاهی مورد ثبت و شنود قرار میگیرد، در حالیکه با پیدایش تلفون‌های موبایل و گسترش ارتباطات سیار از شیوه‌های جدید شنود مکالمات و استراق سمع نیز ذیلاً "کار گرفته می شود.

- هر تلفون قاعداً دارای یک میکروفون بسیار حساس است که میتواند موبایل شخص مورد نظر را با استفاده از برنامه‌های پیشرفته کمپیوتر، از طریق ارسال پیام کتبی، بلوتوت... به میکروفون مخفی خود تبدیل نمود.
- در شیوه متذکره ولو تلفون تماس نگرفته وسیمکارت فعال نباشد، میتوان به راحتی تمام مکالمات، پیام‌ها و لست تماس‌های مندرج تلفون مطالعه و استراق سمع گردد.

- به منظور استراق سمع مکالمات و صحبت‌ها در مجالس مختلف، میتوانیم گوشی تلفون خویش را طوری عیار و در ساحه مورد نظر نصب نمایم که به مجرد برقراری تماس، گوشی متذکره طور اتومات جواب داده و تمام مطالب و صحبت‌های مجالس را شنود کرد.

• نباید فراموش کرد که با پیشرفت تکنالوژی به منظور استراق سمع مکالمات و صحبت‌های اشخاص، چپ‌ها و دستگاه‌های مختلف وجود دارد که میتوان در دفاتر کاری، اطاق جلسات، عراده جات، محل مسکونی و سایر محلات نصب و بوسیله آن حتی صداهای ضعیف پشت دیوار را نیز سمع و شنود کرد

• کمپنی‌های مخابراتی در اکثر کشورها به شمول افغانستان مکلف هستند تا یک مدت معین تمام مکالمات مشترکین خویش را ثبت و نگهداری نموده عندالضرورت بدسترس ادارات مسوول قرار دهند.

• دفتر تحقیقات فدرال امریکا (اف بی آی) رسماً فن آوری نوین بنام Roving bug برای شنود مکالمات تلفونی موبایل را معرفی نموده که با استفاده آن میتوان از راه دور میکروفون تلفون موبایل را حتی اگر خاموش هم باشد به منظور شنود مکالمات فعال نماید.

۲. ماشین‌های فکس

ماشین‌های فکس عموماً دو کار اصلی را انجام میدهد، اول آنکه می‌تواند یک برگه کاغذ را در آن بگذارد، شماره فکس طرف گیرنده را وارد کنید تا تصویر آن کاغذ برای فرد گیرنده ارسال شود.

دوم آنکه وقتی قرار است کسی برای شما کاغذی را فکس کند یک برگ کاغذ سفید را داخل ماشین فکس بگذارید تا تصویر کاغذ فکس شده روی کاغذ شما چاپ شود.

بنابراین به منظور کشف جرایم فساد اداری میتوانیم ماشین‌های فکس مظنونین را تحت نظارت و کنترل قرار داده و درمورد اینکه چه تعداد فکس

به کدام شماره‌ها دارای چه محتویات به کدام تاریخ ارسال و دریافت شده و یا می‌گردد معلومات حاصل نمود.

۳. ثبت تصویری فعالیت‌ها

بعضا افراد واشخاص فعالیت‌ها وروش‌های ومکالمات جرمی را انجام میدهند، که میتوان از شیوه‌های مختلف ذیل فعالیت‌های آنها را جهت کشف جرایم، ثبت تصویری نمایم.

• عموماً "ارتباط تصویری میان افراد از طریق برنامه اینترنتی skype تامین می‌گردد که به اثر کنترل ونظارت آن میتوان فعالیت‌های ثبت تصویری آنها را با تشخیص تاریخ وموقعیت فعالیت، جهت کشف جرایم فساد اداری مظنونین، بدست آورد.

• عموماً ارسال ودریافت پیام‌های تصویری، کلیپ‌های ویدیوی وفوتوها میان افراد از طریق برنامه‌های مختلف اینترنتی مانند فیسبوک و وایبر، صورت می‌گیرد که میتوان به اثر کنترل ونظارت آن در مورد فعالیت‌های تصویری مظنونین جهت کشف جرایم فساد اداری با تشخیص موقعیت مظنونین وتاریخ ارسال ودریافت مطالب متذکره معلومات بدست آورد.

• بوسیله کمره‌های فلمبرداری وعکاسی دارای ظرفیت بالا میتوان جهت کشف جرایم فساد اداری فعالیت‌های افراد مظنون را حتی از فاصله‌های دور تر عکاسی وفلمبرداری کرد.

• بوسیله کمره‌های که در اجناس مختلف مانند ساعت، قلم، عینک، موبایل وغیره جابجا گردیده میتوان فعالیت‌های افراد مظنون را جهت کشف جرایم فساد اداری از فاصله نزدیک در محلات مختلف ثبت تصویری نمود.

۴. کنترل سایر تسهیلات انتقالی و مخابراتی الکترونیکی

در جهان امروزی اکثر فعالیت‌ها حکومت‌ها و افراد از طریق تسهیلات انتقالی و مخابراتی الکترونیکی صورت می‌گیرد لذا میتوان به اثر کنترل و نظارت تمام بخش‌های متذکره، جرایم فساد اداری را کشف کرد.

- عموماً خریداری‌ها از طریق سایت‌های انترنی صورت می‌گیرد، لذا به اثر کنترل میتوان در مورد جزئیات معامله، قیمت خرید جنس، تاریخ معامله، موقعیت مظنون جهت کشف جرایم فساد اداری معلومات حاصل کرد.

- عموماً انجام تحصیلات عالی از طریق انترنت و از راه دور صورت می‌گیرد، بناءً با کنترل سیستم میتوان در مورد حقیقت انجام تحصیلات مظنونین و یا جعل و تزویر اسناد تحصیلی آنها معلومات کسب کرد.
- در اکثر کشورهای جهان حکومت داری الکترونیکی ایجاد گردیده است و تمام فعالیت‌ها از طریق الکترونیکی صورت می‌گیرد مانند ارسال فورم اظهارنامه مالیاتی بنا به اثر کنترل تسهیلات انتقالی و مخابراتی میتوان جرایم فساد اداری را کشف کرد.

۵. نظارت بر حسابات بانکی

در اکثر کشورهای جهان بجای پول فیزیکی در خریداری‌ها و معاملات کوچک و بزرگ از کریدت کارت‌ها و انتقال الکترونیکی وجوه استفاده مینمایند که به اثر کنترل حسابات بانکی میتوان در مورد عواید، مصارف، منابع، مقدار سرمایه، تاریخ معاملات و موقعیت معاملات مظنونین جرایم فساد اداری معلومات حاصل کرد.

بناءً استفاده از تکتیک‌های فوق الذکر به منظور کشف جرایم فساد اداری نهایت ارزنده و معیاری بوده که تماماً در غیاب و بدون آگاهی مظنونین صورت میگیرد.

طریقه دوم

کشف جرایم فساد اداری از طریق عملیات خفیه

کشف جرایم فساد اداری وسیله مامورین ضبط قضایی که به منظور حصول مدارک اثباتیه جرایم فعالیت‌ها را بحیث عناصر متشکله جرم تحت عملیات مخفی انجام میدهد، صورت میگیرد.

طوریکه در فوق بیان گردید در هر دو طریقه جرایم فساد اداری طور پوشیده و پنهان بدون آگاهی مظنونین کشف میگردد اما تفاوت میان این دو طریقه صرف اینست که در طریقه اولی کشف جرم توسط وسایل بدون مداخله مامور ضبط قضایی صورت میگیرد و در طریقه دومی که فعلاً توضیح میگردد، کشف جرم به اثر مداخله مامور ضبط قضایی تحت عملیات خفیه ذیلاً انجام میشود.

۱. کارمندان مخفی ادارات کشفی میتوانند به نام‌های مختلف (مراجعین، مالک شرکت، قرار دادی، عارض و شاکی) به ادارات دولتی و شخصی مراجعه و به ثبت، مستند سازی و کشف، کارشکنی، سواستفاده، اختلاس، تزویر، رشوت و سایر جرایم فساد اداری اقدام نمایند.

مثلاً: کارمند مخفی اداره کشفی به عنوان شرکت داوطلب در پروسه قرارداد تدارکاتی یکی از ادارات اشتراک و در نتیجه بخاطر برنده شدن به جانب کارمندان و مقامات دولتی پول رشوت پرداخت و تمام جزئیات جرایم

آنها که شامل تزویر اوراق قرارداد و رساندن ضرر مالی به دولت می‌گردد مستند سازی و کشف نماید.

۲. تعداد از کارمندان مخفی ادارات کشفی به عنوان مامورین در ادارات مختلف نفوذ و مقرر می‌گردند تا کارمندان متذکره در جریان وظایف شبکه‌های زنجیری و طریقه‌های ارتکاب و انواع جرایم ارتكاییه فساد اداری را مستند سازی و کشف نمایند.

۳. ادارات کشفی، تعداد از کارمندان دولت را به اشکال مختلف اپراتیفی جذب و به همکاری آنها در کشف و جمع آوری مدارک فساد اداری در ادارات اقدام مینمایند.

مثلاً: اداره کشفی، کارمند مخفی خویش را در ریاست‌های تدارکاتی ادارات نفوذ و یا هم کارمند تدارکاتی ادارات را به اشکال مختلف جذب و آماده همکاری مینمایند تا کارمندان مذکور با ریس تدارکات، معین مالی واداری و مقام وزارت مربوطه و جانب قرارداد و مراجعین، ارتباطات نامشروع مالی را برقرار و بعد از اخذ پول رشوت و اختلاس اموال دولت در تقسیم آن به مسوولین فاسد اقدام نموده و به این شیوه به ثبت و مستند سازی اقدامات مفسدین دولتی جهت مبارزه با فساد اداری اجراات مینمایند.

به هر صورت به منظور تشریح بهتر سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم فساد اداری بهتر است طی بخش‌های جداگانه پیرامون موضوع توضیحات لازم و فشرده ارایه گردد.

۳.۲.۲ نحوه استفاده سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم

ادارات عدلی و قضایی، جرایم فساد اداری را با توظیف هیات، از طریق بررسی کاغذی اسناد انجام و با استفاده متواتر از شیوه متذکره، تجارب

عملی نیز در زمینه بدست آورده اند، چون خصوصیت ارتکاب جرایم فساد اداری با سایر جرایم تفاوت داشته، لذا تجارب جهانی نشان داده است که کشف و تحقیق چنین جرایم باید به شیوه متفاوت تری صورت گیرد و افغانستان هم آهسته آهسته قوانین جدید خویش را مطابق معیارهای جهانی وضع و در جهت کشف جرایم فساد اداری استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم را هدایت فرموده است، تطبیق سیستم جدید مورد بحث، زمانی موثریت بیشتر خواهند داشت که همگام با بررسی کاغذی اسناد و سوابق دفتر استفاده گردد، اما از آنجاییکه استفاده از سیستم متذکره در جرایم فساد اداری را قوانین افغانستان جدیداً، پیشبینی نموده و تدریس آن در پوهنتون‌های حقوق و شرعیات کابل و ولایت صورت نگرفته و کارمندان مسلکی نیز در خصوص استفاده آن تجارب عملی نداشته است و از جانب هم استفاده سیستم متذکره جهت مبارزه با فساد اداری طبق تجارب جهانی و مطابق قوانین جدید افغانستان نیاز مبرم بوده است.

لذا می‌خواهم جریان بررسی قضایای فساد اداری را که از طریق شیوه الکترونیکی و مخفی کشف گردیده، طی مثال‌های متعدد ذیلاً توضیح، تا با توجه به آن، همکاران ما در ادارات عدلی و قضایی در سایر قضایا از سیستم متذکره استفاده عملی و موثر نموده بتوانند.

مثال اول:

اطلاعات متعدد مواصلت می‌کرد که در قوماندانی سرحدی یکی از ولایت کشور، فساد اداری موجود است اما بخاطر اثبات اطلاع و واقعیت موضوع قطعاً مدارک در دست نبود.

زمانیکه اسناد مالی و مصرفی قوماندانی متذکره در قوماندانی عمومی پولیس سرحدی مرکز، مطالعه و بررسی گردید هیات به نسبت اینکه اسناد ارسالی قوماندانی سرحدی به مرکز کاملاً طی مراحل و امضا تمام مسوولین و مهر شده بود لذا هیچ نوع تخطی قانونی را ثابت ساخته نتوانست.

چون اطلاعات مکرراً "مواصلت میکرد لذا بخاطر کشف حقایق قضیه استفاده از شیوه جدید الکترونیکی و مخفی نمودیم چنانچه نخست میان ریاست امنیت ملی، واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک و اداره لوی خارنوالی بخاطر بررسی قضیه هماهنگی ایجاد و سپس میان هر سه اداره تقسیم وظایف طوری صورت گرفت که ثبت مکالمات تیلیفونی وظیفه امنیت ملی، نظارت حسابات بانکی و تثبیت جایدادهای مظنونین وظیفه واحد استخبارات مالی و تحلیل نتایج اجراات و انجام تحقیقات درحالت ضرورت و اعمال صلاحیت‌های قانونی وظیفه خارنوالی باشد.

به اساس پلان و تقسیم وظایف برای مدت شش ماه تیلیفون‌های قوماندان سرحدی به اساس حکم محکمه ذیصلاح تحت عملیه استراق سمع قرار داده شد، در نتیجه هنگامیکه مکالمات موصوف سمع گردید قوماندان مذکور با آمر مالی و آمر پیژند خویش در موارد مختلف صحبت‌های جرمی نموده، که مطالب ذیل قابل دقت بود.

• قوماندانی سرحدی به مرکز طور غیر واقعی تعداد سربازان را اضافه معلومات داده بودند.

• قوماندانی سرحدی به مرکز سربازان غیر حاضر را حاضر راپور داده بودند.

- قوماندانی سرحدی معاشات سربازان غیر حاضر و سربازان که اضافه راپور داده شده بودند میان خویش تقسیم و اختلاس میکردند.
 - قبل از اینکه هیات تفتیش وزارت داخله به قوماندانی‌های سرحدی اعزام گردد آن قوماندانی راپور شهادت سربازان غیر حاضر و اضافه را درج جدول استحقاق پول اکرامیه نموده و به مرکز خبر میدادند.
 - قوماندانی سرحدی، وجوه اکرامیه سربازان غیر واقعی را که وجود فزیکی نداشتند، میان شان تقسیم و درضمن پول اکرامیه شهدا واقعی را نیز به ورثه شان تسلیم نمیکردند.
 - قوماندان سرحدی به آمر مالی هدایت میدهد تا سهم پول اختلاس شده شانرا در اکونت شماره () بانکی اضافه نماید.
- بناءً با استفاده از شیوه جدید در مرحله اول نزد ما ثابت گردید که قوماندان سرحدی و پرسونل اش در جرایم فساد اداری دخالت دارد اما بخاطر مستند سازی بیشتر موضوع طبق پلان قبلی واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک وظیفه گرفت تا اکونت‌های بانکی که شماره آن در تماس تیلیفونی مظنون واضح بود تحت کنترل قرار گیرد.
- واحد استخبارات مالی به اثر جمع آوری معلومات و نظارت حساب بانکی ثابت ساخت که شماره اکونت بانکی که مظنون از آن صحبت نموده بود، مربوط به قوماندان سرحدی بوده و دقیقاً پول اختلاس توافق شده آنها در همان تاریخ به اکونت موصوف اضافه گردیده است.
- همچنان از اینکه آمر مالی و آمر پیژند شریک جرمی قوماندان سرحدی در جرایم اختلاس بودند، لذا حسابات بانکی آنها نیز از جانب واحد

استخبارات مالی تثبیت و به ملاحظه آن ثابت گردید که در اکونتهای بانکی آنها نیز در همان تاریخهای ارتکاب جرم یک مقدار هنگفت پول اضافه گردیده است.

علاوه بر آن جای دادهای مظنونین تماماً از طریق شاروالیها در تمام افغانستان تثبیت و تاریخهای خرید آن مورد دقت قرار داده شد ثابت گردید که اکثر جای دادها بعد از اشغال وظیفه در قوماندانی سرحدی حاصل گردیده است.

خلاصه بعد از جمع آوری مدارک متذکره ایجاب میکرد تا مظنونین دستگیر و از آنها تحقیقات بعمل آید که بخاطر تطبیق پلان متذکره هیات امنیت ملی و خارنوالی به ولایت مربوطه اعزام گردید اما هیات طی تماس از نفوس و قدرت و امکانات مظنونین معلومات داده و ناتوانای خویش را در تطبیق قانون اظهار نمودند لذا گرفتاری مظنونین در ولایت متذکره ناممکن بود بناءً در خصوص گرفتاری مظنونین متذکره همکاری مسوولین وزارت امور داخله مطالبه گردید اما مقامات وزارت داخله از قوماندان و پرسونل خویش حمایت و آنها را قهرمانان و کارمندان پاک و وطن دوست کشور معرفی کردند. زمانی که مکالمات تلفونی و حسابات بانکی و جای دادهای مظنونین خدمت مسوولین وزارت داخله ارایه گردید بدون ضیاع وقت طی شفر مظنونین متذکره را به مرکز مطالبه و در خصوص دستگیری آنها اقدام گردید.

مظنونین متذکره بعد از دستگیری به توقیف خانه انتقال و از جانب خارنوال موظف طور جداگانه، تحت تحقیق و استجواب قرار گرفتند،

هریک از مظنونین در ابتدا پروسه تحقیق اتهامات وارده را کاملاً رد مینمودند و خودها را افراد صادق وطن، تعریف میکردند که حتی مستنطق برای یک لحظه احساس میکرد که واقعا افراد متذکره تحصیلکرده و پاک نفس هستند.

خلاصه مظنونین به جرم خودشان اعتراف نکردند و هیات ناگزیر گردید تا مکالمات ثبت شده آنها را برایشان شنونده و سایر اسناد بانکی و جای دادهایشان را به مشاهده شان قرار دهد در نتیجه مظنونین آغاز به گریه و ناله نموده اظهار پشیمانی کرده و به تمام جرایم ارتكابییه شان اعتراف و مدارک جمع آوری شده را تصدیق کردند

هیات بعد از انجام تحقیقات به کار خویش ادامه داده و بار دیگر به قوماندانی عمومی سرحدی مرکز، مراجعه نمودند که در این بار تمام اسناد راپور حاضری سربازان ارسالی قوماندانی سرحدی و اسناد مصرفی و مجرای آن مطالبه و جهت تدقیق به کریمناالتخنیق وزارت امور داخله ارسال گردید در نتیجه ثابت گردید که اسنادهای مرتبه از جانب مظنونین کاملاً تزویری بوده و در مقابل شهرت مختلف سربازان شصت واحد انگشت گذاشته شده است.

همچنان با یکتعداد ورثه سربازان شهدا تماس گرفته شد آنها نیز از عدم اخذ پول اکرامیه سرباز شهید معلومات دادند اما مظنونین با ترتیب اسناد تزویری از تسلمی پول اکرامیه شهدا به ورثه شان به مرکز اطمینان داده بودند.

به هر صورت متهمین به میز محاکمه کشانیده شدند در نتیجه باوجودیکه وکیل مدافع نهایت قوی استخدام نموده بودند واز اعترافات خویش انکار بودند باآنها موجودیت اسناد موثق و مستند باعث گردید تا آنها از جانب محکمه ابتداییه، استنیاف و تمیز محکوم به حبس طویل گردد.

مثال دوم:

مکالمات تیلیفونی یکی از مقامات دولتی تحت عملیه استراق سمع قرار گرفت، در نتیجه سمع مکالمات، ثابت گردید که مظنون مذکور یکعراده موثر طور رشوت از قراردادی مشخص اخذ کرده است، بخاطر مستند سازی موضوع، هیات موظف کشفی مظنون مذکور را تحت تعقیب و کنترول قرار داده و نهایتاً ثابت گردید که عراده متذکره در خانه مسکونی مظنون توقف بوده و حین که پسر کلان مظنون مذکور از عراده متذکره استفاده مینماید، فوتوهای عراده متذکره وسیله هیات اخذ و چاپ گردید، بعداً طبق پلان منظم و هدایت مقامات صالحه اقدام به گرفتاری و توقیف مظنون مذکور گردید، چون موصوف از امکانات بیشتر دولتی برخوردار بود، ناگزیر نامبرده بنابر فشار از توقیف رها گردید، که حتی رسانه‌های ملی و بین‌المللی نیز رهایی موصوف را انتقاد نمود.

به هر حال رهایی مظنون مذکور بجای اخلال پروسه کشفی برعکس باعث انکشاف قضیه گردید، چنانچه بعد از رهای مظنون، هیات کشفی، وسیله، ضبط صوتی را در دفتر کار مظنون جابجا و تمام مکالمات و صحبت‌ها و ملاقات‌ها، اقدامات و تصامیم بعدی مذکور ثبت و متأسفانه

ثابت گردید که نامبرده با شبکه‌های مختلف جرمی در مورد ارتکاب جرایم مختلف، ارتباط و شراکت داشته است.

به هر صورت بخاطر جلوگیری از طوالت بحث، میتوان گفت که استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی ضرورت به مطالعه فن آوری‌های نوین در کتب و صفحات اینترنتی و تجارب عملی روزمره داشته است بناءً از تجربه خویش پیشنهاد مینمایم تا همکاران ما از سیستم متذکره در کشف و تحقیق جرایم فساد اداری جدا استفاده نمایند زیرا با استفاده از سیستم متذکره در ختم کار، نتایج زحمات خویش را که همانا تثبیت واقعی جرم و مجرم بوده، بدست آورده و به اثر آن هیچ مجرمی از تطبیق قانون و مجازات فرار نمی تواند و هیچ بی گناهی نا حق مجازات نخواهد شد که طبعاً در چنین حالت با فساد اداری مبارزه واقعی صورت گرفته و سیر نزولی خویش را آغاز خواهند کرد و نهایتاً ما به عنوان کسانی که پروسه متذکره را تطبیق مینمایم و جداناً احساس آرامش و خوشبختی خواهیم کرد.

۳.۲.۳ نحوه استفاده مدارک در پروسه کشف و تحقیق

یکی از بحث‌های عمده در جریان استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم اینست که اگر به اثر استفاده از سیستم متذکره، نوارهای صوتی، تصویری، استتمنت بانکی و غیره مدارک جرمی، مظنونین بدست آید و طبق آن اقدام به دستگیری و توقیف مظنون گردد، آیا حین استجواب و تحقیقات مکالمات ثبت شده تلفونی و سایر مدارک به مظنون در جریان تحقیق و محاکمه شنونده شود یا خیر؟

زیرا اگر مکالمات متذکره به مظنون شنونده شود باعث می‌گردد تا موضوع افشا شده و ممبعد هیچ کسی در تلفون، دفتر کار و سایر محلات

صحبت جرمی ننموده و کشف جرایم فساد اداری را در آینده مشکل خواهند کرد.

واگرایانا مکالمات ثبت شده مظنون شنونده نشود شاید مظنون قطعاً" به جرم ارتکابه اعتراف نکند که پروسه تحقیق اخلاص خواهند گردید. بناءً از تجربه خویش پیشنهاد مینمایم که اکثراً" کوشش گردد تا ریکاردهای تلفونی در جریان تحقیق واستجواب، به مظنونین شنونده نشود، بلکه ریکاردها باید از جانب مستنطق شنیده شود تا حقایق برایش واضح باشد ودر پیشبرد تحقیقات سهولت واستقامت واقعی ایجاد گردد واز طرف دیگر از افشای آن که سبب ایجاد مشکلات آینده را مینماید جلوگیری بعمل آید .

اما اگر مظنون در جریان تحقیق از ارتکاب جرم انکار نماید، بخاطر اخذ اعترافات متهم بهترین وسیله شنوندن ریکاردهای تلفونی مظنون ونشان دادن استتمنت بانکی مظنون وسایر مدارک بوده است، گرچه شنوندن ریکارد تلفونی عواقب خطیر آینده را دارد اما کدام مشکل قانونی در شنوندن ان به مظنون وجود ندارد

۳.۲.۴ فواید استفاده سیستم کشف الکترونیکی ومخفی جرایم

با توجه به نواقص سیستم اجراآت فعلی ادارات کشف، تحقیق ومحاکم که در فوق بیان گردیده، درک فواید استفاده از سیستم کشف الکترونیکی ومخفی جرایم فساد اداری زمانی امکان پذیر خواهد بود که شیوه متذکره با سیستم مروجه فعلی بررسی کاغذی ومطالعه اسناد دفتری قضایا مقایسه گردد.

۱. در سیستم مروجہ فعلی اطلاع ارتکاب جرایم فساد اداری به دلیل توافق طرفین (راشی ومرتشی....) به ادارات عدلی وقضایی مواصلت نمی ورزد، بناءً تمام اشخاص با خیال راحت مرتکب جرایم فساد اداری می گردند وبه همین دلیل فساد اداری در افغانستان رشد نموده است.

در سیستم کشف الکترونیکی ومخفی جرایم فساد اداری، ادارات کشفی قادر هستند تا بدون انتظار مواصلت اطلاع جرایم فساد اداری از جانب اتباع کشور، از توافق وجگونگی ارتکاب جرایم فساد اداری میان طرفین اطلاع حاصل نمایند، که طبعاً در چنین حالت ارتکاب جرایم فساد اداری با خیال آرام نه بلکه با ترس وحراس ارتکاب ونهایتاً سبب کاهش همچو جرایم میگردد.

۲. در سیستم مروجہ فعلی اکثراً اطلاع واصله جرایم فساد اداری بنابر خصومت بخاطر بدنامی وسرگردانی کارمندان دولتی مواصلت مینماید که مصونیت و حفظ حیثیت وآبرو مامورین دولت کاملاً از بین رفته وسبب نارضایتی کارمندان دولت از اجراآت ادارات عدلی وقضایی گردیده است. سیستم کشف الکترونیکی ومخفی جرایم، قادر است تا اطلاعات را بیطرفانه ومستند دریافت نموده، که در اینحالت مصونیت، حیثیت وآبر مامورین حفظ واز نارضایتی کارمندان دولت نسبت اجراآت ادارات عدلی وقضایی جلوگیری مینماید.

۳. در سیستم مروجہ فعلی ادارات کشفی جهت مستند سازی اطلاعات، مجبورا با توظیف ومعرفی هیات بررسی عنوانی اداره مربوطه اقدام وهیات مذکور در ادارات متذکره در دفاتر کاری لوکس ومفشن جابجا

وبه مطالعه اسناد دفتر و استجواب مظنونین می پردازند. بناءً در سیستم متذکره قبل از مستند سازی، اطلاع واصله افشا و مظنونین موقع ترتیب اسناد جهت کتمان جرایم خویش را دریافت و با هیات بررسی که طور دایمی در ادارات توظیف هستند میتوانند روابط ایجاد و به نسبت اینکه هیات در بررسی اطلاعات دست باز داشته لذا میتوانند میان طرفین بدون اینکه اداره کشفی مربوطه آگاهی حاصل نماید، سازش بمیان آمده و به تغیر مسیر واقعی قضیه تصمیم اتخاذ گردد که طبعاً "باعث عدم مجازات مجرمین ورشد فساد اداری در کشور میگردد.

اما سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم قادر است تا بدون معرفی هیات به ادارات و قبل از افشا، اطلاعات جرایم فساد اداری را، مستند سازی نماید، که در اینحالت مظنونین موقع ترتیب اسناد جهت کتمان جرایم شانرا نمی یابند و از سازش میان هیات بررسی و مظنونین و تغیر مسیر واقعی قضیه جلوگیری بعمل آمده و نهایتاً به اثر مجازات مجرمین، جرایم فساد اداری نیز سیر نزولی خویش را آغاز خواهند کرد.

۴. عموماً کارمندان دولت قبل از ارتکاب جرایم فساد اداری طبق پلان قبلی جهت کتمان جرایم خویش به ترتیب اسناد دفتری طوری اقدام مینمایند که طبق سیستم مروجه فعلی کشفی نمی توان به اثر مطالعه اسناد و استجواب مظنونین، جرم و مجرم را کشف کرد.

مثلاً: یکی از وزارت خانه های دولتی قرار داد دولتی را بنابر سازش در بدل اخذ پول رشوت به یکی از شرکت های مشخص عقد مینماید و در صورتیکه موضوع به اساس شکایت سایر داوطلبان بررسی گردد هیات

موظف نیز در مقابل اخذ منافع میتواند به دلیل اینکه قرار داد متذکره مطابق قانون تدارکات از طریق داوطلبی با نازلترین آفر ارایه شده عقد گردیده به حفظ اوراق تصمیم اتخاذ نمایند و هیچ شخصی نمیتواند به اثر سیستم فعلی کشفی، حقایق واقعی قضیه را کشف، مستند و ثابت سازند. اما سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم قادر است تا حین ارتکاب، جرایم متذکره را مستند سازی و بر علیه مظنونین مدارک لازم را جمع آوری نماید.

مثلاً: به اثر عملیه استراق سمع، ثبت تصویری فعالیتها و نظارت حسابات بانکی و یا به اثر نفوذ در ادارات، اداره کشفی میتواند تا چگونگی سازش میان طرفین، مقدار وجه تبادل شده به عنوان رشوه، تاریخ جرم، محل ارتکاب جرم، شهرت مظنونین و سایر جزئیات قضیه را مستند و ثابت سازد. ۵. سیستم مروجه فعلی به دلیل اینکه قادر به کشف جزئیات قضیه نبوده لذا در حقیقت تامین کننده عدالت نمی باشد، واکثر مجرمین اصلی رها و افراد بی گناه مجازات و محبوس میگردند.

در حالیکه سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم، به اثر نظارت اکونت های بانکی مظنونین، تثبیت مقدار و منبع دارایی منقول و غیر منقول مظنونین، تشریح و بررسی مبایل و کمپیوترهای مظنونین، بررسی لست مکالمات و پیام های کتبی تلفونی مظنونین و بررسی کمره ها و سیستم کمپیوتری و نفوذ کارمندان مخفی در داخل ادارات جهت دریافت چگونگی ارتکاب جرم، تثبیت مظنونین اصلی و دریافت وجوه حیف و میل شده، موثر تلقی میگردد.

۶. سیستم مروجہ فعلی باعث گردیده تا ادارات کشفی در مسایل اداری ساده و کوچک ادارات مداخله و به ارتباط آن مامورین ادارات دولتی را مورد استجواب قرار داده و باعث تراکم کار، مصروفیت هیات‌های بررسی و کارمندان دولتی و سبب نارضایتی ادارات گردیده است.

در حالیکه سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم سبب می‌گردد تا از مداخله در امور ساده و عادی ادارات جلوگیری بعمل آید.

۳.۲.۵ شرایط حقوقی استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی

اساساً "مصونیت حریم خصوصی افراد نه تنها از نظر دین مقدس اسلام بلکه مطابق میثاق‌های بین المللی و احکام قانون اساسی کشور جدا" قابل احترام بوده، در حالیکه استفاده از سیستم متذکره چنین مصونیت را تحدید و حتی از بین می‌برد.

خداوند (ج) در سوره حجرات آیه شریفه ۱۱ می‌فرماید که در کار مردم تجسس نکنید.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید که در پی شنیدن سخنان مردم و کشف عیب آنان نباشید.

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، متفقاً "تجاوز به حریم خصوصی افراد از جمله استراق سمع را ممنوع اعلام کرده اند.

ماده ۳۷ قانون اساسی افغانستان نیز در زمینه چنین مشعر است (آزادی و محرمانیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تیلیفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است، دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد مگر مطابق احکام قانون)

بناءً استفاده از سیستم متذکره اصولاً "جواز نداشته است، اما از آنجاکه جرایم فساد اداری یکی از مشکلات اساسی کشور گردیده و بقا و نظم، نظام اجتماعی و دولتی را تحدید میکند، لذا مبارزه با همچو جرایم نیاز مبرم جامعه بوده و به نسبت اینکه جرایم متذکره بنابر توافق طرفین ارتکاب میگردد لذا کشف چنین جرایم بدون استفاده از سیستم متذکره مشکل بوده است روی این ملحوظ استفاده از سیستم متذکره جهت کشف جرایم فساد اداری با رعایت شرایط مشخص از نظر شرعی و قانونی مشروع تلقی میگردد.

چنانچه حضرت علی (ع) میفرماید (پیامبر خدا "ص" من، زیر و مقداد را مامور کرد و فرمود. بروید تا به آبادی خاخ برسید، در آنجا زنی کجاوه نشین می بینید که با خود نامه ای دارد، نامه را از او بگیرید، ما راه افتادیم تا آنکه به آبادی رسیدیم و با آن زن کجاوه نشین روبه رو شدیم و گفتیم: نامه را بده، گفت: من نامه ای ندارم. من گفتم یا نامه را بیرون میآوری یا لباس هایت را بازرسی میکنیم، او ناگزیر نامه را از لابه لای گیسوانش بیرون آورد. نامه را خدمت پیامبر ص آوردیم. نامه ای بود از حاطب بن بلتعنه به گروهی از مشرکان که در آن اطلاعاتی در باره پیامبر خدا ص به آنها داده بود)

از روایت فوق الذکر به خوبی استفاده میشود که در صورت لزوم جهت کشف توطئه ها، تجسس در کار مظنونین مجاز است.

همچنان طوریکه فوقاً "بیان گردید طبق ماده ۳۷ قانون اساسی افغانستان تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص مطابق احکام قانون جواز داشته است

و قوانین افغانستان نیز در مورد صراحت کامل داشته و به ادارات مربوطه جهت کشف جرایم، اجازه استفاده از سیستم‌های متذکره را اعطا نموده است.

چنانچه ماده ۱۱۳ قانون اجراءات جزایی جدید چنین مشعر است (اقدامات مخفی کشفی علیه مظنونین و متهمین جرایم فساد اداری... مورد استفاده قرار میگیرد)

ماده ۱۱۷ قانون مذکور در مورد سمع و نظارت مکالمات و ارتباطات، چنین صراحت دارد (مامور ضبط قضایی صرف به مکالمات جرمی گوش میدهد....)

ماده ۴۴ قانون مبارزه با تطهیر پول مامورین ضبط قضایی را اجازه استفاده از سیستم متذکره جهت کشف جرایم داده است

ماده ۴۵ قانون مذکور در مورد عملیات خفیه مامورین ضبط قضایی که منحیث عناصر متشکله جرم به منظور حصول مدارک اثباتیه جرایم اجرای وظیفه مینمایند صراحت داشته است.

بناءً با توجه به احکام فوق الذکر دین مقدس اسلام و قوانین نافذه کشور میتوان گفت که ادارات مربوطه از سیستم متذکره در کشف جرایم فساد اداری استفاده نموده می‌توانند اما چنین استفاده مقید به رعایت شرایط قانونی ذیل می‌باشد.

۱. مطابق هدایت ماده ۱۱۳ قانون اجراءات جزایی جدید، استفاده از شیوه متذکره در جرایم فساد اداری صورت گرفته می‌تواند .

۲. مطابق ماده ۱۱۴ قانون مذکور، استفاده از سیستم کشفی متذکره به پیشنهاد خارنوال و اجازه محکمه صورت گرفته میتواند.
۳. مطابق ماده فوق الذکر قانون مذکور استفاده از سیستم متذکره، صرفاً در مورد اشخاص مظنون و متهم صورت گرفته میتواند.
۴. مطابق ماده فوق الذکر قانون مذکور، استفاده از سیستم متذکره کشفی زمانی جواز دارد که امکان جمع آوری اسناد و مدارک مورد نظر از طریق دیگری ممکن نباشد و یا جمع آوری آنها از طریق دیگر باعث بروز مشکلات گردد،
۵. مدت اتخاذ اقدامات مخفی کشفی طبق هدایت ماده ۱۱۶ قانون اجرای جزایی الی ۹۰ روز می باشد و در صورت ضرورت تمدید شده می تواند
۶. طبق فقره ۲ ماده ۱۱۶ قانون مذکور، استفاده از سیستم متذکره صرف در زمان اجرای کشف و تحقیق عملی می گردد.
۷. مطابق هدایت ماده ۱۱۷ قانون مذکور سمع مکالمات غیر جرمی افراد مظنون و متهم جواز ندارد.
۸. مطابق فقره ۳ ماده ۴۴ قانون مبارزه با تطهیر پول استفاده از سیستم کشفی متذکره هنگامی جواز داشته که دلایل قوی مبنی بر این ظن موجود باشد که چنین حسابات، لین های تلفونی سیستم های کمپیوتری و شبکه ها و یا اسناد توسط شخصی که مشکوک به اشتراک در جرم می باشد، مورد استفاده قرار گرفته و یا ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

۹. مطابق ماده ۴۵ قانون مذکور، استفاده از سیستم متذکره وانجام فعالیت‌های بحیث عناصر متشکله جرم زمانی مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد که اجازه مقامات ذیصلاح قضایی قبل از انجام عملیات خفیه اخذ و راپور اجراآت جهت صحت اقدام به مقامات مربوطه ارایه گردیده باشد. با توجه به دلایل، شرایط واحکام قوانین، استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم فساد اداری توجیه قانونی داشته است اما اینکه مدارک بدست آمده و جمع آوری شده ناشی از پروسه متذکره چه اثرات حقوقی در قبال مسوولیت وعدم مسوولیت مظنونین و متهمین دارد، پیرامون موضوع طور خلاصه ذیلا توضیحات ارایه میگردد.

۳.۲.۶ اثرات حقوقی مدارک وشواهد

طوریکه گفته شد، استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم از جانب ادارات مسوول با رعایت شرایط شرعی وقانونی جهت مبارزه با فساد اداری کدام موانع قانونی نداشته است،

اما آنچه قابل توجه است اینکه آیا مدارک وشواهد بدست آمده و جمع آوری شده از طریق سیستم متذکره چه اثرات حقوقی در مراحل کشف، تحقیق ومحاكمه مبنی بر مسوولیت وعدم مسوولیت متهمین خواهند داشت، در این زمینه قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون مبارزه با تطهیر پول وقانون اجراآت جزایی جدید احکام متفاوت داشته است.

چنانچه مطابق صراحت ماده ۴۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، شواهد ومدارکی که از طریق استعمال شیوه‌های مجاز آشکار و مخفی فریبنده ونظارت الکترونیکی بدست می‌آید، در تمام اجراآت کشف، تحقیق ومحاكمه مدار اعتبار میباشد.

بناءً طبق صراحت ماده فوق الذکر مدارک جمع آوری شده با استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی در جرایم مواد مخدر من حیث دلیل الزام علیه متهمین در مراحل کشف، تحقیق و محاکمه پنداشته شده که طبق آن همه روزه محاکم مبارزه با مواد مخدر، قاچاقچیان مواد مخدر را به شدیدترین مجازات محکوم مینمایند.

اما ماده ۴۴ قانون مبارزه با تطهیر پول، استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی جرایم را به منظور دریافت مدارک اثباتیه جرایم مجاز میدانند. یعنی در جرایم تطهیر پول استفاده از سیستم متذکره صرفاً به دلیل دریافت و جمع آوری مدارک اثباتیه صورت میگیرد و مدارک بدست آمده دلیل الزام علیه متهم در مراحل کشف، تحقیق و محاکمه محسوب نمی گردد.

مثلاً: شخصی طی تماس تلفونی با فرد جانب مقابل موافقه نماید، تا موصوف ساعت ۴ عصر امروز مقدار دو میلیون دالر، پول مشروع یا نامشروع را طور قاچاق بدون ثبت از میدان هوایی کابل در طیاره مشخص جابجا و به کشور امارات متحده عرب انتقال دهد چون انتقال و خروج بدون ثبت و راجستریشن وجوه مطابق ماده ۶ قانون مبارزه با تطهیر پول جرم بوده، لذا مکالمه تلفونی مظنون مذکور از جانب اداره کشفی، سمع گردید، اما در اینحالت مطابق قانون مبارزه با تطهیر پول، برخلاف جرایم مواد مخدر ادارات عدلی و قضایی نمی توانند مکالمه تلفونی مظنون مذکور را بر علیه موصوف به عنوان دلیل الزام استفاده و سبب محکومیت نامبرده گردد بلکه اداره کشفی میتواند با استفاده از ثبت مکالمه تلفونی و سیستم

الکترونیکی و مخفی از چگونگی ارتکاب جرایم مطلع و در خصوص دستگیری بالفعل و انجام تحقیقات بعدی قضیه اقدام نماید.

همچنان مطابق صراحت مواد ۱۹ و ۱۱۳ قانون اجراءات جزایی جدید، مدارک جمع آوری شده (نوارهای صوتی و تصویری، مراقبت تصویری، یا سایر مدارک و اطلاعات) که با استفاده از سیستم الکترونیکی و مخفی در جرایم فساد اداری، جرایم تروریستی، تطهیر پول و تمویل تروریسم، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم مواد مخدر، جرایم اختطاف و قاچاق انسان، جرایم قتل... بدست آمده باشد بحیث قراین (ادله مادی) محسوب میگردد.

و مطابق فقره ۳ ماده ۱۹ قانون مذکور قراین تنها در صورتی اساس الزامیت را تشکیل می دهد که یک زنجیره دقیق و سازگار حقایق مربوطه را تشکیل داده و در کل عناصر جرمی را ثابت نماید.

بناءً با توجه به ماده فوق الذکر قانون اجراءات جزایی جدید، مدارک و شواهد که از طریق استفاده سیستم الکترونیکی و مخفی بدست آمده باشد اساس الزامیت متهم را در جرایم، بخصوص جرایم فساد اداری تشکیل میدهد مشروط براینکه مدارک جمع آوری شده، یکدیگر خویش را تقویه و با هم مرتبط و عناصر سه گانه (قانونی، مادی و معنوی) جرم را ثابت سازد.

مثال: قرارداد خریداری تجهیزات نظامی به ارزش میلیون ها دالر به اعلان داده شده و مسوول وزارت مربوطه طی تماس تلفونی با داوطلب مشخص طوری موافقه نماید که گویا داوطلب باید مبلغ یکصد هزار دالر را طور رشوت در حساب بانکی شخصی مسول دولتی اضافه نموده و در مقابل

مسول دولتی اظهار نماید که جزئیات پروژه را از طریق ایمیل به داوطلب ارسال مینمایم تا در برنده شدن موصوف همکاری صورت گیرد
 بناءً، طبق احکام فوق قانون اجراءات جزایی جدید، ثبت مکالمات
 تیلیفونی فوق الذکر مظنون، در این مرحله اساس الزامیت را در جرایم فساد
 اداری تشکیل نمی دهد، به دلیل اینکه:
 اولاً: "تا فعلاً میان صحبت‌ها، ایمیل و حسابات بانکی مظنون، ارتباط
 زنجیری ثابت نگردیده است.

ثانیاً: "از نظر حقوقی ارتکاب جرایم از آغاز الی اتمام شامل پنج مرحله
 (فکر، تصمیم، تهیه وسایل، عمل و نتیجه) میگردد، و مظنون از نظر حقوقی
 در سه مرحله اولی، قبل از انجام عمل و نتیجه، چانس انصراف از ارتکاب
 جرم را می داشته باشد. لذا مظنون در مرحله فوق، قابل مجازات دانسته
 نمی شود.

بناءً اگر شخص طی تماس تیلیفونی صحبت‌های جرمی انجام دهد تا
 زمانی که عملاً اقدام به ارتکاب آن ننموده باشد صحبت‌های تیلیفونی
 موصوف دلیل اثبات جرم نبوده، زیرا، امکان دارد مظنون مذکور، بعد از
 انجام صحبت‌های جرمی از ارتکاب عملی جرم منصرف گردد.

اما اگر ادارات کشفی به استناد مکالمات تیلیفونی ثبت شده، وجوه
 رشوت را در اکونت بانکی مظنون ثابت نماید و به اثر تشریح کمپیوتر
 و موبایل، تماس جرمی، میان مظنون و دواطلب ثابت گردد در اینحالت گفته
 میتوانیم که اولاً: میان مدارک جمع آوری شده ارتباط زنجیری وجود دارد
 وثانیاً: به نسبت تکمیل هر پنج مرحله جرمی عناصر سه گانه جرم تحقق
 یافته، لذا مدارک جمع آوری شده طبق ماده فوق الذکر قانون اجراءات
 جزایی، اساس الزامیت برعلیه متهمین دانسته میشود.

نباید فراموش کرد اینکه، مطابق فقره ۶ ماده ۱۱۵ قانون اجراءات جزایی هیچ شخص حکمی و تحقیقی نمی توانند، اجرای اقدامات مخفی کشفی و نتایج آن را به استثنای همکار قانونی، به شخص دیگر بدون اجازه محکمه افشا نمایند، اما اینکه اگر اشخاص به افشای چنین موارد اقدام نمایند متأسفانه قوانین افغانستان به مرتکب آن مجازات مشخص پیشبینی ننموده است.

علاوه باید کرد اینکه، اگر ادارات مسوول بدون رعایت شرایط قانونی و یا هم اگر افراد و اشخاص غیر مسوول با استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی بر علیه افراد و اشخاص مدارک و شواهد را جمع آوری نماید از نظر حقوقی ولو مدارک متذکره اثباتیه نیز باشد مورد استناد قانونی قرار نگرفته و قابل قبول تلقی نمیگردد.

چنانچه ماده ۲۱ قانون اجراءات جزایی چنین صراحت دارد (دلایل و مدارک اثبات بدست آمده به اثر نقض احکام قانون و سایر قوانین نافذه مورد استناد قرار نگرفته، از دوسیه خارج و مهر میگردد، این دلایل جدا از دلایل دیگر نگهداری می شود)

به هر حال در صورتیکه ادارات کشفی با استفاده از سیستم کشف الکترونیکی و مخفی با رعایت شرایط شرعی و قانونی طور معیاری و مسلکی مدارک و دلایل در خصوص جرایم فساد اداری را جمع آوری نماید به مراتب نسبت به بررسی کاغذی موثر و حتی در پروسه بررسی کاغذی نیز سهولت ایجاد کرده و بالاخره شیوه متذکره سبب اصلاح اجراءات ادارات عدلی و قضایی و مبارزه واقعی و کاهش فساد اداری در کشور خواهند گردید.

بخش ۴

فساد اداری ناشی از مشکلات و نواقص اسناد تقنینی در افغانستان

موجودیت قوانین معیاری مطابق به اوضاع و شرایط کشور نقش مهم در مبارزه با فساد اداری داشته، لیکن ادارات عدلی و قضایی افغانستان در تطبیق عملی قوانین دچار مشکلات فراوان بوده است.

دلیل مشکلات ادارات در تطبیق قوانین اینست که یکتعداد قوانین در زمان‌های قبل تدوین و نافذ گردیده و بعضی مواد آن با شرایط پیشرفت فعلی جامعه سازگاری و مطابقت نداشته است و همچنان یک تعداد قوانین جدیداً به اصطلاح از کشورهای خارجی کاپی گردیده که بازهم با شرایط، اوضاع و احوال افغانستان سازگار نبوده است.

ابهام، مشکل و تضاد در قوانین یکی از مهم ترین عوامل فساد اداری دانسته می شود بناً رفع ابهام و تضاد قوانین یکی از اولویت‌های مبارزه با فساد اداره به شمار می آید، چنانچه قانون جزا کشور به مرتکب جرم رشوت یک افغانی و میلیون‌ها دالر عین مجازات را پیشینی نموده که جداً اصل تناسب جرم و مجازات رعایت نگردیده است

همچنان تجربه جهان نشان داده که تطبیق مجازات مالی نسبت به مجازات بدنی موثر و باعث جلوگیری از تکرار جرایم می گردد، اما قانون جزا کشور، مرتکبین جرایم فساد اداری را اکثراً "مستوجب مجازات بدنی و بعضاً" قابل مجازات بدنی و مالی دانسته اند.

واز طرفی هم قانون جزا کشور قبل از به میان آمدن نظام بازار آزاد در کشور تدوین و نافذ گردیده است، بناءً احکام رشوت و اختلاس در قانون مذکور بالای موظف خدمات عامه که عموماً "کارمند دولت بوده تطبیق می گردد، اما امروز افغانستان دارای نظام اقتصاد بازار بوده و اکثر اجراءات در بخش خصوصی انجام می شود، لذا ضرورت است تا با استفاده از تجارب کشورهای جهان بخصوص کشور مالیزیا، قوانین جزایی افغانستان نسبت به بخش های دولتی بیشتر به بخش های خصوصی عیار گردد.

چنانچه میثاق مبارزه با فساد اداری ملل متحد که از جانب شورای ملی کشور تصویب و از طرف ریس جمهور توشیح و در جریده رسمی نشر گردیده در مواد ۲۱ و ۲۲ خویش دول عضو را مکلف به توصیف رشوه ستانی و اختلاس در بخش خصوصی نموده است که به تاسی از آن ماده ۷ قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری احکام قانون مذکور را بالای مؤسسات غیر دولتی، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت نیز قابل تطبیق دانسته است. اما تطبیق قانون متذکره در بخش خصوصی عملاً "ناممکن بوده به دلیل اینکه قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری در ماده (۳) هجده مورد را که شامل اختلاس و رشوت نیز می گردد، جرایم فساد اداری دانسته اما در

قانون مذکور برای مرتکب جرایم متذکره مجازات پیشبینی نگردیده است و قانون جزا نیز در مواد ۲۵۴ و ۲۶۸ خویش ارتکاب رشوت و اختلاس را وسیله موظف خدمات عامه جرم دانسته اند که موظفین خدمات عامه مطابق ماده ۱۲ قانون جزا شامل تشبثات خصوصی وسازمان‌های بین المللی نمیگردد.

بناءً از یکطرف افغانستان مطابق مواد میثاق مکلف به توصیف و تطبیق جرایم رشوت و اختلاس بخش خصوصی در قوانین خویش است و از طرف دیگر قوانین فعلی جوابگو تطبیق میثاق و کنترل بخش خصوصی که از اهمیت بسزای در نظام اقتصاد بازار برخوردار است نمیباشد.

علی الرغم آن اگر یک شخص پول را از راه رشوت و اختلاس بدست بیاورد و مطابق قانون جرم موصوف تطهیر پول تعریف گردد پس در اینحالت بالای مذکور حکم مجازات کدام قانون تطبیق گردد. زیرا هردو قانون هم قانون جزا و هم قانون مبارزه با تطهیر پول عمل ارتکابیه را مستوجب مجازات دانسته، اما قانون جزا مجازات بیشتر را به مرتکب پیشبینی نموده و قانون تطهیر پول که بعد از قانون جزا نافذ گردیده مجازات کمتری را به مرتکب در نظر گرفته است.

بناءً موجودیت همچو تناقض در قوانین از یکطرف باعث گردیده تا در ادارات عدلی و قضایی احکام قانون مبارزه با تطهیر پول تطبیق و عملی نگردد و از طرف دیگر تطبیق آن نهایت فساد برانگیز بوده و زمینه سازش میان متهم و ادارات عدلی و قضایی را مساعد میسازد به دلیل اینکه اگر متهم در ادارات متذکره روابط و ارتباطات داشته باشد، طبعاً ادارات متذکره،

بخاطر کمک متهم به مواد قانون مبارزه با تطهیر پول استناد میکند و نهایتاً متهم محکوم به مجازات کمتر خواهند گردید اما در عکس صورت ادارات عدلی و قضایی مطابق حکم قانون جزا استناد نموده و بالاخره متهم به مجازات شدید تری محکوم خواهند گردید.

نباید فراموش کرد که ماده ۶ قانون مبارزه با تطهیر پول خروج و ورود وجوه را بدون ثبت در سرحدات ممنوع قرار داده و در صورت ارتکاب بر علاوه مصادره وجوه، مرتکب مکلف به پرداخت جریمه معادل نیز می گردد، این حکم قانون متأسفانه در استرداد و ورود سرمایه و دارایی ها جهت رشد اقتصادی کشور مشکلات را ایجاد نموده است چنانچه هیچ افغانی حاضر نخواهد بود تا وجوه را که به خارج انتقال داده با جریمه معادل به دولت تسلیم نماید، همچنان هیچ سرمایه داری حاضر نخواهد بود تا وجوه سیاه خویش را در افغانستان سرمایه گذاری نماید به دلیل اینکه در افغانستان طبق قانون بر خلاف سیاست اقتصادی اکثر کشور وجوه حین ورود باید ثبت و منشه و منبع آن تثبیت گردد.

واژه مهم این که، قانون جزا افغانستان در سال ۱۳۵۵ یعنی حدود ۳۳ سال قبل تدوین و نافذ گردیده است و در تمامی مواد قانون مذکور جزای نقدی مطابق شرایط و ارزش ۳۳ سال قبل تعیین و در شرایط فعلی مقدار پیشبینی شده جزای نقدی نهایت ناچیز که قطعاً جنبه تطبیقی و منطقی نداشته است چنانچه میتوان طور نمونه وی از ماده ۳۳۳ قانون جزا که چنین مشعر است (شخصی که قانوناً "گرفتار گردیده و فرار نماید به حبسی که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار

افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد) یاد آور گردید.

بنأ اگر یک تروریست خطرناک از زندان فرار نمائید در اینحالت آیا تطبیق جزای نقدی سه هزار افغانی بالای متهم مذکور مطابق حکم قانون جزا کشور، عادلانه، منطقی و عملی خواهند بود ؟

فلهذا با توجه به جریان فوق گفته می توانیم که متأسفانه قوانین افغانستان حاوی مشکلات، تناقضات و تضادها و کمبودهای متعدد بوده که همچو مشکلات خود در ایجاد نقاط فساد برانگیز و رشد فساد اداری در کشور نقش اساسی و موثریت بیشتر داشته است، لذا اصلاح قوانین کشور بخاطر مبارزه و جلوگیری از فساد اداری یکی از اولویتهای حکومت محسوب گردیده، و اینکه بخاطر اصلاح قوانین در افغانستان چگونه تدابیر عملی و اتخاذ گردد بصورت فشرده در ذیل توضیح می گردد.

۴.۱ تدابیر اصلاحی اسناد تقنینی در افغانستان

طوری که در فوق به صورت فشرده بیان گردید موجودیت خلا، نواقص و تناقضات در قوانین باعث رشد زمینه های فساد برانگیز در کشور گردیده است، بنأ اصلاح و بازنگری قوانین و تطابق آن با اصول و موازین مدرن حقوقی و شرایط موجوده کشور یکی از راه های جلوگیری کننده فساد اداری بوده است.

لذا، تدابیر حقوقی لازم، بخاطر رفع ابهامات، تناقضات و خلاهای قوانین کشور که با فساد اداری ارتباط مستقیم دارد، قرار ذیل باید اتخاذ گردد:

۱. مواد ۲۵۴ الی ۲۶۷ قانون جزا میان مجازات رشوت یک افغانی و ملیون‌ها افغانی تفاوت قایل نگردیده است، لذا طبق اصول عام حقوقی بخاطر تامین عدالت بهتر است مواد متذکره قانون بازنگری گردیده و میان جرم و مجازات تناسب در نظر گرفته شود.

۲. قوانین جزایی افغانستان بیشتر بالای مجرمین فساد اداری مجازات حبس را پیشبینی نموده است در حالیکه بهتر است با استفاده از تجارب کشورهای جهان قوانین متذکره بازنگری گردیده و به نسبت مجازات بدنی بیشتر به تطبیق مجازات مالی که در جلوگیری از تکرار جرایم موثریت بیشتر را نشان داده تاکید صورت گیرد.

مثلاً: اگر مامور دولت در قرارداد دولتی به ضرر دولت عمل نماید و عملکرد موصوف اولین بار ارتکاب گردیده باشد بعد از اثبات جرم در صورتیکه موصوف حاضر به پرداخت خساره و جریمه معادل گردد از تطبیق مجازات معاف دانسته شود.

اگر مامور مذکور حاضر به پرداخت خساره و جریمه نگردد و یا هم عمل ارتكابی موصوف تکرار باشد آنگاه مجازات حبس و جبران خساره و جریمه معادل حکم گردد.

فواید تطبیق مجازات مالی نسبت مجازات بدنی

اولاً: "مظنونین بخاطر حل قضیه نسبتی مجبور به پرداخت رشوت نمی شوند بلکه میتوانند در مقابل پرداخت خساره و جریمه از مجازات معاف شوند.

ثانیا": تطبیق مجازات مالی باعث تقویه خزانه دولت میگردد اما مجازات بدنی باعث تضعیف خزانه دولت میگردد زیرا در مجازات بدنی دولت مجبور است به خاطر محافظت محبوسین پولیس استخدام و معاشات آنها را پرداخت نماید و همچنان تهیه لباس و غذا زندانیان تماما" مصارف گزاف دولتی را ضرورت دارد.

ثالثا": مظنونین نسبت به مجازات بدنی به پرداخت خساره و جریمه معادل بطور سهل حاضر میشوند بناءً تطبیق مجازات مالی نسبت به مجازات بدنی ساده بوده است.

رابعا": پرداخت خساره و جریمه معادل سبب میگردد تا مظنون برای همیشه از ارتکاب جرم خویش احساس ندامت و پشیمانی کند و از تکرار جرایم به دلیل ترس از دست دادن و یا نبود پول جدا" جلوگیری مینماید، اما در تطبیق مجازات بدنی مظنون برای چند روز محدود در زندان احساس ندامت نموده اما بعد از گذشت چند روز با محیط زندان عادت مینماید و حتی در بعضی حالات مظنون مذکور با جنایات کاران حرفوی بلدیت واشنایی حاصل نموده که در آینده احتمال ارتکاب تکرار جرایم را مینماید بناءً اصلاح و بازنگری مواد ۲۶۹ و ۲۷۰ قانون جزا بخاطر جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری با استفاده از تجارب کشورهای جهان بخصوص ترکیه و مالیزیا بهتر خواهد بود.

۳. بعد از انفاذ قانون رسیده گی به تخلفات اطفال مواد ۷۰ الی ۹۳ قانون جزا در مورد چگونگی مسوولیت جزای اطفال قابل تطبیق نبوده لذا موجودیت احکام مختلف و متفاوت پیرامون موضوع در قوانین مختلف لازم

نبوده بناءً بهتر است تا احکام متذکره قوانین جزا از صفحات قوانین کاملاً حذف گردد تا در تطبیق و مطالعه آن مشکلات ایجاد نگردد.

۴. با انفاذ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی احکام مندرج فصول اول و دوم قانون جزا در خصوص تنظیم جرایم متذکره قابل تطبیق نبوده بناءً موجودیت احکام متفات پیرامون عین موضوع در قوانین مختلف لازم نیست بهتر است مواد متذکره نیز کاملاً "از صفحات قانون جزا حذف گردد.

۵. ماده سوم قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری یکتعداد اعمال (افزایش غیر قانونی دارایی) را فساد اداری تعریف نموده اما متأسفانه بخاطر مرتکب آن در هیچ قانون مجازات پیشبینی نگردیده است. لذا بهتر است تا مطابق اصول حقوقی، قانون مذکور اصلاح و بازنگری گردیده و بخاطر مرتکب عمل، مجازات مشخص پیشبینی نماید در غیر آن تعریف یک عمل به عنوان جرم در حالت نبود مجازات مطابق اساسات حقوقی نمی باشد.

۶. قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری، رشوت را تکراراً با الفاظ متفاوت در فقرات ۱ و ۱۴ ماده سوم به عنوان فساد اداری تعریف نموده است بناءً تکرار تذکر عین عمل به عنوان جرم که دارای عین مجازات باشد لازم و ضروری نبوده ایجاب مینماید فقره ۱۴ ماده ۳ قانون مذکور حذف گردد.

۷. کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد در مواد ۲۱ و ۲۲ خویش دول عضو را مکلف به توصیف رشوه ستانی و اختلاس در بخش خصوصی نموده است.

بناءً بخاطر تطبیق عملی، کنوانسیون متذکره ایجاب مینماید قانون جزا کشور که قبل از نظام بازار تدوین گردیده جدا "بازنگری و اصلاح گردد و اعمال متذکره در سکتور خصوصی نیز به عنوان جرم تعریف و به مرتکب آن مجازات پیشبینی گردد.

۸. با تدوین و انفاذ قانون مبارزه با مواد مخدر فصل نژده هم قانون جزا که جرایم و مجازات استعمال مواد مخدر را تنظیم نموده قابل تطبیق نبوده لذا ایجاب مینماید تا فصل متذکره بخاطر جلوگیری از تکرار و تفاوت احکام قوانین از صفحات قانون جزا حذف گردد.

۹. تناقص میان مجازات پیشبینی شده قانون مبارزه با تطهیر پول و قانون جزا فساد برانگیز بوده لذا ایجاب مینماید تا مسله تناقص متذکره حل و واضح گردد تا مراجع عدلی و قضایی بالای مرتکب، حکم مجازات کدام قانون را تطبیق نمایند.

۱۰. با تدوین و انفاذ قانون اختطاف و قاچاق انسان موجودیت احکام فصل هفتم قانون جزا اضافه و غیر ضروری بوده لذا ایجاب مینماید تا فصل متذکره از صفحات قانون جزا حذف گردد.

۱۱. بخاطر حل معضله چگونگی دوام وظیفه نظارت و بررسی، اداره لوی خاړنوالی ج.ا.ا لازم است، یا قانون تشکیل و صلاحیت خاړنوالی بازنگری و

با مواد قانون اساسی مطابقت داده شود و یا هم قانون جدید تشکیل و صلاحیت خارنوالی طی مراحل و نافذ گردد.

۱۲. احکام قانون تدارکات نواقص متعدد داشته و شرکت‌ها و ادارات از خلا قانون مذکور سوء استفاده نموده میلیون‌ها دالر ضرر به بودجه دولتی رسانیده و در ضمن قراردادهای دولتی به اثر خلا قانون مذکور میان شرکت‌های مشخص انحصار گردیده و در حقیقت زمینه رقابت واقعی میان شرکت‌ها از بین رفته است

بناءً بخاطر حل معضله فوق و جلوگیری از ارتکاب فساد اداری و از بین بردن نقاط فساد برانگیز، بهتر است قانون مذکور با استفاده از تجارب جهانی و بادر نظر داشت شرایط عینی کشور بازنگری و نقاط فساد برانگیز قانون مذکور اصلاح گردد.

۱۳. به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری بهتر است آن‌عه ادارات که تا فعلاً مقرره‌ها و طرز العمل‌ها را بخاطر قانونیت اجراآت خویش تدوین و ترتیب ننموده اند، مسوده آنرا ترتیب و بعد از منظوری مقامات صالحه به تطبیق آن اقدام و از اجرای وظایف خلاف مقرره، طرز العمل و لوایح اجتناب نمایند.

۱۴. بخاطر جلوگیری از غصب اراضی دولتی و شخصی و استرداد دوباره و مجازات مرتکبین آن در مطابقت به شرایط عینی جامعه قانون مشخص وجود ندارد، لذا بهتر خواهد بود تا با استفاده از تجارب جهانی در تدوین قانون مشخص پیرامون تنظیم چگونگی موضوعات غصب اراضی و استرداد دوباره آن اقدامات عملی صورت گیرد.

۱۵. ماده شش قانون مبارزه با تطهیر پول در خصوص استرداد دوباره وجوه و دارایی‌های که از افغانستان به کشورهای خارجی بدون ثبت و راجستر انتقال داده شده مشکلات را ایجاد مینماید و از طرف دیگر حکم ماده متذکره از ورود دارایی‌ها به کشور جلوگیری مینماید.

بهتر است با استفاده از تجارب کشورهای جهان و در مطابقت به شرایط عینی جامعه در خصوص اصلاح ماده متذکره قانون مبارزه با تطهیر پول، تدابیر لازم اتخاذ تا زمینه استرداد دوباره سرمایه‌های افغانستان فراهم و جلوگیری از خروج دارایی‌ها نیز گرفته نشود، چنانچه دولت افغانستان یک میعاد را مشخص و اعلان نمایند که اگر افراد و اشخاص سرمایه‌های را که طور غیر قانونی به خارج کشور انتقال نموده اند، دوباره به افغانستان انتقال دهند، از تمام مجازات معاف و حتی تشویق میگردند، در غیر آن ماده ۶ قانون تطهیر پول که مصادره و جریمه معادل پول و مجازات بدنی را پیشبینی نموده قابل تطبیق میباشد، و کسانی که میخواهند در افغانستان سرمایه گذاری نمایند و وجوه نقد به افغانستان وارد سازند بدون سوال از منبع و منشأ آن میتوان صرفاً "باثبت کردن به ورود سرمایه اقدام و از جانب حکومت حمایت گردد تا چنین عمل حکومت باعث جذب سرمایه و رشد اقتصادی کشور گردد.

۱۶. در قانون جزا کشور برای آن‌عه کارمندان دولتی که مدارک و اسناد صوتی و تصویری را خلاف قانون بدسترس افراد غیر مسوول قرار میدهد و باعث ایجاد مشکلات اجتماعی میگردد و در مورد آن‌عه افراد و اشخاص غیر مسوول که خلاف قانون و بدون حکم محکمه ذیصلاح به استراق سمع مکالمات اتباع ولو به منظور کشف جرم باشد اقدام مینمایند مجازات و مویده جزایی پیشبینی نماید.

۱۷. ماده ۹۸ قانون اجراءات جزایی طوری تعدیل و اصلاح گردد که پولیس حق گرفتاری مظنونین را از طرف شب نداشته باشد مگر به اجازه و در موجودیت خائنوال موظف، تا از یکطرف معیاری های جهانی رعایت گردد و از طرف دیگر ماده فوق الذکر قانون مطابق شرایط افغانستان جنبه تطبیقی پیدا نماید

۱۸. چون جزاهای نقدی پیشبینی شده در قانون جزا کشور مطابق شرایط و ارزش زمان حاضر نبوده و تطبیق آن نه تنها مفیدیت نداشته بلکه فساد برانگیز نیز بوده است لذا بازنگری، اصلاح و تطابق آن به شرایط و ارزش عصر حاضر امر حتمی و لازمی پنداشته می شود.

۱۹. بخاطر جلوگیری از کتمان فعالیت و فرار از پرداخت مالیات مودیان و تقویه بودجه دولتی و جلوگیری از نقاط فساد برانگیز، لازم است تا در قانون جزا کشور به مرتکب همچو اعمال مجازات و موئیده جزایی پیشبینی گردد.

با توجه به جریان فوق از اینکه متاسفانه قوانین افغانستان حاوی مشکلات متعدد بوده که ذکر تمام آنها از حوصله رساله حاضر خارج خواهند بود، لذا یگانه راه حل اصلاح قوانین اینست که ادارات سکتوری جهت بازنگری قوانین مربوطه از طریق مشاوریت های حقوقی شان، موظف گردند تا در نتیجه بعد از تثبیت نقاط فساد برانگیز، متناقص و غیر عملی قوانین، پیشنهاد تعدیل آنرا به وزارت عدلیه تقدیم و وزارت عدلیه نیز در طی مراحل و اصلاح قوانین سرعت عمل را به خرج دهند.

بخش ۵

مشکلات و فساد در قراردادهای دولتی

اعطای قراردادهای دولتی به شرکت‌های تجارتی یکی از مشکلات عمده را به بار آورده، چنانچه در اکثر قراردادها شفافیت موجود نبوده و میلیون‌ها دالر و افغانی پول ملت میان کارمندان و شرکت‌ها ضایع می‌گردد. عدم شفافیت پروسه قراردادهای دولتی و ضایع شدن میلیون‌ها دالر پول دولت در قراردادهای متذکره عوامل متعدد دارد که در ذیل طور فشرده به مهمترین آنها با تذکر مثال‌های عینی اشاره می‌گردد.

۱. ادارات اکثراً شرایط شرطنامه قراردادهای دولتی را طور سازمان یافته در مطابقت به شرایط شرکت‌های مشخص ترتیب و عمداً زمینه اشتراک سایر شرکت‌ها را در دواطلبی‌ها محدود می‌سازند، در اینحالت یکتعداد شرکت‌های مستحق که توانایی کافی مالی و تجهیزاتی دارند به نسبت عدم تکمیل شرایط شرطنامه، اجازه اشتراک در پروسه دواطلبی‌ها را پیدا کرده نمیتوانند.

مثال: قرار داد اعمار میدان هوایی یکی از ولایات به اعلان داده شد، یکتعداد شرکت‌ها شرطنامه‌ها را اخذ نمودند در نتیجه مطالعه شرطنامه

واضح گردید که صرفاً آن‌عه شرکت‌های که تجربه داشته و قبلاً یک میدان هوایی را اعمار نموده باشند در دواطلبی اشتراک نموده می‌توانند. در این‌حالت طبعاً واضح می‌گردد که زمینه به یک شرکت که قبلاً با وزارت مربوطه در ارتباط و همکاری بوده مساعد گردیده و سایر شرکت‌ها ولو توان مالی و وسایل کافی و تجهیزات منظم داشته و قیمت نازل و مناسب ارایه نمایند باز هم به آنها اجازه اشتراک در دواطلبی داده نمی‌شود. چنین اجراءات باعث می‌گردد تا پروژه‌ها انحصاری گردد و قراردادها به ضرر دولت به قیمت بلند عقد شود.

مثال: یکی از وزارت‌ها، قرارداد اعمار پل دریای ارغستان ولایت کندهار را به اعلان دواطلبی سپرده بود در نتیجه یک‌تعداد شرکت‌ها، شرط‌نامه‌ها را اخذ و در مجلس دواطلبی آفرهای خویش را ارایه نمودند در نتیجه یک شرکت حدود سه میلیون افغانی نسبت به شرکت دومی نرخ نازل ارایه نموده بود، اما وزارت مربوطه به دلیل اینکه شرکت مذکور صرفاً حدود ده روز می‌عاد گزنتی بانکی کم ارایه نموده بناءً برنده قرارداد شناخته نشد، برعکس قرارداد مذکور با شرکت که قیمت بلند ارایه نموده بود عقد گردید، درحالی‌که وزارت مربوطه می‌توانست به اصلاح شرط‌نامه و یا تمديد می‌عاد گزنتی بالای شرکت مذکور اصرار و اقدام مینمود.

بناءً اولین مرحله فساد برانگیز در قراردادهای دولتی ترتیب شرط‌نامه‌های یک‌جانبه و سازمان یافته بوده که جدا اصلاح موضوع به منظور جلوگیری از ارتکاب فساد اداری مهم و ضروری تلقی می‌گردد.

۲. قراردادهای ادارات دولتی میان شرکتهای مشخص تقسیمات و انحصار گردیده است، ادارات و شرکتهای متذکره به شیوههای مختلف به هیچ شرکت دیگری اجازه اشتراک در مجالس داوطلبی نمی دهد.

مثال: شرکتهای متعدد طی درخواستی از وزارت خانههای مختلف دولتی عنوانی اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری شکایت نموده اند که وزارت خانهها قراردادها را اعلان نموده، اما بنابر دلایل و بهانههای مختلف شرطنامه و آفر را به جز از شرکتهای مشخص به سایر شرکتهای توزیع نمیکنند.

بناءً ادارات دولتی عمداً به نسبت عدم توزیع شرطنامه و آفر به سایر شرکتهای زمینه انحصار قراردادها و جلوگیری از رقابت سالم میان شرکتهای را بمیان آورده است.

مثال: اکثر شرکتهای نخست از عدم توزیع شرطنامه و آفر نزد ادارات عدلی و قضایی شاکی میگردند اما در عمل دیده شده که بعد از مداخله ادارات متذکره شرکتهای مذکور درخواستیهای خویش را تعقیب نکرده و حتی از آن رسماً "منصرف نیز شده اند، دلیل انصراف و عدم تعقیب درخواستی دو مورد بوده میتواند.

الف: یکتعداد شرکتهای فریبکار هستند که بعد از معامله و اخذ پول از شرکت برنده قرارداد، موضوع را دنبال ننموده و حتی رسماً از درخواستی خویش منصرف میگردند.

ب: یکتعداد شرکتهای بخاطریکه ادارات عدلی و قضایی بموقع به درخواستیها رسیده گی نمیکنند و از طرفی هم طویل بودن پروسه ادارات

متذکره سبب سرگردانی آنها میگردد، لذا از تعقیب درخواستی‌های خویش منصرف میشوند.

۳. مطابق قانون تدارکات نازلترین نرخ آفر ارایه شده برنده مجلس داوطلبی میباشد اما اکثرا شرکت‌ها آفرها را از قبلاً" به تفاهم یکدیگر طوری ترتیب مینمایند که حتماً یکی از آنها که قبلاً" میان شان توافق صورت گرفته برنده قرارداد اعلان گردد.

مثال: قرارداد تیل یکی از وزارت خانه‌ها به اعلان داده میشود در نتیجه سه شرکت داوطلب، شرطنامه قرارداد را اخذ میکند اما سه شرکت متذکره قبل از دخول به مجلس داوطلبی میان شان تفاهم مینمایم اینکه قیمت اصلی فی لیتر تیل در بازار ۵۵ افغانی است پس یک شرکت فی لیتر تیل را در آفر خویش ۶۵ افغانی آفر دهد شرکت دومی ۶۲ افغانی و شرکت سومی فی لیتر تیل را ۶۰ افغانی آفر دهد که طبعاً در اینحالت طبق حکم قانون تدارکات شرکت که فی لیتر تیل را ۶۰ افغانی آفر داده به نسبت ارایه قیمت نازل درحالی برنده قرار داده دانسته میشود که قیمت واقعی فی لیتر تیل در بازار ۵۵ افغانی بوده است.

بناءً خلا و نواقص قانون تدارکات باعث میگردد تا واقعاً رقابت میان شرکت‌ها موجود نگردد، قیمت قراردادها نسبت به قیمت واقعی بازار به ضرر دولت نهایت بلند عقد گردد و میان شرکت‌ها زمینه‌های سازش غیر قانونی به میان آید و نهایتاً" قراردادها به اساس تفاهم میان شرکت‌ها و سپس میان مسوولین فاسد دولتی از حالت رقابت واقعی خارج و در حالت انحصار یک تعداد شرکت‌ها قرار گیرد.

۴. شرکت‌های فریبکار در هر سال قراردادهای دولتی انحصار شده را به اسم شرکت‌های مختلف عقد مینمایند و طوری وانمود می‌سازند که گویا قراردادها به اساس رقابت با شرکت‌ها مختلف عقد میگردد. چنانچه اخذ جواز شرکت‌های تجارتي در افغانستان بسیار سهل بوده بناءً هر شخص میتواند به اسم افراد مختلف مورد اعتماد خویش چندین جواز تجارتي اخذ نماید و هر سال یکی از شرکت‌های خویش را با تفاهم و سازش قبلی میان سایر شرکت‌ها و مسولین مفسد دولتی برنده قرارداد انحصار شده خویش نمایند.

همچنان اکثر شرکت‌ها با استفاده از چندین جواز تجارتي وارد پروسه داوطلبی قراردادهای دولتی میگردند تا چانس برنده شدن آنها بیشتر گردیده و نهایتاً قرارداد مورد نظر را عقد نمایند

مثال: سالهای قبل قرارداد انتقال حجاج کرام به عربستان سعودی در جراید به اعلان سپرده شد در نتیجه ثابت گردید که یکتعداد افراد بنابر سازش و هماهنگی مسولین وزارت مربوطه با استفاده از چندین جواز تجارتي وارد پروسه داوطلبی گردیدند و نهایتاً یکی دو شرکت آنها برنده قرارداد انتقال حجاج گردیدند

۵. بعد از عقد قراردادهای دولتی مهم ترین مرحله تطبیق مواد قرارداد وسیله شرکت‌های قراردادی بوده که متأسفانه شرکت‌ها، مواد قرارداد را تطبیق نکرده و هیچ مرجعی دولتی از تطبیق آن نظارت واقعی ندارد.

مثال: قراردادهای قیر سرک‌های کابل وسیله شاروالی کابل به شرکت‌های خصوصی عقد گردیده است اما شهروندان عملاً "شاهد هستند، که اکثر

سرک‌های متذکره بعد از گذشت چند ماه محدود کاملاً "تخریب می‌گردد، در صورتیکه مواد قرارداد مطالعه گردد قراردادی مکلف است تا سرک‌ها را با استندرد انجیری و مواد با کیفیت قیر نماید، اما در عمل شرکت‌ها خلاف قرارداد از مواد بی کیفیت و خلاف ستندرد سرک را قیر و متاسفانه هیچ مرجعی از کیفیت و تطبیق مواد قرارداد نظارت واقعی نمی‌کنند. دلیل عدم نظارت واقعی از کار پروژه‌ها احتمالاً موجودیت سازش منفی میان نظارت کننده‌های دولتی و شرکت قراردادی است که در نتیجه ناظر و کنترولر گزارشات غیر واقعی مبنی بر تایید اجراآت شرکت را عنوانی مراجع مربوطه ارقام میدارند.

۶. اکثراً "دیده شده که متاسفانه قراردادهای دولتی با قیمت نهایت بلند و غیر عادلانه به ضرر دولت با شرکت‌های خصوصی عقد می‌گردد و بعداً" شرکت‌های متذکره قراردادهای متذکره را دست دو و سه بالایی شرکت‌های خصوصی دیگر به قیمت نازل بفروش میرسانند. که طبعاً "انجام چنین کاری بدون سازش و همکاری مسولین دولتی امکان پذیر نخواهد بود.

مثال: قرارداد قیر پنجاه کیلو متر یکی از سرک‌های شاهراه افغانستان، وسیله وزارت مربوطه به اعلان دواطلبی سپرده شد، در نتیجه قرارداد متذکره با یکی از شرکت‌های داوطلب، فی کیلو متر مبلغ یک میلیون دالر که جمعاً بالغ به پنجاه میلیون دالر می‌گردد عقد گردید، بعداً اطلاع موضوع مستند با اسناد مواصلت کرد که شرکت مذکور قرارداد متذکره را با چندین شرکت خصوصی از قرار فی کیلو متر ششصد هزار دالر امریکایی که جمعاً مجموع قیمت قرارداد بالغ به ۳۰ میلیون دالر امریکایی می‌گردد، دست دوم

بفروش رسانیده است که در اینحالت شرکت اولی بدون انجام کدام کار مبلغ بیست میلیون دالر را بدون موجب از بودجه دولت اخذ مینماید

مثال: قیمت فی کیلو متر سرک استندرد داخل شهر کابل به مقایسه قراردادهای قبلی و بخصوص قراردادهای که کشورهای همسایه عقد نموده اند، حدوداً پنجصد هزار دالر امریکایی تخمین گردیده است اما متأسفانه قراردادهای سرک‌های شهر کابل با قیمت نهایت گزاف و با کیفیت نهایت پایین عقد و تطبیق گردیده است.

۷. موجودیت نقاط فساد برانگیز در قراردادهای دولتی سبب شده تا هیچ شرکت داوطلب بدون همکاری اداره مربوطه و بدون پرداخت پول هنگفت به عنوان رشوت، برنده قرارداد دولتی نگردد.

مثال: سالهای قبل قرارداد انتقال حجاج افغانی به عربستان سعودی با تعداد از شرکت‌های خصوصی عقد گردیده بود نتایج تحقیقات واضح نمود که شرکت‌های برنده قرارداد، از جمله کسانی بودند که در مقابل هر فی نفر حاجی مبلغ مشخص پول به مسوولین وزارت مربوطه طور رشوت پرداخت نموده بودند و مسوولین وزارت نیز در مقابل دریافت پول رشوت زمینه سازی نموده بودند تا قرارداد انتقال حجاج کرام با شرکت‌های مذکور عقد گردد.

بناءً تازمانیکه راه حل‌های مناسب جهت از بین بردن نقاط فساد برانگیز در قراردادهای دولتی سنجیده نشود بدون شک بررسی، تحقیق و مجازات کارمندان و شرکت‌های مظنون در مبارزه با فساد اداری رول موثر و قاطع

نخواهند داشت، و اینکه راه حل‌های رفع نقاط فساد برانگیز در قرار دادهای دولتی چه بوده در ذیل طور فشرده توضیح می‌گردد.

۵.۱ چگونگی رفع نقاط فساد برانگیز در قراردادهای دولتی

به منظور ایجاد شفافیت در قراردادهای دولتی و جلوگیری از ضایع شدن میلیون‌ها دالر و افغانی پول بیت المال و ایجاد زمینه‌های واقعی رقابت میان شرکت‌های داوطلب و جلوگیری از فروش قراردادهای دولتی دست دوم و سوء و بخصوص بخاطر تطبیق درست مواد قرارداد در عمل لازم است تا قانون تدارکات با استفاده از تجارب بین المللی و شرایط عینی کشور بازنگری و موارد فساد برانگیز آن اصلاح تا از آغاز پروسه الی اتمام آن شفافیت موجود گردد ناگفته نباید گذاشت که ایجاد شفافیت در پروسه قراردادهای دولتی بعد تحقق شرایط ذیل امکان پذیر خواهد بود.

۱. پروسه قراردادها تا حد امکان الکترونیکی گردد، تا در اینصورت ارتباط مستقیم مامور تدارکاتی با داوطلب قطع و شفافیت بهتر ایجاد و جلوگیری از فساد برانگیز گرفته شود.

۲. توزیع شرطنامه و آفر واخذ دوباره آن و اعلان برنده قرارداد، تماماً" وسیله ایجاد سیستم کمپیوتری صورت گیرد و ارتباط مستقیم مامور با شرکت‌ها داوطلب جهت از بین بردن نقاط فساد برانگیز ممنوع و قطع گردد.

۳. قراردادهای تدارکاتی دولت باید از یک منبع کنترل، طی مراحل و عقد گردد، زیرا مداخلت هر اداره و وزارت خانه‌ها در پروسه قرار دادها

فساد را بوده است و به این منظور طوریکه قبلاً گفته شد قانون تدارکات کشور ایجاب تعدیل، اصلاح و بازنگری را مینماید.

۴. وظیفه نظارت از تطبیق پروژه‌ها، بجای مامور دولت به شرکت‌های متخصص خصوصی داده شود و مطابق قرارداد، شرکت‌های مذکور مکلف به نظارت دقیق از پروژه گردند و از آنها تضمین معتبر اخذ تا در صورت عدم نظارت دقیق از پروژه، خساره وارده را جبران نمایند.

۵. در پرداخت وجوه قرار داد به جانب قراردادی سهولت ایجاد گردد تا قراردادی بخاطر اخذ و دریافت وجوه متذکره مجبور به پرداخت رشوت به مامور دولت نگردد.

بخش ۶

فساد اداری و مشکلات غصب زمین‌ها و اراضی در افغانستان

غصب اراضی دولتی و شخصی یکی از چالش‌های عمده دیگر مردم عزیز افغانستان بوده که همواره از موجودیت آن رنج برده و نا توانایی حکومت را در خصوص جلوگیری از غصب و گرفتاری غاصبین انتقاد مینمایند،

غصب اراضی دولتی و شخصی در افغانستان دلایل و عوامل متعدد دارد که طور فشرده به چند عامل آن ذیلا اشاره مینمایم.

۱. در افغانستان بخاطر جلوگیری از غصب و مجازات غاصب حکم خاص قانونی وجود ندارد بناءً غاصبین از خلا و نبود قانون استفاده نموده بدون ترس به غصب اراضی اقدام مینمایند.

۲. ترتیب قبالة‌های تزویری و ثبت نمودن آن در محاکم و سایر ادارات از جانب غاصبین زمینه آنرا مساعد ساخته تا غاصبین ادعای مالکیت بالای اراضی دولتی نمایند و حل و فصل دعوی متذکره میان فرد و دولت از طریق ریاست قضایای دولت در محاکم به نسبت پروسه طولانی سالها را در بر میگیرد اما نتایج مثبت بدست نمی آید.

۳. غاصبین صدها جریب زمین را غصب و سپس یک قسمت زمین متذکره را به سایر ادارات دولتی توزیع و آنگاه چه تضمین وجود دارد که ادارات مسوول جلو غصب آنها را بگیرند.

۴. بنابر ضعف مدیریتی، شاروالی‌ها، وزارت زراعت و اداره مستقل اراضی نتوانسته اند، تا زمین‌های دولتی را دقیقاً تصفیه و در دیتابیس ثبت و استفاده و تقسیم لازم نمایند، که از همین خلا غاصبین نیز سوء استفاده نموده و به سهولت میتوانند در مقابل قبول منفعت مالی زمین‌های دولتی را به اسم خود ثبت و یا تصفیه نمایند.

۵. عدم اعمار و توزیع آپارتمانها و زمین‌های رهائشی سبب گردید تا قیمت زمین بلند رفته و توجه غاصبین را به غصب زمین جلب نمایند.

گرچه غصب اراضی از جانب افراد و اشخاص عادی جامعه، فساد اداری تعریف نشده است، ولی عدم تدوین قانون در مورد غصب اراضی، طولانی بودن پروسه محاکم جهت حل و فصل دعوی ملکیت‌ها و شراکت و همکاری کارمندان دولت با غاصبین و بالاخره ضعف مدیریتی مسوولین در خصوص موضوعات متذکره تماماً "مواردی است که میتوان به نحوه فساد اداری باشد، فلذا گفته میتوانیم همانگونه که موجودیت غصب اراضی سبب رشد و تشویق فساد اداری میگردد، به همان شکل، موجودیت فساد اداری سبب تقویت و گسترش غصب اراضی نیز میگردد، لذا بخاطر مبارزه با فساد اداری حل چالش‌های غصب اراضی لازم و حتمی به نظر می رسد، واینکه بخاطر رفع معضله غصب اراضی در کشور چه راهکارهای وجود دارد در ذیل توضیح خواهیم کرد.

۶.۱ راهکار رفع معضله غصب اراضی در افغانستان

در شرایط کنونی غصب زمین‌های دولتی از جانب افراد و اشخاص مختلف، یکی از چالش‌های عمده مردم افغانستان بوده که طبعاً قبل از حل معضله متذکره و از بین بردن نقاط فساد برانگیز آن نمی‌توان جلو فساد کارمندان دولت را در همکاری با غاصبین و عدم جلوگیری از غصب زمین‌ها گرفت بناً به باور بنده بخاطر رفع معضله متذکره میتوان در سه بخش ذیل تمرکز نمود.

۱. قانون مشخص بخاطر جلوگیری، استرداد و مبارزه با غصب اراضی، با پیشبینی مجازات غاصب و تذکر شکلیات استرداد اراضی، تدوین و وضع گردد.

۲. حکومت بخاطر جلوگیری از غصب اراضی تمام زمین‌های دولتی را ثبت دیتابیس و کمپیوتر نماید.

۳. تمام ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و نواحی مکلف شوند، تا لست اراضی غصب شده را ترتیب و غرض استرداد دوباره آن به مراجع مربوطه تقدیم نمایند.

۴. وزارت شهر سازی به همکار شاروالی‌ها در تمام ولایات مکلف گردند، تا پلان استفاده از زمین‌های دولتی را جهت اسکان مردم، کشت و زراعت و سایر موارد آماده و عملی نمایند تا به این شکل از غصب آن جلوگیری گردد.

بخش ۷

فساد اداری و مشکلات زرع، کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان

زرع، کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان یکی از مشکلات مهم دیگری مردم بوده، که از یکطرف با معتقدات دینی ما سازگار نبوده، و از جانبی هم ضرر آن در قدم نخست به خود افغانها بیشتر میرسد، و اکثر جوانان ما با استفاده از مواد مخدر معتاد و عضو غیر فعال جامعه و بار دوش فامیل و دولت گردیده اند، و از طرفی هم، کشت و زرع آن سبب بد نامی کشور در سطح جهان گردیده است، و این درحالیست که متأسفانه زمین داران بنابر ضعف اقتصادی مجبور به کشت مواد مخدر گردیده و منافع اصلی آنرا قاچاقچیان اصلی که مواد متذکره را به کشورهای خارجی انتقال میدهند بدست می آورند.

به هر حال کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر در افغانستان عوامل ملی و بین المللی متعدد داشته است، که ما در ذیل صرف از چند علت ملی داخلی یاد آور میشویم و از توضیح عوامل بین المللی بنابر نبود اطلاعات دقیق صرف نظر مینمایم.

در افغانستان مواد مخدر از دو نظر مشکل آفرین بوده ۱- کشت و زرع ۲- قاچاق آن به کشورهای دیگر که موجودیت هر کدام آن در افغانستان دلایل و عوامل مختلف دارد که طور جداگانه از چند نمونه آن ذکر میکنیم.

۷.۱ عوامل کشت و زرع مواد مخدر در افغانستان

احتمالاً "کشت و زرع مواد مخدر در افغانستان علل و عوامل مختلف دارد، لیکن مهم ترین و اساسی ترین عوامل آن قرار ذیل ذکر می گردد.

۱. نا امنی و موجودیت ساحات خارج از کنترل حکومت باعث گردیده، تا قاچاقچیان مواد مخدر طور سهل زمینداران را به کشت و زرع مواد مخدر تشویق و مجبور نمایند.

۲. عدم مساعد ساختن زمینه انتقال حاصلات زمینداران به مراکز ولایات و شهرها و کشورهای خارجی جهت فروش باعث گردیده تا حاصلات حلال و مشروع زمینداران فاسد واز بین برود واز تکرار کشت آن جلوگیری و به عوض مواد مخدر که بدون جنجال کشت و بازار فروش نیز دارد اقدام مینمایند.

۳. عدم ایجاد سردخانه ها و فابریکات پروسس میوه جات و گدام ها برای حاصلات مشروع زمینداران باعث گردیده تا بجای کشت حلال برعکس به کشت مواد مخدر اقدام نمایند.

۴. عدم کمک و همکاری دولت در جهت اعطای قرضه های بلاعوض به زمینداران باعث ضعف اقتصادی زمیندار گردیده و مجبوراً مواد مخدر را به مصرف کم و عاید زیاد کشت نمایند.

۵. نبود ظرفیت و برنامه جامع و منطقی وضعف اداره مسوولین نیز باعث گردیده تا جلو کشت و زرع مواد مخدر گرفته نشود.

فلهذا با توجه به دلایل فوق بخاطر مبارزه با مواد مخدر تشکیلات وسیع دولتی با مصارف گزاف فعالیت مینمایند اما با وجود آنهم متأسفانه جلو کشت و زرع مواد مخدر طور کلی وعام گرفته نشده است.

۷.۲ عوامل قاچاق مواد مخدر در افغانستان

علت کشت مواد مخدر در افغانستان اینست تا سالانه مقدار زیاد آن به کشورهای خارجی قاچاق گردد و بسیار واضح است که عاید اصلی از فروش مواد متذکره را قاچاقچیان اصلی و انتقال دهنده گان آن که طبعاً اکثر آن خارجی خواهند بود بدست میاورند، اما بد نامی و انتقاد آن بالای کشور ما باقی بوده، این درحالیست که هر یکی از ما افغانها میخواهیم تا لکه بدنامی کشت و قاچاق مواد مخدر از نام افغانستان دور گردد و جوانان ما منبع بجای استفاده از مواد مخدر مصروف تحصیلات و خدمت جهت انکشاف و شگوفایی وطن خویش باشند اما نقطه مهم را نباید فراموش کرد اینکه تا زمانی جلو قاچاق و انتقال مواد مخدر از افغانستان گرفته نشود طبعاً از کشت آن جلوگیری صورت گرفته نمیتواند، زیرا اگر انتقال مواد مخدر از افغانستان به کشورهای خارجی سهل باشد، قاچاقچیان، زمینداران را به انواع و اشکال مختلف چه تشویقی یا فشار، وادار خواهند کرد، تا مواد مخدر را کشت نمایند و در ضمن قاچاقچیان در نا امن ساختن ساحات از طریق تمویل ترویزم کمک خواهند کرد تا بستر آرام جهت کشت مواد مخدر ایجاد نمایند اما اگر سرحدات کشور جدی کنترول گردد و قاچاقچیان اصلی

دستگیر و با وضع قیودات جدی از انتقال مواد مخدر به کشورهای خارجی ممانعت صورت گیرد طبعاً قاچاقچی توجه خویش را نسبت به نا امن کردن ساحات و تمویل تروریزم و کشت مواد مخدر نخواهد کرد.

بناءً جلوگیری از قاچاق مواد مخدر نسبت به جلوگیری از کشت مواد مخدر کم مصرف و سهل و مهم بوده و اینکه روی چه انگیزه و عوامل جلو قاچاق آن گرفته نمیشود، دلایل مختلف دارد که از چند نمونه آن در ذیل طور خلاصه ذکر می‌نمایم.

۱. اکثر انتقاد موجود است که بجای قاچاقچی اصلی زمیندار، معتاد و پرچون فروش مواد مخدر، گرفتار و محاکمه میگردد بناءً بدون شک در چنین حالت مبارزه با همچو جرایم ناممکن خواهد بود.

۲. اگر وکلای پارلمان و مقامات دولتی خود به قاچاق مواد مخدر اقدام و یا از قاچاقچیان حمایت نمایند و بالای شان قانون تطبیق نگردد بازهم توقع مبارزه با مواد مخدر امکان پذیر نیست.

۳. سرحدات افغانستان متأسفانه طور جدی کنترول نمیگردد که در اینحالت طبعاً جلو قاچاق مواد مخدر گرفته نخواهد شد.

۴. اگر افراد مسلکی و وسایل مدرن جهت کشف فاعلین اصلی جرایم در ادارات جابجا نگردد بدون شک با قاچاق مواد مخدر مبارزه ناممکن خواهد بود.

۵. اگر کارمندان مبارزه با قاچاق مواد مخدر حمایت و تشویق نگردند و مصونیت وظیفوی آنها تامین نگردد بدون شک قاچاق مواد مخدر کاهش نخواهد یافت.

بنأ گفته می‌توانیم که عدم داشتن برنامه و عدم توانایی تطبیق برنامه جهت جلوگیری از کشت و زرع مواد مخدر و همچنین عدم تطبیق قانون و عدم توانایی کشف فاعلین اصلی قاچاق مواد مخدر خود فساد اداری بوده بنأ موجودیت فساد اداری سبب رشد جرایم مواد مخدر تلقی می‌گردد.

فلهذا با توجه به جریان فوق مبارزه با فساد اداری جهت کاهش واز بین بردن جرایم مواد مخدر اثر گذار بوده است، چنانچه اگر ادارات مسوول دولتی ووظایف خویش را به وجه احسن طبق برنامه منظم با مدیریت قوی و پشت کار طور صادقانه انجام دهند، به طور سهل میتوان از کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر هم جلوگیری و هم مبارزه قاطع و موثر کرد، واینکه حکومت افغانستان از چه راهکار میتواند با چنین پدیده خطرناک مبارزه کرد در ذیل طور فشرده توضیح خواهند گردید.

۷.۳ چگونگی حل معضله کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر در

افغانستان

جلوگیری و حل مشکل کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان مستقیماً بستگی به میزان موجودیت فساد اداری دارد، چنانچه در موجودیت اداره مسلکی و فعال و عاری از هر نوع فساد میتوان با پدیده متذکره در دو مورد متمرکز و اقدامات لازم جهت جلوگیری و مبارزه آن اتخاذ گردد.

اولاً: بخاطر جلوگیری از کشت و زرع مواد مخدر لازم است تا حکومت، برنامه کامل و همه جانبه مطابق شرایط عینی کشور و بادنظر داشت عوامل که فوقاً بیان گردید، طوری تدوین نمایند که در برنامه متذکره چگونگی تعیین شرایط قانونی شدن کشت مواد مخدر، زمینه سازی برای ایجاد کشت

بدیل، تدارک قرضه‌های کوچک و بزرگ طویل‌المدت به زمینداران، مساعدت تخم‌های بذری و وسایل به زمینداران، حمایت زمینداران در مقابل فشار قاچاقچیان و نا امنی، ایجاد فابریکات و سردخانه‌ها جهت نگهداری و انتقال حاصلات و سایر شرایط ضروری در نظر گرفته شود.

و همچنین از اینکه ایجاد برنامه منظم و تطبیق آن ضرورت به کادر مسلکی، صادق، جوان و با انرژی دارد لذا، لازم به نظر میرسد، تا حکومت افغانستان در استخدام کارمندان در بخش‌های مربوطه تجدید نظر نماید در غیر آن با داشتن اداره فاسد و کارمندان غیر مسلکی نمی‌توان جلوگیری و زرع مواد مخدر را گرفت.

ثانیا: به منظور جلوگیری و مبارزه با قاچاق مواد مخدر در افغانستان، ایجاب میکند تا ادارات مربوطه عدلی و قضایی اقدامات ذیل را انجام دهند.

۱. بجای دستگیری معتاد، پرچون فروش و زمیندار، بیشتر کوشش به شناسایی و گرفتاری قاچاقچیان اصلی مواد مخدر گردد.

۲. قانون بالای همه گان طور یکسان تطبیق و از مداخله مقامات دولتی در خصوص حمایت قاچاقچیان جداً جلوگیری بعمل آید.

۳. سرحدات افغانستان جداً تحت کنترل قرار داده شود تا از قاچاق مواد مخدر جلوگیری بعمل آید.

۴. افراد مسلکی و وسایل مدرن جهت کشف فاعلین اصلی جرایم مواد مخدر در سرحدات و ادارات مربوطه جابجا گردد.

۵. مصونیت وظيفوی کارمندان مبارزه با مواد مخدر تامین و اجراآت شان در قبال قاچاقچیان حمایت و تشویق گردند.

۶. حسابات بانکی و معاملات صرافی‌ها، معاملات بزرگ خرید و فروش مردم، جداً نظارت گردد تا از طریق تثبیت وجوه سیاه که از فروش و قاچاق

مواد مخدر بدست آمده، فاعلین اصلی جرایم مواد مخدر کشف و دستگیر گردد.

۷. میان ادارات عدلی و قضایی در خصوص جلوگیری و مبارزه با جرایم مواد مخدر هماهنگی و همکاری تنکاتنک بمیان آید.

۸. کارکنان ادارات متذکره جهت ارتقا و بلند بردن ظرفیت تحصیلی، مسلکی و کاری شان به کشورهای خارجی اعزام و یا کورس های دوامدار مسلکی در داخل کشور برایشان تدویر گردد.

با توجه به جریان فوق نتیجه گرفته میشود ، اینکه اگر نقاط فساد برانگیز در ادارات دولتی از بین برده شود، با تطبیق موارد اصلاحی فوق الذکر نه تنها با فساد اداری مبارزه میگردد بلکه جرایم مواد مخدر نیز کاهش وبالاخره محوه خواهند گردید.

بخش ۸

فساد اداری و مشکلات نبود امنیت (ناامنی)

یکی از عمده ترین مشکلات مردم عزیز ما نبود امنیت سرتاسری در کشور است که تأثیرات سو و مستقیم در تمام ابعاد زنده گی ما وارد کرده است. وبه همان شکلی که نبود امنیت در گسترش فساد اداری موثر است به همانگونه موجودیت فساد اداری در ایجاد نا امنی موثر تلقی میگردد.

۸.۱ تأثیرات نا امنی در گسترش فساد اداری

یکی از عوامل رشد فساد اداری نبود امنیت سرتاسری در کشور است چنانچه در ساحات نا امن تطبیق قانون مشکل بوده لذا کارمندان دولت ضمن اینکه در اجرای وظایف واریه خدمات عامه اهمال میکنند برعلاوه جرایم فساد اداری نیز بیشتر ارتکاب میابد چنانچه بخاطر اثبات ادعای خویش در ذیل از مثال عینی در زمینه یاد آور میشوم.

مثال: چند سال قبل هیات مختلط متشکل از نماینده خارنوالی و امنیت ملی به منظور بررسی قضیه اختلاس به ولایت بادغیس اعزام گردیدیم در

ختم تحقیقات چون دلایل موثق و موجه مبنی بر اثبات جرم تعداد کثیری از کارمندان ولایت ثابت گردیده بود لذا ایجاب میکرد تا مظنونین توقیف گردد اما وضعیت امنیتی ولایت مطمئن نبود و در چند کیلومتری مرکز ولایت مخالفین مسلح دولت که طبعاً روابط خویشاوندی با یکتعداد مظنونین قضیه نیز داشتند آماده حمله بالای مرکز شهر بادغیس بودند لذا مظنونین با خاطر آرام پول دولت را حیف و میل و از عدم تطبیق قانون بالای خودشان به نسبت نبود امنیت خیال راحت داشتند، زمانی که ما شرایط امنیتی را نادیده گرفته و خواستیم وظیفه خویش را که تطبیق قانون بود عملی و مظنونین را توقیف کردیم، مایان با انواع و اقسام مشکلات امنیتی مواجه گردیده و با نهایت عجله از ولایت خارج گردیدیم، بعد یکی دو روز بخاطر جلوگیری از نا امنی بیشتر در ساحه، حکومت تصمیم گرفت تا سایر مظنونین را رها نمایند.

بناءً از مثال زنده فوق الذکر اثبات میگردد که نبود امنیت و موجودیت ساحات خارج از کنترول حکومت باعث میگردد تا قانون تطبیق نگردد و هر شخص با خیال آرام بدون خوف از مجازات به انواع و اقسام جرایم و فساد اقدام نمایند.

۸.۲ تاثیرات فساد اداری در گسترش نا امنی

نباید فراموش کرد که اکثراً موجودیت فساد اداری و عدم تطبیق قانون نیز باعث ایجاد نا امنی در کشور میگردد چنانچه میتوان در ذیل از مثالهای عینی ذیلا یاد آور کردیم.

۱. سالهای قبل قوماندان سرحدی یکی از ولایات، پول اکرامیه سربازان را بجای اینکه به ورثه شهدا تسلیم نمایند برعکس به اختلاس آن اقدام نمودند، که چنین عملکرد بالایی روحیه سایر سربازان تأثیرات منفی وارد نموده بود، بناءً در همچو حالت سربازان روی چه انگیزه جان‌های شریں خویش را بخاطر دفاع از وطن فدا نمایند. که طبعاً "موجودیت فساد اداری روحیه سربازان را از بین برده و در نا امنی بیشتر سرحدات اثرات عینی وارد مینماید.

۲. همچنان قوماندانی مذکور تعداد ارقام سربازان در سرحدات را به مرکز خلاف واقعیت بخاطر اختلاس پول معاشات آنها بیشتر گزارش داده بود، پس در چنین حالت که کمیت نیروهای امنیتی در سرحدات کمتر از حد حقیقی باشد چگونه امکان تامین امنیت در سرحدات امکان پذیر خواهد بود

۳. اگر به اثر ضعف اداره معاشات سربازان در موقع پرداخت نگردد و موضوع باعث فرار سرباز از ساحه جنگ گردد چه تضمین بخاطر تامین امنیت و حفاظت تمامیت ارضی وجود خواهد داشت.

۴. اگر وزارت داخله و یا وزارت دفاع ملی بنابر ملحوظات فساد اداری قرارداد روغنیات خویش را در موقع معین عقد ننمایند پس چه توقع خواهیم داشت تا وسایط نظامی بخاطر تامین امنیت سرحدات فعالیت نمایند.

۵. اگر وزارت داخله و دفاع ملی بخاطر سربازان خویش با قیمت بلند بوت‌های بی کیفیت خریداری نمایند پس چگونه امکان دارد که سرباز با بوت‌های فرسوده با دشمن جنگ نماید.

۶. اگر پولیس با سارقین و اختطاف چیان و سایر مجرمین شریک باشد و یا در مقابل رشوه آنها را دستگیر ننمایند پس چه گونه امنیت شهرها و مسکن مردم تامین گردد.

۷. اگر کار به اهل آن سپرده نشود بدون شک سوق و اداره مسلکی موجود نمیباشد و نهایتاً با وجود مصرف منابع نمیتوانیم با شبکه‌های مخالف حکومت مجادله و تامین امنیت نمایم.

بناءً با توجه به چند مثال محدود عینی فوق الذکر میتوان گفت همانطوریکه فساد اداری یکی از مهمترین عامل ناامنی در کشور تلقی میگردد به همان شکل ناامنی هم یکی از عوامل رشد و گسترش جرایم فساد اداری در کشور محسوب میگردد که باید تدابیر لازم جهت رفع مشکلات متذکره اتخاذ گردد.

۸.۳ تدابیر اصلاح و مبارزه با فساد در سکتور امنیتی

شاید راه حل‌های متعدد جهت اصلاح و مبارزه با فساد اداری در سکتور امنیتی کشور موجود باشد اما به باور بنده اساساً "موجودیت ساحات خارج از حاکمیت دولتی و بخصوص مناطق که امنیت در آن موجود نباشد، تطبیق قانون و مبارزه با فساد اداری محال و ناممکن بوده، ولی نباید فراموش کرد که موجودیت فساد اداری در ساحات تحت حاکمیت و امن کشور سبب میگردد تا ناامنی در ساحات خارج از حاکمیت نیز دوام نموده و حتی مرض ناامنی به تمام قسمت‌های امن کشور سرایت کند.

چنانچه واضح است، سکتور امنیتی کشور دچار چالش‌های مختلف و متعدد بوده که طور خلاصه در فوق بیان گردید، اما موجودیت فساد اداری در ارگانهای امنیتی باعث می‌گردد تا از امکانات مالی، تخنیکی و بشری موجوده استفاده بهتر و بیشتر صورت گرفته نتواند و به همین دلیل وضعیت امنیتی کشور با گذشت هر روز بحرانی می‌گردد.

بناء بخاطر تامین امنیت سراسری کشور، مباره با انواع جرایم فساد اداری در تمام بخش‌های سکتور امنیتی، امر ضروری و لازمی به نظر می‌رسد. همانگونه که گفته شد تامین امنیت زمانی امکان پذیر خواهند بود که افغانستان یک نظام امنیتی عاری از فساد، متخصص، مسلکی، صادق و وطن دوست داشته باشد و ایجاد همچو یک نظام امنیتی زمانی امکان پذیر خواهد بود که اولاً "کار به اهل آن سپرده شود تا از ضعف اداره، عدم توانایی و ظرفیت در سکتور امنیتی جلوگیری و بالاخره از امکانات، وسایل و منابع بشری موجود استفاده معقول و مسلکی بعمل آمده بتواند، ثانیاً "سکتور امنیتی بجای مداخله در امور تدارکاتی و قرار داده‌ها که خود باعث ایجاد زمینه‌های فساد برانگیز بوده، به وظایف اصلی که تطبیق قانون و تامین امنیت می باشد اقدام نمایند، و طوریکه قبلاً" بیان گردید انسجام و طی مراحل امور تدارکاتی تمام ادارات دولتی از منبع واحد طی مراحل، کنترل و نظارت گردد.

ثالثاً "اگر احیاناً" باوجود سپردن کار به اهل آن و جلوگیری از مداخله سکتور امنیتی در امور تدارکاتی بازهم موظفین مربوطه ادارات امنیتی، به ارتکاب جرایم فساد اداری که شامل رشوت، اختلاس، تزویر و سایر موارد

می‌گردد، مبادرت ورزند، در اینحالت یگانه راه حل اصلاحی تطبیق سیستم مکافات و مجازات بوده است چنانچه افسران و کارمندان لایق، وطن دوست، با دست آورد صادق، تشویق، و مصونیت وظیفوی شان تضمین و به بست ورتبه‌های بلند ارتقاء داده شوند، اما آن‌عه کارمندانیکه مرتکب جرایم فساد اداری می‌گردند بهتر است به اثر کشف، تحقیق، محاکمه، تطبیق قانون و مجازات بالای مفسدین اقدام تا در سکتور مذکور با فساد اداری مبارزه جدی و همه جانبه صورت گرفته ونهایتاً "سبب ایجاد امنیت سراسری در کشور گردد.

بخش ۹

فساد اداری ناشی از مشکلات نظام بانکداری افغانستان

بانک‌ها در تمام کشورها حیثیت قلب در جامعه را دارد چنانچه سرمایه‌های را کد را از خانه‌های مردم جمع آوری و دوباره به سرمایه داران و تاجران طور قرضه در مقابل مفاد توزیع و تاجران نیز بوسیله پول‌های متذکره با ایجاد فابریکات و تاسیسات زیربنایی در رشد و توسعه اقتصادی کشور رول و اهمیت بسزای را ایفا می‌کنند، اما متأسفانه در افغانستان در ضمن اینکه بانکداری تا هنوز مانند سایر کشورها رشد نکرده و نتوانسته تا اعتماد مردم را صد فیصد جلب نمایند و در تبدیل فرهنگ استفاده کریدت کارت‌ها بعوض پول فزیکتی ناکام بوده و از طرفی هم موضوع بحران مالی کابل‌بانک به مردم نشان داد که دولت بالای بانکها کنترول لازم نداشته و بانکها با نهایت بی امانتی پول‌هایشان را اختلاس و بدبختانه به نفع خودشان در کشورهای خارجی مانند امارات متحده عرب سرمایه گذاری کردند و تحمل پرداخت ضرر آنرا نیز دولت بدوش گرفت که طبعاً متضررین اصلی ملت افغانستان محسوب می‌گردد.

بناءً ناتوانایی حکومت در خصوص ایجاد نظام بانکداری منظم معیاری وعدم کنترل دولت بالای اجراءات بانک‌ها نیز از مشکلات عمده مردم بوده و باعث گردیده تا سرمایه‌گذاری رشد نکرده و پول‌های مردم یا راكد در خانه‌ها نگهداری گردد و یا هم بیرون از کشور طور قاچاق انتقال و نهایتاً فرار سرمایه را بمیان آورد.

احتمالاً "بانک‌ها در افغانستان مشکلات فراوان دارد اما در ذیل از یکتعداد نواقص آنها یاد آور میشویم:

۱. بانک‌ها بخاطر جلوگیری از جرایم تطهیر پول مکلف هستند تا مطابق معیارات جهانی و قانونی از افتتاح حسابات بانکی به اسم افراد مجهول الهویت امتناع نمایند اما در نتیجه بررسی قضیه بحران کابل‌بانک ثابت گردید که اکثر حسابات بانکی اسمی افراد مجهول الهویت افتتاح گردیده بود، بناءً موجودیت فساد در بانک‌ها وضعف کنترل حکومت یکی از مشکلات عمده میباشد.

۲. بانک‌ها در حفاظت وجوه مشتریان باید امانت دار باشند و دافغانستان بانک باید از بانک‌ها ضمانت معتبر مالی اخذ نمایند اما قضیه بحران مالی کابل‌بانک معکوس موضوع را نشان داد.

۳. سهامداران بانک‌ها حق ندارند تا وجوه مشتریان را بیشتر از مقدار قانونی برای خودشان طور قرضه اخذ نمایند ولی چه تضمین وجود دارد که در افغانستان بانک‌ها و سهامداران مانند کابل‌بانک وجوه مشتریان را خود اخذ نمایند.

۴. اجرای قروض از جانب بانکها به شرکتها باید بعد از ملاحظه سوابق شرکتها، توانایی مالی، استتمنت بانکی، پروژهها تحت اجرا، سرمایه و تاسیسات شرکتها و سایر موارد ضروری آنها در مقابل تضمین معتبر بیع جایزی حداقل معادل وجه قرضه باید پرداخت گردد اما متأسفانه قضیه بحران مالی کابل بانک و قضیه اجرای قروض پشتنی بانک ثابت نمود که بانکهای متذکره معیارات متذکره را طور واقعی در نظر نگرفته بود لذا بانکها در وضعیت حساس مالی قرار گرفته و حصول دوباره وجوه قروض را مشکل و حتی ناممکن گردانیده اند.

۵. مطابق قانون بانکداری، بانکها نمی توانند تا در بخشهای ساختمانی و شرکتهای هوایی سرمایه گذاری نمایند در حالیکه کابل بانک شرکت هوایی پامیر را خریداری و در بخشهای ساختمانی در امارات متحده عرب نیز سرمایه گذاری هنگفت نموده بودند و فعلاً هم تصور مردم اینست که یکتعداد بانکها از وجوه مشتریان طور مستقیم یا غیر مستقیم در اعمار بلند منزلها سرمایه گذاری نموده است

۶. دولت و بانکها تا فعلاً نتوانسته که فرهنگ استفاده کريدت کارتها را بجای استفاده پول فزیکي مروج سازند که استفاده پول فزیکي در کشور باعث گردیده تا ردیابی منشاء و مدرک وجوه سیاه ناممکن و مشکل گردد.

۷. دافغانستان بانک مکلف است مطابق معیارات جهانی و حکم قانون تطهیر پول تمام معاملات اتباع کشور را از طریق رهنمای معاملات، صرافی، دفاتر وکلای مدافع، بانکها، موثر فروشیها و سایر مراجع، تحت کنترل، ارزیابی و تحلیل قرار دهد اما متأسفانه بنابر ضعف تا فعلاً معاملات

مالی اتباع به جز از بانکها در سایر بخش‌ها تحت کنترل دولت قرار ندارد که خود بخاطر پولشویی و ارتکاب جرایم فساد اداری زمینه‌های فراوان مساعد گردیده است.

۸. در اکثر بخش‌های افغانستان امروز بر علاوه پول افغانی اسعار خارجی نیز چلش و رواج داشته است که جدا "نه تنها حاکمیت دولتی را تحت سوال قرار میدهد، بلکه مدیریت ضعیف و اهمال دافغانستان بانک را ثابت می‌سازد.

به هر صورت ضعف بانکها و حکومت باعث رشد و عدم جلوگیری فساد اداری و پولشویی گردیده که صدمه شدید به نظام اقتصادی کشور وارد مینماید لذا اصلاح و کنترل نظام بانکداری افغانستان یکی از اولویتهای جلوگیری و مبارزه با فساد اداری دانسته میشود.

۹.۱ راهکارهای اصلاح نظام بانکداری افغانستان

اصلاح نظام بانکداری در رشد اقتصادی کشور، جلوگیری و مبارزه با جرایم تطهیر پول و فساد اداری نهایت مهم و ارزنده تلقی میگردد. د افغانستان بانک من حیث مکلفیت و وظیفوی بخاطر اصلاح نظام بانکداری باید احکام قوانین و مقررات نافذه بانکداری را بالای سایر بانکها تعمیل و الی معیاری شدن اجراآت بانکها، از تطبیق قوانین مذکور در بانکها کنترل و نظارت جدی و متواتر انجام دهند. علاوه بر آن د افغانستان بانک بخاطر جلوگیری و مبارزه با جرایم فساد و تطهیر پول اقدامات ذیل را روی دست گیرد.

۱. چلش و استفاده اسعار خارجی در بازارهای افغانستان ممنوع و جرم دانسته شود.
۲. در معاملات بزرگ خرید و فروش، انتقال وجوه طور الکترونیکی از طریق بانکها توصیه گردد و استفاده پول نقد و فیزیکی در معاملات بزرگ خرید و فروش بخاطر رد یابی منشاء آن، ممنوع و جرم دانسته شود و هیچ محکمه به اجرای قباله بدون ارایه استتمنت و آویز بانکی اقدام ننمایند.
۳. مطابق قانون مبارزه با تطهیر پول و طبق معیارات جهانی، رهنمای معاملات، موثر فروشی، دفاتر وکلای مدافع، صرافی، شاروالی و سایر مراجع مربوطه مکلف گردند تا به سیستم کمپیوتر و انترنت وصل گردیده و تمام راپورهای معاملات بزرگ مالی اشخاص را به واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک جهت تثبیت ورد یابی منشاء آن فوراً و آنال ارسال نمایند. و تازمانیکه مراجع فوق الذکر به سیستم کمپیوتری مجهز و آماده همکاری جهت ارسال راپور معاملات به واحد استخبارات مالی نگردیده باشد جواز فعالیت آنها از جانب دولت در حالت تعلیق قرار داده شود
۴. پولیس از طریق سیستم الکترونیکی با بانکها و صرافی ها طوری ارتباط داده شوند که به مجرد ورود اتباع خارجی به افغانستان پولیس تاریخ ورود، مدت اقامت، مقدار پول اتباع خارجی را درج سیستم نماید. صرافی و بانکها نیز مکلف دانسته شوند که مقدار و تاریخ تبادل اسعار اتباع خارجی را به رویت پاسپورت درج سیستم متذکره نمایند.

موجودیت هماهنگی و ارتباط میان پولیس و بانکها و صرافیها باعث میگردد تا وجوه سیاه و سفید ردیابی و از ارتکاب جرایم و اقامت غیر قانونی اتباع خارجی جلوگیری بعمل آید.

به هر حال اصلاح و مبارزه با فساد در نظام بانکداری افغانستان باعث خواهند گردید تا از یکطرف اقتصاد کشور رشد نماید و از طرف دیگر وجوه سیاه و غیر مشروع ردیابی و نهایتاً به دلیل ردیابی وجوه غیر قانونی جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری و سایر جرایم گرفته خواهند شد.

بخش ۱۰ مشکلات و فساد در گمرکات افغانستان

گمرکات یگانه مرجع مهم عایداتی کشور تلقی می گردد لیکن متأسفانه اکثر مالیات و عواید دولت زمانی در گمرکات ضایع میگردد که اموال تاجران به نام اموال قوای خارجی بدون پرداخت محصول وارد کشور گردد که چنین امر نه تنها عواید دولت را متضرر میسازد بلکه ایجاد رقابت ناسالم در بازار و نهایتاً ورشکست تاجران واقعی را سبب خواهند گردید، به این معنی که اگر یک تاجر اموال را بدون پرداخت محصول و یا با پرداخت محصول کم وارد کند و عین جنس را تاجر دیگر با پرداخت محصول گزاف وارد نماید، طبعاً رقابت ناسالم ایجاد شده و تاجر واقعی که تکس و مالیات پرداخت میکند به دلیل بلند بودن جنس وارداتی ورشکست و بازار کشور به دست مافیای اقتصادی قرار خواهند گرفت.

گمرکات افغانستان سیاست غیر موثر اخذ محصولی را تطبیق مینماید چنانچه در مورد ورود اموال واجناس خارجی که امکانات تولید عین جنس در داخل کشور موجود باشد محصول نهایت ناچیز اخذ مینماید در زمینه میتوان ذیلاً از مثالهای عینی ذکر بعمل آورد.

مثال‌ها:

۱. شرکت و فابریکه تولیدی بوت‌های عسکری با ماشین آلات و وسایل مدرن در منطقه دسپیچری کابل موقعیت و فعالیت دارد، تولیدات شرکت متذکره نسبت به اجناس خارجی از کیفیت نهایت بهتر برخوردار بوده، اما شرکت متذکره زمانی که در داوطلبی قراردادهای وزارت دفاع ویا داخله اشتراک میکند، بنابر دلایل چون بلند بودن قیمت بوت عسکری برنده قرارداد شناخته نمیشود، برعکس برنده قرارداد شرکت‌های دانسته میشود که اجناس متذکره را از کشور چین با قیمت نازلتر وارد میکنند و نهایتاً فابریکات تاجر افغانی ورشکست و سقوط نموده، در نتیجه به هزارها نفر کارگر فابریکات، بیکار و بار دوش جامعه میگردند.

۲. ساخت بطری موتر و سوچ و ساکت برق نیز مانند سایر اجناس از جمله تولیدات داخلی است که متأسفانه به نسبت اینکه عین جنس تولیدات خارجی با پرداخت محصول کمتر و قیمت ارزان به کشور وارد میگردد لذا در بازار بیشتر رقابت کرده نمیتواند و فابریکات آنها به ورشکست مواجه خواهند گردید

نباید فراموش کرد که خروج غیر قانونی اموال و اجناس وارداتی از گمرکات بدون پرداخت محصول گمرکی طور قاچاق ویا با پرداخت محصول گمرکی کمتر از حد معین یکی از مشکلات دیگری مردم عزیز کشور بوده که تاثیرات سو آن به تمام ابعاد زنده گی مردم وارد میگردد.

بخاطر اثبات ادعای خویش میتوان از خروج اموال شرکت‌های مخابراتی از گمرک میدان هوایی کابل با اسناد تزویری نام برد که به میلیون‌ها افغانی

به خزانه و عواید دولت ضرر وارد نموده اند و فعلاً قضیه متذکره سیر محاکماتی خویش را طی مینماید.

بناءً ایجاد اصلاحات در گمرکات نیاز مبرم مردم جهت افزایش عواید دولت و جلوگیری از فساد اداری بوده، که چگونگی اصلاح و رفع مشکلات در سکتور متذکره ذیلاً توضیح می گردد.

۱۰.۱ راهکارهای اصلاح گمرکات افغانستان

اموال قوت‌های خارجی مستقر در افغانستان به اساس قرارداد MTA و SOFA که میان دولت افغانستان و قوت‌های خارجی انعقاد گردیده، بدون پرداخت محصول گمرکی وارد کشور میشود که یکتعداد شرکت‌های فرییکارنیز به نام قراردادی دست اول و دوم قوت‌های خارجی اموال خویش را بدون پرداخت محصول گمرکی وارد و از درک آن میلیون‌ها دالر به عواید دولتی ضرر وارد می‌گردد.

چون قراردادهای متذکره از جانب شورای ملی افغانستان تائید و تصویب نگردیده است، بناءً ایجاب مینماید تا مواد قرارداد متذکره بازنگری و نقاط فساد برانگیز آن اصلاح و بعد از تائیدی و تصویب شورای ملی به تطبیق آن در گمرکات اقدام گردد.

همچنان تولیدات و صنایع داخلی بدون حمایت دولت رشد و در بازار رقابت کرده نمی‌تواند، لذا گمرکات بخاطر حمایت صنایع و تولیدات داخلی باید در مورد ورود اموال واجناس خارجی که امکانات تولید عین جنس در داخل کشور موجود باشد محصول صد فیصد وضع و اخذ نمایند.

گمرکات افغانستان به منظور جلوگیری از خروج غیر قانونی وبدون پرداخت محصول گمرکی اموال، سیستم الکترونیکی اسیکودا را نصب وتطبیق نموده، که بمجرد ثبت اموال در سیستم متذکره خروج آن بدون پرداخت محصول امکان پذیر نمی باشد، اما بررسی قضایای مختلف در ادارات ثابت نموده که اکثراً "اموال تجارتي داخل گمرکات افغانستان میگردد ولی بدون ثبت در سیستم اسیکودا بنابر سازش مسوولین گمرک وتاجر، اموال متذکره بدون پرداخت محصول گمرکی در اوقات غیر رسمی خارج میگردد.

بخاطر جلوگیری از خروج غیر قانونی وبدون پرداخت اموال از گمرکات، طبق تجربه کشورهای جهان مراتب ذیل عملی ورعايت گردد.

۱. کارکنان گمرکات با دقت بیشتر از جمله افراد شایسته، صادق وتحصیلکرده استخدام شوند.

۲. امتیازات ومعاشات کارکنان گمرکات باید کافی ومتناسب به ضروریات شان تعیین وپرداخت شود تا در اینصورت از سازش وفساد کارمندان با تاجر جلوگیری بعمل آید.

۳. ادارات کشفی، کنترول ونظارت بر کارکنان و خروج اموال از گمرکات وسرحدات کشور را بیشتر سازند.

۴. دروازه های دخولی وخروجی گمرکات مانند سایر کشورها برقی وبا سیستم الکترونیکی وصول گردد تا از باز شدن دروازه متذکره در اوقات غیر رسمی ودر حالات غیر ضروری بخاطر ورود وخروج غیر قانونی اموال، جلوگیری گردد.

بنأ با توجه به مطالب فوق شاید راه حل های اصلاحی متعدد وموثر در خصوص رفع مشکلات ومبارزه با فساد در گمرکات موجود باشد، اما به عقیده بنده آنچه مهم است اینکه باید در گمرکات کشور نقاط فساد

برانگیز شناسایی وجهت رفع نقاط متذکره راه حل های مناسب جستجو و عملی گردد و از جانبی هم گمرکات تا حد امکان جهت جلوگیری از فساد اداری به سیستم الکترونیکی وصل ساخته شود و علاوه بر آن، ادارات کشفی و تحقیقی در کشف و مجازات کارمندان مفسد گمرکات اقدامات جدی را مرعی تا از ارتکاب جرایم فساد اداری و سازش میان مسولین گمرک و تاجران جهت فرار از پرداخت محصول دولتی بخاطر منافع شخصی جلوگیری بعمل آید.

بخش ۱۱

مشکلات و فساد در ادارات مالیاتی افغانستان

تثبیت و جمع آوری مالیات یکی از منابع بزرگ عایداتی کشور بوده است که عدم توجه به بخش متذکره باعث تضعیف بودجه دولتی و کاهش رفاه عمومی خواهند گردید، نبود سیستم الکترونیکی و عدم کنترول جدی حکومت و موجودیت فساد اداری در ادارات مالیاتی باعث گردیده تا در تثبیت و جمع آوری مالیات شفافیت لازم موجود نباشد. عموماً "مشکلات و نواقص ادارات مالیاتی افغانستان در دو بخش ذیل مشاهده میگردد:

۱۱.۱ نواقص در سیستم تثبیت مقدار مالیات

اکثراً "مشاهده گردیده که شرکتهای تجارتی و سایر تشبثات خصوصی فعالیت های تجارتی خویش را به همکاری ادارات مالیاتی کتمان نموده و از پرداخت مبالغ هنگفت مالیات به دولت فرار مینمایند. مطابق حکم قانون مالیات بر عایدات، پروسیجر تثبیت مقدار مالیات در افغانستان طوری است که نخست مؤدی در فورم اظهار نامه تمام

فعالیت‌های یکساله خویش را درج و به اداره مالیاتی معلومات می دهد و سپس اداره مالیاتی با توظیف واعزام هیات به شرکت‌ها و دفاتر مؤدیان، تمام اسناد آنها را بررسی و با فورم اظهارنامه ای شان مقایسه و در نتیجه از مجموع فعالیت سالانه آنها مقدار ۲۰٪ مالیات دولت تثبیت میگردد.

اما متأسفانه در عمل دیده شده است که از یکطرف، مؤدیان در فورم اظهار نامه فعالیت‌های خویش را جهت فرار از پرداخت مالیات کتمان و درج فورم نمی نمایند.

و از طرفی دیگر، هیات‌های ادارات مالیاتی بنابر دو دلیل ذیل فعالیت‌های واقعی سالانه مؤدیان را تثبیت کرده نمی توانند.

اول: ادارات مالیاتی بخاطر ثبت فعالیت‌های مؤدیان سیستم منظم الکترونیکی نداشته است، لذا دولت قطعاً از فعالیت‌های واقعی مؤدیان آگاهی حاصل کرده نمی توانند که در اینحالت بدون شک دریافت و تثبیت فعالیت واقعی سالانه مؤدیان مشکل و حتی ناممکن خواهد بود.

دوم: هیات‌های مالیاتی که به دفاتر مؤدیان جهت تثبیت فعالیت واقعی و مقایسه آن با فورم اظهارنامه مودی مراجعه مینمایند به دلیل داشتن صلاحیت‌های وسیع می توانند در بدل دریافت منافع مالی با مودی سازش نموده و نتایج بررسی اسناد فعالیت مودیان را خلاف واقعیت طبق فورم اظهارنامه به اداره مالیاتی گزارش ونهایتاً عواید دولت ضایع گردد.

بنا "بخاطر اثبات ادعای خویش مبنی بر موجودیت نواقص در تثبیت مقدار مالیات میتوان از مثال ذیل تذکر نمود.

مثال: بارها مشاهده گردیده که یکتعداد شرکت‌ها در پروسه داوطلبی قراردادهای وزارت خانه‌های مختلف اشتراک نموده و طبق شرایط شرطنامه، اسناد فعالیت‌های قبلی خویش را ارایه نموده و برنده مجلس آفرگشایی گردیده اند. اما زمانی که در مورد فعالیت و عدم فعالیت قبلی آنها از ادارات مالیاتی معلومات مطالبه گردیده به اثبات رسیده که شرکت متذکره فعالیت خویش را کتمان نموده و مالیات خویش را به مراجع مالیاتی پرداخت ننموده اند. بناءً چگونه امکان دارد که شرکت‌های متذکره از یکطرف اسناد فعالیت قبلی را در داوطلبی حاضر مینمایند و از طرف دیگر فعالیت‌های خویش را بخاطر فرار از مالیات کتمان نموده باشد و متأسفانه ادارات مالیاتی نیز از فعالیت‌های آنها چشم پوشی می نمایند.

به هر حال سیستم تثبیت مقدار مالیات در افغانستان مشکلات و نواقص فراوان داشته اما عمده ترین آنها قرار ذیل بیان می گردد:

۱. کارمندان مالیاتی در تثبیت مقدار مالیات دست باز دارند و میتوانند بنابر ملحوظات مختلف طور سلیقوی در تثبیت مقدار آن اقدام نمایند.

۲. کارمندان مالیاتی میتوانند حین تثبیت مالیات به یکتعداد شرکت‌ها مشکلات ایجاد و مقدار مالیات آنها را از حد معین بالاتر تثبیت و بالاخره شرکت‌های متذکره را مجبور به پرداخت منفعت غیر مشروع جهت حل مشکل نمایند.

۳. سیستم متذکره تثبیت مقدار مالیات در افغانستان نهایت فساد برانگیز بوده، چنانچه شرکت‌ها میتوانند بجای پرداخت پول هنگفت مالیات برعکس یک مقدار پول ناچیز به کارمندان مالیاتی پرداخت کنند

و در مقابل کارمندان شرکت مذکور را از پرداخت مالیات معاف و یا هم در تثبیت مقدار آن کمتر از حد معین تصمیم اتخاذ نمایند

بناءً نبوده سیستم منظم الکترونیکی باعث می‌گردد تا زمینه‌های فساد برانگیز در تثبیت مقدار مالیات تشبثات خصوصی ایجاد و بالاخره به مسوولین مالیاتی دست باز جهت تعیین مقدار آن داده و آنها نیز با استفاده از صلاحیت‌های بدون حد و سرحد در مقابل منافع شخصی به منافع ملی ضرر هنگفت مالی وارد نمایند. لذا اصلاح سیستم تثبیت مقدار مالیات با استفاده از تجارب کشورهای جهان بخاطر جلوگیری از ارتکاب جرایم فساد اداری امر حتمی و لازمی دانسته می‌شود.

۱۱.۲ نواقص در سیستم جمع آوری مالیات

برعلاوه نواقص در تثبیت مقدار مالیات یکی از مشکلات عمده، نواقص در جمع آوری مالیات تشبثات خصوصی بوده و متأسفانه ادارات مالیاتی در جمع آوری مالیات نهایت بی تفاوت بوده به دلیل اینکه تعداد کثیری از شرکت‌های تجاری فورمه‌های مالیاتی خویش را خانه پری نکرده و عمداً از پرداخت مالیات دولت امتناع مینمایند، اما اداره مالیاتی در مقابل آنها از اقدامات قانونی انحلال، ممنوع الخروجی و غیره موارد، کار نمی‌گیرند، که در نتیجه از یکطرف مقدار هنگفت پول بیت المال بالای آنها بدون سرنوشت باقی می‌ماند و از طرف دیگر شرکت‌های متذکره عملاً "به فعالیت‌های غیر قانونی خویش دوام می‌دهند.

همچنان به دلیل اینکه جواز شرکت‌ها قبل از تصفیه مالیاتی تمدید نمی‌گردد لذا یکتعداد شرکت‌ها به ادارات مالیه دهی مراجعه اما ادارات متذکره به بهانه‌های مختلف کارشکنی نموده مالیات آنها را اخذ نمی‌نمایند

واز همه مهم اینکه یکتعداد شرکت‌ها گرچه مالیات چندین ساله خویش را که بالغ به میلیون‌ها دالر و افغانی می‌گردد تحویل نکرده اما با آنها اجازه تمدید جواز به آنها داده میشود که تمام نواقص متذکره باعث گردیده که مالیات دولت از تشبثات خصوصی در موعد معین قانونی آن جمع آوری نگردیده و نتیجتاً ضرر هنگفت مالی آن به بودجه دولت وارد گردد.

مثال ۱: چندی قبل اطلاع مواصلت کرد که یکی از شرکت‌های که در میدان هوایی کابل برای طیارات تیل توزیع مینماید از چندین سال مالیات خویش را تصفیه و پرداخت ننموده اما اجازه تمدید جواز شرکت مذکور از طرف اداره مالیاتی داده شده است

مثال ۲: چند روز قبل یکی از شرکت‌های تجارتی عارض گردید که به اداره مالیاتی مراجعه نمودم تا مالیات خویش را تحویل نمایم اما اداره مذکور در اخذ مالیات کارشکنی و بهانه جویی نموده و جواز شرکت ام تمدید نمی‌گردد.

مثال ۳: اطلاعات و قضایای متعدد تحت بررسی اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری قرار دارد مبنی بر اینکه یکتعداد زیاد شرکت‌ها از پرداخت مالیات امتناع نموده فورمه‌های مالیاتی را خانه پری نکرده اما مسوولین مالیاتی در مقابل آنها قطعاً "اجراآت قانونی نکرده اند.

بناءً با توجه به مطالب فوق الذکر میتوان گفت که سیستم تثبیت و جمع آوری مالیات در افغانستان دارای نقاط فساد برانگیز و حاوی مشکلات متعدد بوده که جدا "ایجاب اصلاح را می نماید.

۱۱.۳ تدابیر اصلاح سیستم تثبیت و جمع آوری مالیات

بادر نظر داشت مشکلات و نواقص که در سیستم کاری ادارات مالیاتی کشور موجود است و بصورت فشرده در فوق بیان گردید میتوان تدابیر لازم به منظور جلوگیری از ائتلاف عواید دولت و جمع آوری به موقع و مکمل مالیات واز بین بردن نقاط فساد برانگیز، با استفاده از تجارب کشورهای جهان ذیلا اتخاذ کرد.

۱. به منظور جلوگیری از کتمان فعالیت‌های اقتصادی اشخاص جهت فرار از پرداخت مالیات، یگانه راه حل، تشکیل سیستم اطلاعات اقتصادی در کشور میباشد، که در صورت موجودیت اراده سیاسی و همکاری سایر نهادها، تطبیق سیستم الکترونیکی متذکره امکان پذیر خواهند بود.

مثلاً: اشخاص در تمام عرصه‌ها، تا زمانی که فعالیت‌های اقتصادی خویش را از طریق الکترونیکی ثبت سیستم اطلاعات اقتصادی نکنند اجراءات و فعالیت آنها پیرامون موضوع در هیچ مرجعی، اعتبار و قانونیت نداشته و بانکهای کشور به انجام معاملات پولی آنها اقدام ننمایند.

۲. کتمان فعالیت و فرار از پرداخت مالیات در قوانین جزایی کشور جرم تعریف و به مرتکب آن مجازات شدید مالی و بدنی پیشبینی گردد.

۳. به منظور ایجاد تسهیلات و جلوگیری از نقاط فساد برانگیز بهتر است، ارایه اظهار نامه مالیاتی مودیان بصورت الکترونیکی بدون پرنس

کاغذی وبدون ارتباط مستقیم با مامور مالیاتی انجام گیرد وکود دریافتی الکترونیکی به عنوان تاریخ رسید تسلیم اظهار نامه قبول گردد.

۴. چون اکثراً "مؤدیان فعالیت‌های خویش را کتمان واز پرداخت مالیات فرار مینمایند، بناءً ادارات مالیاتی به منظور بررسی فعالیت‌های مؤدیان ومقایسه آن با اظهار نامه‌ها، بجای اعزام کارکنان به دفاتر مودیان بهتر خواهد بود به سیستم اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی مراجعه نمایند.

۵. مؤدیان که مالیات تثبیت شده خویش را به دولت پرداخت نکرده باشند، اداره مالیاتی طبق قانون مالیات بر عایدات در مورد انحلال فعالیت وممنوع الخروجی ومعرفی آنها به ادارات عدلی وقضایی تصمیم اتخاذ نمایند.

۶. جمع آوری مالیات باید به صورت الکترونیکی حتی از طریق مایل بدون مراجعه مؤدیان به اداره مالیاتی صورت گیرد. تا در ضمن فراهم آوری تسهیلات برای مودیان، زمینه نقاط فساد برانگیز نیز از بین رفته ومالیات دولت به زودترین فرصت جمع آوری خواهند گردید.

با تطبیق موارد فوق ارتباط مستقیم کارکنان ادارات مالیاتی با مؤدیان از بین رفته که نه تنها جلو سواستفاده وفساد اداری کارمندان مالیاتی گرفته میشود، بلکه با ایجاد سهولت‌ها، مؤدیان قادر میگردند تا به زودترین فرصت اظهارنامه‌های خویش را خانه پری ومالیات خویش را مکمل بدون سرگردانی فوراً به حساب دولت پرداخت و انتقال دهند ونتیجتاً باعث تقویه عواید وبودجه دولتی ورفاه عمومی خواهند گردید.

بخش ۱۲

فساد اداری ناشی از مشکلات در ثبت و توزیع جوازنامه‌ها

وزارت تجارت و اداره آيسا در ثبت، توزيع و تمديد جواز شرکت‌های تجارتي معيارهای لازم را در نظر نگرفته، چنانچه یک نفر به نام خود یا افراد مختلف چندین جواز اخذ نموده و همچنان هیچ نوع تضمین نقدي از آنها اخذ نگردیده تا در قبال مسوولیت آینده، شرکت‌ها جوابگو باشند و از جانب هم آدرس دقیق فعالیت شرکت‌ها دقیقاً ثبت و کنترل نمیگردد. چنین موضوع باعث گردیده تا شرکت‌های فریکار وارد بازار رقابت شوند و با ارتکاب انواع جرایم هیچ ارگانی قادر به دریافت آنها نمیگردند که در زمینه مثال‌های عینی متعدد وجود دارد.

۱. پشتنی بانک به تعداد کثیری از شرکت‌های تجارتي که از جانب وزارت تجارت و اداره آيسا جواز تجارتي اخذ نموده بودند قروض هنگفت اعطا نموده اند اما با سررسیدن میعاد تکتانه و قروض هیچ یکی از شرکت‌های متذکره به بانک حاضر نگردیدند، زمانی که ادارات مسول در جستجو دریافت آنها شدند متاسفانه هیچ کدام شان وجود فزیکي نداشته

و محل فعالیت آنها نیز مشخص نبود و در نتیجه میلیون‌ها دالر پول پشتمنی بانک بی سرنوشت باقی ماند.

۲. مطالعه قراردادهای ساختمانی وزارت خانه‌های مختلف نشان داده که اکثر قراردادهای ساختمانی به شرکت‌های خصوصی تفویض گردیده اما شرکت‌های متذکره با وجود اخذ یک مقدار پول پیش پرداخت پروژه‌های متذکره را بدون سرنوشت رها و خود فرارنموده اند و حتی با گذشت سالها ادارات مسؤول قادر به دریافت شرکت‌های متذکره نگردیده اند.

دلیل فرار و عدم دریافت شرکت‌های متذکره اینست که از یکطرف، اداره آيسا و وزارت تجارت بدون تثبیت اهلیت و سرمایه و بدون اخذ تضمین معتبر به هر شخص جواز تجارتي و فعالیت شرکت اعطا مینمایند، و از طرفی دیگر، اداره آيسا و وزارت تجارت هیچگاه تیم بررسی جهت تثبیت محل فعالیت، پرسونل کاری، سرمایه ثابت، و ساحات فعالیت، توظیف نکرده که عدم کنترول ادارات مسوول باعث گردیده، تا شرکت‌ها بدون وجود فزیکي صرفاً، با استفاده جواز، فعالیت فریبکارانه انجام دهند.

بنا" به منظور جلوگیری از نقاط فساد برانگیز و مشکلات در توزیع و تمديد جوازنامه‌های تجارتي و فعالیت ایجاب مینماید تا تدابیر ذیل اتخاذ گردد.

۱۲.۱ چگونگی رفع مشکلات ثبت و توزیع جوازنامه‌ها

قبلاً" طور فشرده بیان نمودیم که، توزیع و تمديد بدون قید و شرط جوازنامه‌های تجارتي باعث گردیده تا یکتعداد افراد به نام‌های مختلف جوازهای متعدد تجارتي اخذ و بدون موجودیت تشکیلات، سرمایه و مقرر

فعالیت با استفاده از جوازنامه‌ها در پروسه‌های تدارکاتی مداخله فریبکارانه و فساد برانگیز نموده و نهایتاً "در صورت ارتکاب جرایم به نسبت عدم داشتن تشکیلات، تضمین و آدرس، دریافت آنها وسیله ادارات عدلی و قضایی نا ممکن می‌گردد.

بناء همانگونه که د افغانستان بانک بعداز صدور جواز بانکی از امورات بانکها نظارت مینماید، ایجاب مینماید تا وزارت تجارت و اداره آيسا نیز بعداز صدور و تمدید جواز شرکت‌ها، طبق اصولنامه تجارت وقتاً فوقتاً، اساسنامه، تشکیلات اداری، هیات عامل، هیات مدیره، موسسین، مقرر و آدرس، چگونگی فعالیت و سرمایه شرکت‌ها را نظارت و کنترل نموده تا به اثر کنترل دایمی، جلو فعالیت و استفاده سوء آن‌عه شرکت‌های فریبکار که اصلاً "وجود فزیکي ندارند گرفته شده و تصمیم به لغو جواز شرکت‌های مذکور که عملاً "فعالیت ندارند اتخاذ و به تمامی ادارات دولتی اطلاع گردد، در غیر آن مسوولیت آن‌عه شرکت‌های که جواز برایشان توزیع لیکن تشکیلات منظم، دفتر کاری، فعالیت، سرمایه، هیات عامل، تضمین و وجود فزیکي نداشته باشند، بدوش اداره صادر کننده جواز دانسته شود، تا در اینصورت به انجام مسوولانه وظایف خویش اقدام و جلو مشکلات ونقاط فساد برانگیز گرفته شود.

بخش ۱۳

مشکلات و فساد در مصرف کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان

افغانها از کمک‌های کشورهای خارجی توقع و تقاضا داشتند و دارند تا در تمام بخش‌های زنده گی شان تغییرات مثبت و همه جانبه وارد گردد چنانچه اعمار سرک‌های داخل شهر و حلقوی مدرن، شهرک‌های متعدد و منظم رهايشی، ایجاد فابریکات و تاسیسات زیربنایی، خط ریل و میترو و غیره که طبعاً "برآورده شدن این تقاضا با مقدار پول کمک شده جامعه جهانی غیر منطقی به نظر نمیرسد و مصرف وجوه متذکره در بخش‌های زیربنایی باعث میگردید تا افغانها برای همیشه خود کفا و در حالت رشد و ترقی قرار داده شوند و از مشکل بی کاری و مجبوری پیوستن به نیروهای مخالف حکومتی نجات پیدا کنند اما متأسفانه پول‌های متذکره به صورت غیر مسوولانه از طریق انجوها و موسسات در ساحات غیر ضروری و لازمی مانند پل و پلیچک آنهم درحالی که جوی و جویچه وجود ندارد مصرف گردید.

انجوها و موسسات بخاطر اجرای فعالیت‌های شان خانه‌ها و موتورها را با قیمت هزارها دالر طور کرایه گرفته که از یکطرف پول کمک شده به ملت افغانستان به باد هوا رفت و از جانب هم انجوها پروژه‌های غیر ضروری را با شرکت‌ها با قیمت نهایت بلند و غیر منطقی عقد و بعداً شرکت‌های که

قرارداد را دست اول بدست آورده بود با تفاوت میلیون‌ها دالر دست دوم وسوم بفروش رسانیده ودولت ومردم افغانستان قطعاً "کنترول بالای آن نداشتند. چنانچه بخش انجیری نیروهای خارجی مستقر درافغانستان پروژه اعمار کمپلکس پولیس سرحدی را در ولایت پکتیا با شرکت ترکی عقد قرارداد نمود وشرکت ترکی بدون اینکه در پروژه کاری را انجام داده باشد با تفاوت هنگفت پولی قرار داد را دست دوم بالای شرکت افغان به قیمت نهایت پائین بفروش رسانیده است لذا کاملاً "ثابت است که پول‌های کمک شده جامعه جهانی به افغانستان متاسفانه به جیب آنعده شرکت‌های فریبکار ریخته شد که قراردادها را دست دوم وسوم بفروش رسانیده‌اند.

۱۳.۱ تدابیر رفع مشکلات کمک‌های جامعه جهانی

طبق کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد، به منظور مجازات متخلفین واسترداد وجوه ضایع شده کمک‌های جامعه جهانی بهتر است، تا آنعده قراردادهای که قبلاً "از طرف موسسات وانجوه‌ها با مقامات دولتی یا افراد وابسته به آنها عقد و یا آنعده قراردادهای که بعد از امضا به قیمت نازل دست دوم وسوم بفروش رسیده واز رهگذر آن پول کمک شده به افغانها حیف ومیل گردیده باشد، جدا" تحت بررسی ونظارت قرار گیرد. همچنان به منظور جلوگیری از حیف ومیل شدن کمک‌های متذکره در آینده، اتخاذ تدابیر وتوافق با کشورهای کمک کننده در خصوص چگونگی مصرف شفاف کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان یکی از نیازهای مهم ملی میباشد.

بخش ۱۴

فساد و مشکلات در قراردادهای معادن کشور

معادن یکی از سرمایه‌های پنهانی ملت افغانستان است که نسبت به آینده ما را خوشبین می‌سازد، اما نقطه قابل توجه و اهمیت اینست که اگر قراردادهای معادن طور شفاف، عادلانه و با در نظر داشت منافع ملی عقد گردد بدون شک افغانها یک آینده حداقل بهتر از کشورهای همسایه را خواهند داشت و در خصوص خودکفایی افغانها موثریت خود را دارد، و در صورتیکه قراردادهای معادن شفافیت نداشته باشد و عادلانه و با در نظر داشت منافع ملی عقد نگردد آنگاه مردم افغانستان درک مینمایند که وضعیت نهایت بدتر از امروز را خواهند داشت و مناقشات و اختلافات بالای تقسیم منافع معادن میان طرفین معلوم و نامعلوم داخلی و خارجی آغاز خواهند گردید.

- روزنامه هشت صبح طی گزارش تحقیقی تحت نام (معادن افغانستان تاراج می‌شود) بتاريخی ۱۱/حمل/۱۳۹۲
- از یک سلسله مشکلات در قراردادهای معادن کشور، گزارش مفصل را به نشر رسانیده است که مطالعه آن بدون شک هر افغان را نسبت به سرمایه ملی کشور به تشویش قرار میدهد.
- چنانچه در گزارش متذکره نقاط ذیل قابل توجه و دقت دانسته می‌شود.
۱. وزارت معدن مشاورین خارجی را با معاشات گزاف از ۸ هزار دالر الی ۱۰۷ هزار دالر امریکائی بخاطر استخدام نموده تا مشاورین خارجی زمینه معامله گری را با کمپنی‌های خارجی مساعد کند.
 ۲. وزارت معدن افراد مختلف غیر مسلکی را با معاشات گزاف بخاطر تاراج کردن معادن کشور مقرر نموده است، که اسمای آنها درج گزارش متذکره بوده است.
 ۳. روند داوطلبی و امضای قراردادهای معادن طور غیر شفاف در غیاب رسانه‌ها، مردم، وکلای پارلمان و نماینده گان جامعه ای مدنی عقد و طی مراحل گردیده است.
 ۴. قرار دادهای معادن بزرگ با کمپنی‌های عقد گردیده که آنها توانایی و آماده گی سرمایه گذاری در افغانستان را ندارند.
 ۵. در داوطلبی قرارداد معادن بزرگ کشور، شرکت‌های که توانایی مالی و آماده گی سرمایه گذاری و شرایط بهتر جهت تامین منافع ملی افغانستان را پیشبینی نموده بودند ناکام مجالس داوطلبی اعلان وبه اعتراضات آنها هیچ کسی توجه نکرد.

۶. قرارداد معادن بزرگ کشور به ضرر منافع ملی کشور عقد گردیده است چنانچه شرکت قراردادی از درک عقد قرار داد معدن حاجی گک در طی ۳۰ سال حدود ۱۰.۵ میلیارد دالر حق الامتیاز به دولت افغانستان می پردازند اما در مقابل شرکت متذکره برعلاوه معدن حاجی گک تنها از استخراج معدن ذغال سنگ دره صوف در جریان ۳۰ سال ۳۶ میلیارد دالر بدست می آورد.

۷. قرارداد معادن کشور با پائین ترین امتیاز با شرکت های خارجی عقد گردیده است چنانچه قرار داد معدن حاجی گک با دو کمپنی برنده با ۵.۵ درصد حق الامتیاز عقد شده است، در حالیکه سه کمپنی دیگر با قایل شدن ۲۲ درصد حق الامتیاز ناکام پروسه داوطلبی قرارداد متذکره دانسته شده اند، چنانچه شرکت برنده از درک فروش ذخایر آهن به شکل خام مبلغ ۲۷۰ میلیارد دالر و از درک فروش آهن مبلغ ۵۴۰ میلیارد دالر و از بابت فروش فولاد ۱۰۸۰ میلیارد دالر بدست خواهند آورد اما به دولت افغانستان بالترتیب طبق قرارداد مبلغ ۱۵ میلیارد و ۳۰ میلیارد و ۶۰ میلیارد دالر پرداخت خواهند کرد، در حالیکه اگر قرارداد با سه شرکت ناکام که ۲۲ درصد حق الامتیاز به دولت افغانستان قایل شده بودند عقد می گردید طبعاً از استخراج و فروش معدن متذکره بالترتیب ۶۰، ۱۲۰ و ۲۴۰ میلیارد دالر حق الامتیاز به دولت افغانستان پرداخت می نمودند.

۸. اعتقاد کارشناسان معادن اینست که قراردادهای معادن نباید با ۵ یا ۶ درست حق الامتیاز عقد گردد بلکه کوشش شود تا معادن با حق الامتیاز

۴۰ الی ۵۰ درصد حق الامتیاز عقد وطنی مراحل شوند در غیر آن همچو قرار دادها به معنی چور کردن یک کشور خواهد بود.

۹. طبق قرارداد، شرکت‌های برنده پروسه داطلبی قرارداد معادن مکلف به پرداخت ۳۰ فیصد مالیه بوده اند اما بعد از امضا قرارداد متذکره، وزارت معادن با یکی از شرکت‌های برنده موافقه نموده است تا ۲۰ درصد مالیه به دولت پرداخت نمایند.

۱۰. قراردادهای معادن افغانستان طوری عقد گردیده است که بعد از استخراج بدون پروسس باید به کشورهای خارجی انتقال و بفروش رسانیده شوند در حالیکه تجربه کشورهای افریقایی نشان داده که فروش مواد خام تجربه بد و باعث بد بختی و عقب مانگی کشور می گردد.

۱۱. معادن کوچک کشور به اساس زمینه‌های معامله گری با یکتعداد از وکلای پارلمان با حق الامتیاز پائین عقد و شرکت‌های برنده نیز به نیروهای مسلح مخالف دولتی پول پرداخت مینمایند که وضعیت امنیتی را نا آرام نمایند تا از یکطرف استخراج بیشتر از قرارداد صورت گرفته بتواند واز طرف دیگر وزارت معادن پروسه را نظارت کرده نتوانند.

به هر حال به منظور کنترل بهتر معادن کشور به حقوقدانان تخصصی در بخش معادن ضرورت است تا قراردادهای منعقد شده معادن با در نظر داشت منافع ملی و پیشبینی عواقب آینده آن عقد وطنی مراحل گردد، که متأسفانه جنگ‌های چند دهه باعث گردید تا کادر مسلکی متخصص و با تجربه در بخش معادن موجود نباشد.

۱۴.۱ راهکار مبارزه با فساد و کنترل قراردادهای معادن کشور

با توجه به گزارش تحقیقی روزنامه هشت صبح اگر واقعا" مسوولین وزارت معادن، قراردادهای متذکره را به ضرر منافع ملی که میلیاردها دالر را احتوا خواهند کرد طور غیر شفاف بنابر سازش و معامله گری عقد نموده باشند پس در اینحالت بدون شک هر یک از مسوولین متذکره از درک چنین جنایت به ملیونها دالر پول نا مشروع بدست آورده خواهند بود.

لذا به باور بنده به منظور اصلاح مشکلات قرار دادهای قبلی و جلوگیری از ضرر عامه وهمچنان بخاطر اتخاذ تدابیر جهت کنترل وشفافیت در قرار دادهای آینده باید در دو نقطه ذیل متمرکز واجراآت کرد.

۱. آئنده قرار دادهای معادن کشور که به اساس گزارش تحقیقی روزنامه هشت صبح خلاف قانون به ضرر منافع ملی وانمود و شفافیت آن تحت سوال قرار گرفته است، جدا" با در نظر داشت منافع ملی بازنگری و در مورد سرنوشت بعدی آنها تصمیم عادلانه وقانون اتخاذ گردد.

همچنان دارایی منقول وغیر منقول مسوولین وزارت معادن کشور که به نحوه در طی مراحل قرار دادهای قبلی معادن مداخلت داشتند در داخل وخارج کشور تثبیت ودر مورد منبع ومنشه آن معلومات جمع آوری ودرضمن کارکنان متذکره در خصوص گزارش تحقیقی روزنامه هشت صبح تحت استجواب ادارات عدلی وقضایی قرار گرفته ونتایج آن با مردم عزیز کشور شریک ساخته شود.

۲. آئنده قرار دادهای معادن کشور که درآینده عقد می گردد باید بخاطر شفافیت بیشتر در حضور داشت نماینده گان جامعه مدنی، رسانه ها و

وکلاي پارلمان، طور علني با در نظر داشت منافع ملي طی مراحل و جزئیات آن با مردم شریک ساخته شود.

هكذا کوشش گردد تا با استفاده از تجارب کشورهای افریقایی قرار دادهای متذکره طوری عقد گردد که بعد از استخراج، پروسس آن نیز در افغانستان صورت گیرد.

و به خاطر تامین منافع ملی و سنجش عواقب آینده قرار دادهای متذکره، نیاز است تا نخست قانون معادن کشور از جانب متخصصین و حقوقدانان مربوطه بازنگری و اصلاح گردد، و در ضمن بخاطر تطبیق درست و عملی قانون مذکور ایجاب مینماید تا حقوقدانان مجرب و متخصص در رشته معادن تربیه گردد.

بخش ۱۵

فساد اداری ناشی از مشکلات در سکتور مخابرات افغانستان

مخابرات به مفهوم الکتریکی عبارت از ارسال، دریافت، تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط وسایل الکتریکی میباشد. سیستم مخابراتی خبر را از یک نقطه به نقطه دیگر ارسال میکند که این خبر از منبع اطلاعاتی به دست می آید. بناءً کشورهای جهان از مخابرات بر علاوه ارسال و دریافت خبر و تامین ارتباط به تحلیل و تجزیه اطلاعات در کشف و تثبیت جرایم نیز استفاده مینمایند.

طی سالهای اخیر مخابرات در افغانستان رشد چشمگیری در خصوص تامین ارتباط اتباع وسیله تلفون و انترنت داشته است اما عدم دقت، نظارت و کنترول وزارت مخابرات باعث گردیده تا کمپنی های مخابراتی سیمکارت ها را بدون ثبت و راجستريشن در بازار آزاد به مشترکین عرضه و فعال نمایند که یکتعداد زیاد آنرا مجرمین حرفوی خریداری و بعد از یک تماس جرمی از سیمکارت وسیت مایل استفاده مکرر نمی نمایند.

که متأسفانه ادارات کشفی به دلیل عدم ثبت سیمکارت وسیت مایل به مشکلات مواجه و بعضاً "در کشف و تثبیت جرایم و مجرمین قادر نمی گردند.

مثال ۱: گروه چهار نفری اقدام به اختطاف یک طفل ده ساله مینمایند بعد از گذشت یک شب، اختطافچی طی تماس تلفونی به والدین طفل اختطاف شده اطلاع داده و تقاضای پول هنگفت را مینمایند. همچنان شب بعدی گروه اختطافچی متذکره با استفاده از سیمکارت دیگر با والدین طفل در تماس شده اخطار به قطع گوش طفل و تقاضای دو چند پول مطالبه شده خویش را مینمایند.

اما هنگامیکه والدین طفل به اداره پولیس مراجعه مینمایند ثابت میگردد که از یکطرف سیمکارت های استفاده شده به اسم کدام شخص ثبت و راجستر نبوده و از طرف هم اختطافچی از سیمکارت وسیت مایل های متذکره صرفاً برای یک بار استفاده نموده اند.

بناءً در چنین حالت پولیس قادر به کشف و دستگیری فاعلین جرم نبوده، لذا یا والدین طفل مجبور به پرداخت پول به جانب اختطافچی میگرددند و یا هم اختطافچی طفل اختطاف شده را به قتل میرسانند.

مثال ۲: اکثراً "مامورین دولت با استفاده از سیمکارت های بدون ثبت و راجستر از افراد و اشخاص مطالبه رشوت مینمایند. چون شماره سیمکارت به اسم مامور مذکور ثبت و راجستر نبوده، لذا مامورین مذکور سیمکارت متذکره را مربوطه خود ندانسته و ارگانهای کشفی در کشف جرایم مامورین دولت دچار مشکلات گردیده اند.

لذا گفته می‌توانیم که وزارت مخابرات در بخش تامین ارتباط اتباع موفقیت‌های چشمگیری داشته اند، اما در خصوص تجزیه و تحلیل اطلاعات وسیله ارگانهای کشفی مشکلات را ایجاد نموده است. بناءً به منظور جلوگیری، کشف و تثبیت جرایم و مجرمین فساد اداری، اصلاح مشکلات فوق الذکر در سکتور مخابرات امر ضروری و لازمی به نظر رسیده که قرار ذیل توضیح می‌گردد.

۱۵.۱ تدابیر اصلاح سکتور مخابرات در افغانستان

با توجه به مشکلات که فوقاً در سکتور مخابرات کشور بیان گردید ایجاب مینماید یک سلسله تدابیر جدی جهت حل آن اتخاذ گردد تا با تطبیق تدابیر اتخاذ شده از یکطرف اصلاحات در اجراءات سکتور مخابراتی ایجاد و از طرف دیگر به اثر ایجاد اصلاحات متذکره جلو سوء استفاده مجرمین حرفوی و سازمان یافته از وسایل مخابراتی در ارتکاب جرایم گرفته شود و درضمن بعد از اصلاح نظام مخابراتی ارگانهای کشف و تحقیق قادر خواهند بود تا با استفاده از تسهیلات الکترونیکی جرایم و مجرمین فساد اداری را کشف، دریافت و دستگیر و مجازات نمایند و اینکه در سکتور مخابرات کشور چگونه اصلاحات ایجاد گردد تا واقعاً ادارات مبارزه با فساد اداری به اهداف اصلی شان که همانا مبارزه با فساد اداری بوده نایل آیند در زمینه ذیلاً توضیحات ارایه خواهند گردید.

۱. تمام کمپنی‌های مخابراتی از جانب وزارت مخابرات با تعیین معیاد و جریمه مکلف گردند تا مراکز متعدد فروش سیمکارت‌ها را مجهز به

سیستم الکترونیکی در نقاط مختلف کشور جهت ثبت سیم کارت‌ها و سیت مایل ایجاد نمایند.

۲. کمپنی‌های مخابراتی با تعیین معیاد و جریمه نقدی مکلف شوند تا سیم‌کارت‌های قبلاً توزیع شده را دقیقاً به اسم مالک یا استفاده‌کننده سیم‌کارت در مراکز فوق‌الذکر ثبت و عاجلاً به اسم شخص مذکور درج سیستم نمایند.

۳. کمپنی‌های مخابراتی مکلف شوند تا در صورتیکه اشخاص در معیاد معینه جهت ثبت سیم‌کارت به مراکز فروش حاضر نشوند، سیم‌کارت‌های متذکره الی حضور مالک غیر فعال گردد.

۴. وزارت مخابرات، کمپنی‌های مخابراتی را با تعیین جریمه مکلف سازند، تا از توزیع سیم‌کارت بدون ثبت جدا خودداری نموده، در غیر آن مسوولیت ناشی از استفاده غیر قانونی آن بدوش کمپنی‌های مخابراتی نیز دانسته و جوابگو باشند تا در انجام وظایف شان احساس مسوولیت نمایند.

۵. از نظر تکنیکی به مجرد نصب سیم‌کارت در مایل و روشن ساختن تیلیفون، کمپنی مخابراتی تمام جزئیات، سیت مایل مشترک خویش را طور اتومات بدست می‌آورد، بناءً بهتر است تا کمپنی‌های مخابراتی افغانستان مکلف شوند به مانند سایر کشورهای پیشرفته جهان، بخاطر ثبت سیت مایل مشترکین خویش طی سه ستون جدول و سیستم الکترونیکی طوری ذیل ایجاد نمایند،

اول: در ستون اولی به همکاری گمرکات، لست تمامی سیت‌های مایل را که طور قانونی وارد کشور گردیده و در مراکز فروش کمپنی‌های مخابراتی

ثبت گردیده، درج و سیمکارت‌های خویش را صرفاً جهت استفاده در موبایل‌های متذکره فعال نمایند.

دوم: در ستون دومی جدول، لست شماره‌های آن‌عده موبایل‌های مربوط اتباع خارجی که طور موقت به افغانستان آمده و در مراکز فروش کمپنی‌های مخابراتی به رویت پاسپورت ثبت مینماید، درج و سیمکارت‌های خویش را صرفاً "طور موقت جهت استفاده در موبایل‌های متذکره فعال نمایند.

سوم: در ستون سوم جدول، لست آن‌عده شماره‌های سیت‌های موبایل که طور غیر قانونی بدون پرداخت محصول گمرکی وارد و یا در مراکز فروش کمپنی‌های مخابراتی ثبت نگردیده باشد، درج و کمپنی‌های مخابراتی به صورت قطع سیمکارت‌های خویش را جهت استفاده در سیت‌های متذکره فعال ننمایند.

۶. وزارت مخابرات در توزیع تذکره‌های الکترونیکی اقدام نماید تا ادارات کشفی در شناسایی موقعیت و هویت مظنونین اقدام نموده بتوانند. با تطبیق سیستم متذکره میتوان از یکطرف جلو سو استفاده و ارتکاب جرایم اختطاف، قاچاق، فساد اداری و... گرفته شود و از طرف دیگر ادارات کشفی می‌توانند تا جرایم را کشف و مجرمین را شناسایی و دستگیر نمایند.

بخش ۱۶

مشکلات سکتور صحت در افغانستان

سکتور صحت شامل کلینک‌ها و شفاخانه‌های دولتی و شخصی در مرکز و ولایات کشور می‌گردد، که بخاطر عرضه خدمات صحتی به هموطنان عزیز کشور ایجاد گردیده است.

به اصطلاح عام صحت ثروت است، اما متأسفانه موجودیت مشکلات متعدد در سکتور صحت که ناشی از عدم توانایی، ظرفیت، کنترل و نظارت وضعف مدیریت وزارت صحت عامه می‌گردد از یکطرف به اثر ورود اجناس وادویه غیر صحتی، بی کیفیت و غیر معیاری، صحت مردم افغانستان مورد تحدید جدی قرار داشته است، و از طرفی دیگر متأسفانه به نسبت عدم ارایه خدمات معیاری صحتی در کشور باعث گردید تا صحت یاب شدن دوباره مریضان در داخل کشور چه در شفاخانه‌های دولتی باشد و چه شفاخانه‌های خصوصی مشکل بوده و مردم عزیز ما مجبوراً به انواع مشکلات به کشورهای خارجی هند و پاکستان... جهت تداوی سفر مینمایند علی الرغم آن اگر بازارهای افغانستان عملاً دیده شود، موجودیت و ورود اموال واجناس بی کیفیت و مضر را شاهد خواهید بود چنانچه ادویه

معیاری وجود ندارد، مواد غذایی صحیی چک وکنترول شده دولت دریافت نمیگردد که چنین امر باعث میگردد تا اطفال و بزرگسالان ما اکثرا در معرض خطر صحن قرار گیرند.

نباید فراموش کرد اینکه، موجودیت ریاست خدمات طب عدلی در تامین عدالت و تطبیق قانون و تعیین مسیر واقعی قضایای جنایی رول و اهمیت بسزای داشته است چنانچه با ابراز نظر مسلکی دوکتوران پیرامون قضایای جنائی، مراجع عدلی و قضایی بنابر ملحوظات شخصی، منطقی،... به تغیر مسیر واقعی اوراق اقدام کرده نمی توانند و در نتیجه میتوان گفت که موجودیت ریاست خدمات طب عدلی در حقیقت نقاط فساد برانگیز را از خواهند برد، اما متاسفانه فعلا" در اکثر ولایات کشور ریاست خدمات طب عدلی موجود و فعال نبوده است.

به هر حال اتخاذ و تطبیق اصلاحات و سایر موارد مفید دیگر، جهت عرضه خدمات معیاری صحن ضرورت به مدیریت قوی، اداره عاری از فساد، مسوولین مجرب و مسلکی و صادق و داشتن برنامه منظم دارد که در عکس صورت طبعاً" نظارت وکنترول و برنامه وجود نداشته و هیچ کسی از رهگذر اعمال اش احساس مسوولیت نخواهند کرد، و آنگاه اگر ادارات عدلی و قضایی ولو تمام وزارت صحت عامه را به نسبت ضعف و کم کاری و به مخاطره انداختن حیات مردم و ضایع شدن میلیون ها افغانی بودیجه وزارت محاکمه هم کنند مفادی نخواهند داشت، بلکه بهتر خواهد بود تا وزارت صحت عامه مشکلات را شناسایی و راه حل های آنرا جستجو و طی برنامه منظم به ایجاد اصلاحات در بخش های مختلف اقدام تا به اینصورت

نقاط فساد برانگیز از بین رفته و با فساد اداری مبارزه موثر و واقعی بعمل آید.

۱۶.۱ چگونگی رفع مشکلات سکتور صحت

چون سکتور صحت مستقیماً با صحت و حیات مردم عزیز کشور ارتباط داشته است، لذا از بین بردن نقاط فساد برانگیز و ایجاد اصلاحات و رفع مشکلات فوق الذکر در سکتور متذکره امر لازمی به نظر می رسد، بنأ به باور بنده وزارت صحت عامه ضمن توجه به سایر موضوعات مفید، تدابیر ذیل را نیز اتخاذ و تطبیق نموده می توانند.

۱. وزارت صحت عامه تمام مواد خوراکی و ادویه جات را جدا در سرحدات و عمده فروشی های کشور چک و کنترل نموده واز ورود و فروش اموال غیر صحتی جلوگیری نمایند.

۲. نظافت، دسپلین، تجهیزات و وسایل شفاخانه های دولتی را جدا "تامین و کنترل نمایند.

۳. شماره عاجل ۲۴ ساعته را فعال و شکایات مریضان و پیاوژان آنها را در مورد آنعده موظفین و دوکتوران که با مریضان در شفاخانه های دولتی و خصوصی برخورد سالم و مطابق اساسات مسلکی ندارند، اخذ و عاجلاً به مشکل مردم رسیده گی و به تادیب موظفین و دوکتوران متخلف اقدام نمایند.

۴. شفاخانه های خصوصی که خلاف معیارات مسلکی و معیارات پیشینی شده وزارت صحت عامه فعالیت مینماید، با تعیین معیاد، مطابق شرایط از نظر تجهیزاتی و پرسونل اصلاح، در غیر آن به لغو جواز و فعالیت آنها اقدام صورت گیرد.

۵. آنعده دوکتوران موظف در شفاخانه های دولتی که با وجود امضا حاضری، در اوقات رسمی در معاینه خانه و یا شفاخانه های خصوصی

اجرای وظیفه می نمایند، اولاً "مکلف به اجرای وظیفه در یک مرجع شوند ثانياً" بخاطر جلوگیری از تکرار همچو اعمال بهتر است آنها جهت تحقیق و تعقیب به ادارات عدلی و قضایی معرفی گردند.

۶. وزارت صحت عامه در تمام ولایات ریاست‌های خدمات طب عدلی را با تامین وسایل طبی لازم و استخدام دوکتوران مجرب ایجاد نمایند، تا به اثر معاینات مسلکی طبی اجساد و مجروحین در سایر ولایات، قضایای جزایی مسیر واقعی و قانونی خویش را طی واز نقاط فساد برانگیز در جریان تحقیق قضایای متذکره جلوگیری بعمل آمده، عدالت به وجه احسن تطبیق گردد.

بخش ۱۷

مشکلات نبود کار و شغل مناسب در افغانستان

نداشتن کار، شغل و حرفه مناسب جهت تامین معیشت خود و اعضای فامیل (بی کاری) عمده ترین مشکل مردم بوده، که سبب شده تا جوانان در مقابل یک موتر سایکل و معاش ناچیز تفنگ به سر شانه وبا مخالفین دولت یکجا شوند.

متاسفانه وزارت محترم کار و امور اجتماعی با وجود تشکیلات وسیع و مصارف میلیون ها افغانی بودجه دولتی تا فعلاً هیچ نوع برنامه را به ملت و جوانان طرح و رایه نکرده تا با تطبیق آن مردم حد اقل نسبت به آینده امید وار باشند.

چنانچه اکثر جوانان ما بعد از فراغت از مکاتب و پوهنتون ها بیکار و بدون معاش و سرنوشت مایوسانه به زنده گی خویش ادامه داده و متاسفانه نیرو و توان جسمی کار و استعداد آنها بدون استفاده سالم ضایع می گردد. همچنان جوانان افغانستان متاسفانه هر صبح در چهاراهی های مختلف کشور در انتظار دریافت کار روز مزد بوده، اما متاسفانه در اخیر روز مایوسانه بطرف خانه در حرکت و اکثر شان در حالت بد اقتصادی بیکار

بطرف خانه‌های شان رفته وبا نهایت بی چاره گی به اطفال گرسنه ومریض وبدون تحصیل وعذا خویش تماشا خواهند گرد.

ما روزانه شاهد انجام کارهای شاقه اطفال درکنار جاده‌ها هستیم چنانچه اطفال افغانستان بنابر جبر روزگار ومشکلات اقتصادی به جای ادامه تحصیل برعکس مصروف کارهای مشکل مانند موتر شویی، پلاستیک فروشی، شاگرد مستری وغیره هستند

بدون شک نبود کار وشغل مناسب بالاخره اتباع افغانستان را یا به استعمال مواد مخدر ویا هم مجبور به ارتکاب انواع واقسام جرایم خواهند کرد که طبعاً در چنین حالت نظم اجتماعی برهم خواهند خورد. لذا مکلفیت دولت است تا بخاطر حل معضله بیکاری جوانان وحمايت اطفال برنامه منطقی وهمه جانبه را طرح وعملاً آنرا تطبیق نمایند وعدم موجودیت وتطبیق برنامه جهت حل مشکل بیکاری ناشی از ضعف مسوولین مربوطه بوده که بازهم فساد اداری تعریف میگردد.

۱۷.۱ تدابیر رفع مشکلات بیکاری

طوریکه گفته شد بیکاری بزرگترین مشکل اتباع افغانستان واساسی ترین عامل جنگ، نا امنی، اعتیاد مواد مخدر، وارثکاب انواع جرایم در کشور تلقی گردیده که علت آن عدم موجودیت وتطبیق برنامه منظم ناشی از ضعف کاری وزارت کار امور اجتماعی در زمینه بوده است.

گرچه حل مشکل بیکاری بیشتر با ایجاد فابریکات، رشد وجلب سرمایه گذاری‌ها، تامین امنیت واجراآت مسوولانه سایر ادارات دولتی بستگی دارد، اما با آنهم نبود شغل باعث گردید تا همه روزه جوانان در جاده‌ها

منتظر کار دست مزد باشند، لذا ایجاب مینماید تا وزارت کار و امور اجتماعی کشور منیحت وظیفه به منظور رفع مشکل بیکاری طی برنامه منظم اقدامات ذیل را عملی نماید.

۱. تعداد کثیری از اتباع کشور با استفاده از اسناد غیر قانونی جهت کار به کشورهای عربی مسافرت نموده اند، بناءً بهتر است وزارت کار و امور اجتماعی با کشورهای متذکره طی امضای توافقنامه، اقامت واعزام کارگران را با استفاده از پاسپورت افغانی به کشورهای خارجی قانونی سازند.

۲. ایجاد مراکز مختلف تربیه شغلی کارگران از جانب وزارت کار امور اجتماعی باعث کاهش معضله بیکاری خواهند گردید.
مثلاً: تربیه نجار، مستری، ولدنگ کار، کلکار وغیره.

۳. وزارت کار و امور اجتماعی با استفاده از تجارب کشورهای جهان، سی دی های تصویری آموزش شغل های که با سرمایه گذاری کوچک سبب خود کفایی کارگران وفامیل ها میگردد ثبت، نشر وتوزیع نماید.

مثلاً: نحوه ساخت چوبک دندان، مایع شیشه پاک کن، مایع ظرف شویی، دستمال کاغذی، قلم پنسل، محصولات آرایش، طناب، سامان بازی اطفال، شیشه عینک، غذای سگ وپشک، شمع، تولید ماست،قالین بافی وغیره

۴. وزارت کار و امور اجتماعی از آنعده کارگران که با مشاهده سی دی های منتشره شغل مناسب را آموزش دیده اند، امتحان اخذ و جواز کار توزیع نماید.

۵. وزارت کار و امور اجتماعی با بانک های داخلی و خارجی در خصوص اعطای قرضه های کوچک جهت سرمایه گذاری در مشاغل

مشخص به آن‌عده کارگران که در شغل مشخص جواز کار اخذ نموده اند تفاهم نماید.

بناءً با توجه به جریان فوق ایجاد شغل باعث رفع معضله بیکاری گردیده و جوانان که دارای شغل مناسب اند هیچگاه منتظر دریافت کار و دست مزد در جاده‌ها نخواهند بود بلکه میتوانند با همکاری فامیل‌هایشان با استفاده از قرضه‌های کوچک در فعالیت‌های شغلی خودشان مصروف و عاید مناسب را حاصل نموده و نتیجتاً کشور ما از یک حالت مصرفی به تولیدی و خود کفایی خواهند رسید که در این‌حالت میتوان گفت که مصرف بودجه وزارت کار امور اجتماعی با موثریت و دست آورد خواهند بود و سبب خواهند گردیده تا جوانان بجای رو آوردن به ارتکاب انواع جرایم، مصروف خدمت به خود، فامیل و وطن گردند.

بخش ۱۸

فساد ناشی از موجودیت مشکلات بی سرپناهی اتباع و مامورین افغانستان

مطابق حکم ماده ۳۹ قانون اساسی هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، اما امروز متأسفانه باوجود داشتن زمین‌های فراوان، دولت قادر نگردید تا به تمام اتباع حد اقل یک سرپناه آبرو مندانه جهت بود و باش آنها تهیه و توزیع نمایند چنانچه عدم داشتن برنامه جهت اسکان اتباع باعث گردیده تا تمام کوه‌های شهر کابل غصب و مردم با نهایت مشکلات در دامنه کوه‌ها زنده گی نمایند

واز طرف دیگر نبود برنامه منظم جهت اعمار شهرک‌ها و جلب سرمایه گذاری در زمینه نه تنها مشکلات بی سرپناهی را ایجاد کرده بلکه سبب بلند رفتن کرایه مسکن و غصب زمین‌های دولتی گردیده است.

همچنان قابل ذکر است اینکه اکثر مامورین دولت بخاطر زنده گی خود و فامیل حد اقل سرپناه نداشته و همیشه در تشویش مشکلات پرداخت کرایه خانه بوده که در چنین حالت توقع خدمت و انجام وظایف صادقانه و

عدم ارتکاب جرایم فساد اداری از جانب مامور دولت جنبه عملی نخواهد داشت.

بنا "با توجه به مطالب فوق میتوان گفت که از یکطرف عدم داشتن برنامه منظم وزارت شهر سازی و شاروالی ها جهت تامین سرپناه به اتباع و مامورین کشور ناشی از ضعف اداره، عدم ظرفیت کاری فساد اداری تلقی خواهند گردید، واز طرف دیگر به یقین که عدم رسیده گی و تامین نیازهای اولیه مامورین دولت و عدم ایجاد زنده گی آبرومندانه برای آنها باعث خواهند گردید تا در عرضه خدمات دولتی تعلل صورت گرفته و بجای انجام وظایف صادقانه احتمالاً "جهت تامین نیازهای اولیه به ارتکاب جرایم فساد اداری اقدام نمایند که در چنین حالت ولو ادارات عدلی و قضایی تمام مامورین دولت افغانستان را به نسبت ارتکاب جرایم فساد اداری محاکمه هم کنند بازهم مبارزه با فساد اداری نتیجه موثر نخواهند داشت.

بناءً بخاطر حل معضله بی سرپناهی اتباع کشور بخصوص مامورین دولت، طرح و تطبیق برنامه مشخص از جانب حکومت افغانستان امر حتمی و لازمی تلقی می گردد، در غیر آن مبارزه و جلوگیری از فساد اداری و توقع خدمت صادقانه از مامورین امکان پذیر نخواهد بود.

۱۸.۱ راهکار رفع مشکلات بی سرپناهی

فوقاً "طور نهایت فشرده در مورد مشکلات بی سرپناهی اتباع و مامورین دولت، عوامل و عواقب آن بحث های بعمل آمد، اما آنچه مهم است دریافت راه حل های رفع معضله مذکور جهت کمک در امر مبارزه واقعی با فساد اداری در کشور بوده است، بدون شک راه حل های مناسب و مختلف

بخاطر حل معضله متذکره وجود خواهند داشت، اما به باور بنده به منظور رفع مشکل بی‌سرپناهی اتباع کشور طی طرح برنامه منظم میتوان اقدامات ذیل را بعمل آورد.

۱. طی سالهای اخیر تعدادی زیادی از هموطنان ما بنابر عوامل مختلف از ولایات به مراکز شهرها مسافرت نموده که تجمع اکثر مردم در شهرها باعث گردیده تا عرضه مسکن متناسب به تقاضا نباشد، لذا مشکلات بی‌سرپناهی، غصب اراضی، بلند رفتن کرایه خانه‌ها دامن گیر تمام شهرها بخصوص شهر کابل گردیده است. لذا تشویق و تامین شرایط اسکان دوباره شهروندان در ولایات مربوطه باعث می‌گردد تا تراکم نفوس در شهرها کمتر گردد.

۲. با استفاده از تجربه کشور مالیزیا، دولت در بدل شراکت ۲۵ الی ۵۰ فیصد سهم، زمین را در اختیار سکتور خصوصی جهت اعمار بلند منزل‌ها قرار دهد تا بعداً "سهم آپارتمان‌های دولتی به مامورین مستحق با اقساط طویل‌المدت توزیع گردد.

۳. با تطبیق شیوه فوق عرضه مسکن نسبت به تقاضا بیشتر می‌گردد لذا در پایین آمدن قیمت آپارتمان، زمین و کرایه خانه تاثیرات مثبت وارد خواهند گردید.

۴. با استفاده از تجربه کشورهای موفق، تامین شرایط اعطای قرضه از جانب بانکها به اتباع کشور جهت خریداری مسکن و خانه یکی از راه‌های دیگری رفع مشکلات بی‌سرپناهی به شمار می‌رود.

بخش ۱۹

فساد ناشی از کمبود معاشات مامورین دولت افغانستان

معاشات مامورین دولت متناسب به مصارف حد اقل ضروریات آنها عیار نگردیده است، حتی معاش ماهوار مامور تکافوی پرداخت کرایه خانه و مسکن را نمیکند

مامور که دارای حد اوسط پنج نفر اعضای فامیل باشد مصارف اولیه آنها که شامل (کرایه خانه، خوراک، مریضی، پوشاک، تعلیم و تحصیل اطفال، وسایل سوخت و غیره) میگردد حد اقل بالغ به ۳۰ هزار افغانی خواهند گردید، پس ماموریکه معاش ماهوار هفت هزار افغانی و کرایه خانه هشت هزار افغانی داشته باشد اولاً "پرداخت یک هزار کرایه اضافه خانه را از کجا دریافت نماید، ثانیاً" مصارف اولیه خوراک و پوشاک از کجا و چگونه تمویل گردد.

اگر اطفال مامور دولت لباس نداشته باشند و در بستر مریضی بدون داکتر وادویه استراحت باشند و میعاد کرایه خانه نیز تکمیل و در خانه مواد خوراکه تمام گردیده باشد در اینحالت چگونه توقع گردد تا مامور دولت دست به ارتکاب جرایم فساد اداری نزده و صادقانه خدمت نماید.

چون مثال های مشکلات مامورین در تمام ادارات افغانستان نزد همه گان محسوس است لذا نیاز به ارایه مثال ندارد اما آنچه مهم است اینکه

دولت باید بخاطر تعیین مقدار معاش مامورین مطابق ضروریات اولیه و متناسب به شرایط اقتصادی کشور تجدید نظر و دقت نموده در غیر آن مجازات و محاکمه مامورین راه حل مبارزه با فساد اداری نبوده و نه هم نتیجه موثر و واقعی خواهند داشت.

۱۹.۱ راه حل مشکلات کمبود معاشات مامورین

بصورت نهایت واضح، مشکلات و عواقب کمبود معاشات مامورین دولت در فوق توضیح گردید، و این نهایت واضح است که کارمندان دولتی بخصوص کارمندان ادارات عدلی و قضایی معاشات نهایت ناچیز داشته و اکثراً "دیده می شود که یک کارمند مسلکی ادارات عدلی و قضایی که دارای معاش حدوداً "هفت هزار افغانی بوده، جهت بررسی و تحقیق قضیه اختلاس میلیون ها دالر توظیف می گردد، که طبعاً در چنین حالت داشتن انتظار اجرای وظایف صادقانه از مامور مذکور متصور نخواهد بود، لذا رفع مشکلات معاشات مامورین در حقیقت از بین بردن یکی از عوامل فساد برانگیز در ادارات دولتی بوده است.

بناءً رفع مشکلات معاشات ضرورت به طرح و تطبیق برنامه منظم با در نظر داشت شرایط عینی کشور داشته است چنانچه از بین بردن تفاوت معاشات میان مامورین و تعیین و تثبیت معاش مامورین متناسب به ضروریات آنها یکی از اولویتهای دولت جهت مبارزه با فساد اداری دانسته میشود، در غیر آن مجازات تمامی مامورین دولت به نسبت ارتکاب جرایم فساد اداری در امر مبارزه با فساد اداری موثریت نخواهند داشت.

نتیجه گیری

با توجه به جریان فوق میتوان نتیجه گرفت اینکه، فساد اداری امروزه از جمله مشکل ملی نه بلکه به عنوان مشکل بین المللی به شمار میاید و از موجودیت آن تمام کشورهای جهان متاثر گردیده اند بناءً با پدیده جهان شمول فساد اداری مبارزه ملی امکان پذیر نبوده بلکه ضرورت به همکاری بین المللی داشته است روی همین ملحوظ بوده که کشورهای جهان در شهر مریدا ایالات متحده امریکا به تاریخ ۹/۸/۱۳۸۲ هجری شمسی که مصادف است به ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد اداری را به امضا رسانیدن که افغانستان نیز به آن ملحق و کنوانسیون مبارزه با فساد اداری ملل متحد را شورای محترم ملی تصویب و مقام محترم ریاست ج.ا.ا. توشیح و در جریده رسمی نشر گردیده است. کنوانسیون متذکره کشورهای عضو را مکلف به یک سلسله اقدامات پیشگیرانه و معالجوی نموده تا با همکاری یکدیگر در کاهش همچو جرایم فایق آیند.

افغانستان هم بخاطر تطبیق مواد کنوانسیون متذکره و بخاطر وقایه و معالجه جرایم فساد اداری از یکطرف یک سلسله قوانین را ایجاد کرد و از

جانب دیگر به تاسیس ادارات مختلف اقدام نموده اند که در بخش تدوین قوانین میتوان از قانون مبارزه با تطهیر پول، قانون مبارزه با تمویل تروریزوم، قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه با فساد اداری و قانون خدمات ملکی نام برد و در بخش تاسیس و ایجاد ادارات میتوان از ایجاد واحد استخبارات مالی دافغانستان بانک، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری یاد آور گردید.

اما متأسفانه افغانستان با وجود الحاق به کنوانسیون مبارزه با فساد اداری ملل متحد و ایجاد قوانین و ادارات مختلف و مصارف هنگفت بودجه دولتی در خصوص اجرای آن در مورد وقایه و معالجه جرایم فساد اداری، به اساس تذکر مشکلات مردم در سکتورهای مختلف که در فوق طور فشرده ذکر گردید، موفقیت چشمگیری نداشته بلکه در امر مبارزه با فساد اداری دست آورد واقعی قابل قبول مردم و جامعه جهانی را ندارد.

افغانستان در تمام سکتورها مشکلات فراوان داشته که بخاطر رفع مشکلات متذکره راه حل های مشخص وجود دارد که طور فشرده در فوق بیان گردید اما ایجاد اصلاحات و تطبیق راه حل های اصلاحی ضرورت به برنامه های واضح داشته که باید در چارچوب ستراتیژی طرز العمل اصلاح اداره جابجا گردد.

گرچه افغانستان از سالهای قبل ستراتیژی طرز العمل اصلاح اداره را تدوین نموده است اما متأسفانه با گذشت سالها، الی اکنون، حکومت به تطبیق آن اقدام ننموده اند که طبعاً گذشت زمان باعث گردیده تا ستراتیژی

متذکره فعلاً با پیشرفت‌های عرصه‌های مختلف و شرایط فعلی کشور تطابق نداشته باشد.

لذا بهتر است تا ستراتیژی متذکره با در نظر داشت مشکلات و راه حل‌های اصلاحی که در فوق طور فشرده بیان گردید، بازنگری و مطابق برنامه‌های حکومت آینده هماهنگ و بعداً حکومت در تطبیق و نظارت آن اقدام جدی نمایند.

از طرف دیگر لازم است تا ادارات عدلی و قضایی در شیوه مبارزه با فساد اداری تجدید نظر نموده و سعی نمایند که اجراآت خویش را همگام با معیارهای مسلکی و جهانی عیار تا با تطبیق قانون و تامین عدالت با فساد اداری مبارزه صورت گرفته و اعتماد مردم نسبت به دولت جلب خواهند گردید.

نکته که می‌خواهم در اخیر بیان کنم اینست که ایجاد اصلاحات و مبارزه با فساد اداری هنگامی امکان پذیر خواهد بود که نخست از همه اراده سیاسی قاطع جهت مبارزه با فساد موجود باشد ثانیاً موجودیت برنامه جهت مبارزه با فساد نهایت با اهمیت بوده ثالثاً موجودیت کادر ورزیده که متعهد به تطبیق برنامه‌های حکومت باشد باعث می‌گردد تا انشا الله فساد سیر نزولی خویش را آغاز و نهایتاً به احد اقل کاهش یابد.

ومن الله توفیق

فهرست ماخذ و منابع

۱. قران کریم آیه شریفه ۱۱ سوره حجرات.
۲. امانی، رضا، حمید (مقاله بررسی ابعاد کیفری شنود غیر مجاز در عرصه فن آوری اطلاعات و ارتباطات) نشانی سایت اینترنتی www.maavanews.ir
۳. ثانی، حمید (مقاله، چگونه تلفن های همراه شنود می شود؟) نشانی سایت اینترنتی www.momenin.org سال انتشار ۱۳۸۸.
۴. خانی، جلیل، بحرام (مقاله، فساد اداری، حکمرانی خوب) سایت اینترنتی مدیریت تحول، نشانی jalilkhani.blogfa.com سال ۱۳۸۶.
۵. نصیری، محمد (مقاله، متدولوژی کشف جرایم رایانه ایی) نشانی security.itpro.ir.
۶. دهخدا، لغت نامه، نشانی سایت اینترنتی www.vajehyab.com/dehkhoda.
۷. معین، فرهنگ، نشانی سایت اینترنتی www.vajehyob.com/moein

۸. رستمی، اکبر (گزارش تحقیقی، معادن افغانستان تاراج می شود)
روزنامه هشت صبح، نشانی اینترنتی، -am.af-report-afghanistan
mines، سال ۱۳۹۲.
۹. پوپل، کریم، (مقاله، مخابرات در افغانستان) تعریف مخابرات، نشانی
سایت اینترنتی، www.kotiposti.net/msaleha/nai.
۱۰. نوشت، سیتنا، (مقاله، چگونگی شنود موبایل و روش های مقابله با آن)
نشانی اینترنتی، www.khabarfarsi.com، سال ۱۳۹۱.
۱۱. رسمی، جریده، افغانستان، اساسی، قانون، (ماده ۳۷) تاریخ انفاذ
۶/۱۱/۱۳۸۲.
۱۲. رسمی، جریده، جزا قانون، تاریخ انفاذ ۱۳۵۵.
۱۳. رسمی، جریده، (قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی) شماره
۱۵۳ تاریخ ۱۰/۵/۱۳۶۶.
۱۴. رسمی، جریده، (قانون اجراءات جزایی) مورخ ۳۰/۱۰/۱۳۹۲.
۱۵. رسمی، جریده، (قانون پولیس) مورخ ۲۰/۶/۱۳۸۴.
۱۶. رسمی، جریده، (قانون تشکیلات وصلاحیت محاکم) مورخ
۲۱/۲/۱۳۸۴.
۱۷. رسمی، جریده، (قانون مبارزه علیه مواد مخدر) مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۴.
۱۸. رسمی، جریده، (قانون مبارزه علیه تطهیرپول) مورخ ۲۶/۷/۱۳۸۳.
۱۹. رسمی، جریده، (قانون تشکیل وصلاحیت حارنوالی) مورخ
۲۰. رسمی، جریده، (قانون مبارزه علیه خشونت زنان) مورخ
۲۱. رسمی، جریده، (قانون تدارکات) مورخ

۲۲. رسمی، جریده، (قانون بانكداري) مورخ
۲۳. رسمی، جریده، (قانون ماليات بر عايدات) ، مورخ
۲۴. اعلاميه جهاني حقوق بشر مورخ
۲۵. ميثاق بين المللي حقوق مدني وسياسي
۲۶. اعلاميه اسلامي حقوق بشر
۲۷. قانون نظارت بر تطبيق ستراتيژي مبارزه با فساد اداري، طي فرمان شماره (۶۳) ۳۱/۴/۱۳۸۷ رياست ج.ا.ا
۲۸. فرمان شماره (۶۱) مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۸ مقام رياست جمهوري اسلامي افغانستان.
۲۹. حکم (۵۶۷۵) مورخ ۷/۱۰/۱۳۸۹ مقام رياست جمهوري اسلامي افغانستان (ايجاد کميته مستقل مشترک مبارزه با فساد اداري)
۳۰. ستراتيژي طرز العمل اصلاح اداره، مورخ
۳۱. گزارش تحقيقي روزنامه هشت صبح (معادن افغانستان تاراج مي شود) نشاني انترنتي -report-afghanistan-۱۱/۰۱/۱۳۹۲/۸am.af.mines

سال شمار زنده گی احمد راشد طوطاخیل

تولد ۲۰میزان ۱۳۶۴ خورشیدی در ناحیه چهارم شهر کابل.

۱۳۸۱ فراغت از لیسه عالی تجربوی میوند به درجه بکلوریا.

۱۳۸۶ فراغت از رشته قضا و خانونوالی پوهنخی حقوق و علوم سیاسی

پوهنتون کابل.

۱۳۸۶ تکمیل و فراغت از کورس آموزش ستاژ حقوقی

۱۳۸۶ شمولیت در وظیفه به حیث خانونوال تدقیق و مطالعات لوی

خانونوالی.

۱۳۸۷ اخذ و دریافت تقدیر نامه درجه دوم.

۱۳۸۷ تکمیل و سپری نمودن کورس های متعدد حقوقی.

۱۹/سرطان/۱۳۸۷ خانونوال جزای عمومی ستره محکمه.

۲۶/اسد/۱۳۸۷ خانونوال تدقیق و مطالعات لوی خانونوالی

۱۵/میزان/۱۳۸۷ خانونوال تحقیق ریاست تحقیق جرایم مرکزی.

۱۳۸۸ تکمیل و فراغت از کورس یکساله ستاژ لوی خانونوالی ج.ا.ا.

۶/ثور/۱۳۸۸ خانونوال ریاست خانونوالی مبارزه با جرایم فساد اداری

۱۴/جوزا/۱۳۹۰ تثبیت درجه کادری خارنیار از جانب کمیسیون ومقام لوی خارنوالی.

۱۳/سنبله/۱۳۹۰ اخذ ودریافت تقدیر نامه درجه دوم.

۱۳۹۰ فراغت از کورس اکادمی مبارزه با فساد اداری کشور مالیزیا.

۲۰۱۱ میلادی(۱۳۹۰)خورشیدی، در شهر سیول کوریا از طرف انجمن بین المللی خارنوالان در حضور داشت لوی خارنوالان وحقوقدانان جهان بحیث خارنوال سال ۲۰۱۱ در سطح جهان معرفی، ایوارد وتقدير نامه بدست آورد.

۱۳۹۱ شمولیت وآغازدوره ماستری رشته حقوق بین الملل طور نیمه حضوری در فاکولته حقوق پوهنتون ملی تاجکستان.

۱۳۹۱ طبق حکم ۷۵۲۹ محترم ریس جمهور کشور، بحیث ریس دفتر اداره عالی مبارزه با فساد اداری جمهوری اسلامی افغانستان.